

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چکیده مقالات

پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

همکاری و پیشرفت

۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

به صورت حضوری- مجازی

conference.olgou.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده مقالات پانزدهمین کنفرانس
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
همگرایی و پیشرفت

۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

این کنفرانس به صورت حضوری - مجازی برگزار می‌شود.

رهبر شهید انقلاب اسلامی (قدس الله نفسه الزکیه):

این سند اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت را تدوین کرده و افق مطلوب کشور را در پنج دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای نیل به آن را طراحی کرده است که با تحقق آن که کاری عظیم و دشوار، اما ممکن و شیرین است کشور راه پیشرفت را خواهد پیمود و طلعه مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست‌بوم ایران رُخ خواهد نمود. ان شاءالله.

بخشی از فراخوان رهبر شهید انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه

اسلامی ایرانی پیشرفت، مهرماه ۱۳۹۷

دیرخانه پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چکیده مقالات پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

همگرایی و پیشرفت

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۳۵۲۰۸۰ - ۰۲۱ ۸۸۳۵۲۰۷۱

دورنگار: ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

وبگاه: conference.olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان دکتر احمدی، روبه‌روی بیمارستان شریعی، شماره ۳

مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در چکیده‌های مقالات بر عهده نویسنده (گان) محترم است.

پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

همگرایی و پیشرفت

محورهای موضوعی:

- * همگرایی ملی و پیشرفت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی
- * همگرایی و هویت ملی و اندیشه پیشرفت در تاریخ ایران و جهان
- * همگرایی فکری - عقیدتی و فرهنگی - هویتی و نقش آن در پیشرفت
- * همگرایی ملی و مفاهیم پایه‌ای پیشرفت (نظیر تفکر، معنویت، علم و ...)
- * همگرایی ملی و عدالت (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی)
- * مبانی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی همبستگی مدنی، سیاسی و ملی معطوف به پیشرفت
- * ظرفیت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تقویت همگرایی
- * نقش و جایگاه قانون اساسی، رهبری، گروه‌های مرجع و نخبگان در تقویت همگرایی معطوف به پیشرفت
- * نقش تنوع و تکثر فرهنگی و قومی در همگرایی و پیشرفت
- * همگرایی ملی و سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی
- * فضای مجازی و همگرایی ملی و پیشرفت
- * جهانی شدن و پدیده‌های نوظهور فرهنگی و پاسداری از همگرایی و هویت ملی
- * همگرایی منطقه‌ای و همبستگی اسلامی و پیشرفت

International Conference on Progress (ICP-2026)

Conference Theme

Convergence and Progress: A Reciprocal Relationship

Convergence in **cultural and social dimensions** is a fundamental prerequisite for achieving genuine progress.

Main Topics

- * Regional Convergence and Socio-Cultural Progress**
- * Global Experiences of Economical-Technological Convergence and Development**
- * Cultural and Ethnic Diversity as a Source of Innovation in the Context of International Convergence and Progress**

اعضای کمیته علمی

بانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر هادی اکبرزاده؛ استاد دانشگاه صنعتی اصفهان (دبیر کنفرانس)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی؛ استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دکتر سیدمحمدعلی ابراهیمزاده موسوی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر سیدرحیم ابوالحسنی؛ دانشیار دانشگاه تهران

دکتر سیدغلامرضا اسلامی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر غلامعلی افروز؛ استاد ممتاز دانشگاه تهران

دکتر مصطفی ایزدی؛ دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

دکتر ابراهیم پرزگو؛ استاد دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسینعلی بهرامی؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمدحسین بهشتی؛ استاد پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران

دکتر محمدحسین پناهی؛ استاد دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر محمدسعید جبل عاملی؛ استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر عباس حاجی آخوندی؛ استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر فریده حمیدی؛ استاد دانشگاه شهید رجایی

دکتر محسن خلیجی اسکوئی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر جلال درخشه؛ استاد دانشگاه امام صادق (ع)

دکتر محمدحسین رامشت؛ استاد دانشگاه اصفهان

دکتر غلامحسین رحیمی؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمدحسن روزی طلب؛ دانشیار سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی

دکتر محمدهادی زاهدی وفا؛ دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

دکتر حسین سالارآملی؛ استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر

دکتر مهدی صادقی شاهدانی؛ استاد دانشگاه امام صادق (ع)

دکتر سهیلا صادقی فسایی؛ استاد دانشگاه تهران

آیت... ابوالقاسم علیدوست؛ استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم

دکتر موسی عنبری؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر شهلا کاظمی پور؛ دانشیار دانشگاه تهران

دکتر محمدعلی کی نژاد؛ استاد دانشگاه صنعتی تبریز

دکتر مسعود گلچین؛ استاد دانشگاه خوارزمی

دکتر ابراهیم متقی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر سیدفضل الله موسوی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر علی اکبر موسوی موحدی؛ استاد ممتاز دانشگاه تهران

حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین میرمعزی؛ دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دکتر سیدابوالقاسم نقیبی؛ استاد دانشگاه شهید مطهری

دکتر شهریار نیازی؛ دانشیار دانشگاه تهران

دکتر سعید یزدانی؛ استاد دانشگاه تهران

دکتر علی یوسفی؛ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

اعضای کمیته بین الملل

پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر حسین سالارآملی؛ استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر (رئیس کمیته بین الملل)

دکتر هادی اکبرزاده؛ استاد دانشگاه صنعتی اصفهان

دکتر ماندانا تیشه یار؛ استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

دکتر حجت اله حاجی حسینی؛ استاد سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدمفید حسینی کوهساری؛ استادیار جامعه المصطفی (ص)

دکتر سعید خطیب زاده؛ رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه

دکتر محدرضا دهشیری؛ استاد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

دکتر محمدعلی ربانی؛ استادیار و مدیر همکاری های علمی و دانشگاهی سازمان فرهنگ و

ارتباطات اسلامی

دکتر امید رضائی فر؛ استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر

دکتر رضا ملکی؛ استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

اعضای کمیته‌های هماهنگی

پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

امور علمی

کمیته راهبری کنفرانس:

دکتر هادی اکبرزاده (دبیر کنفرانس و رئیس کمیته راهبری)، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی، دکتر حسین علی بهرامی، دکتر محمدحسین پناهی، دکتر محمدسعید جبل‌عاملی، دکتر جلال درخشه، دکتر محمدحسن روزی‌طلب، دکتر حسین سالار آملی، دکتر موسی عنبری و دکتر شهریار نیازی.

همکاران امور داوری:

دکتر خدابخش احمدی، دکتر بهرام اخوان کاظمی، دکتر سیدغلامرضا اسلامی، دکتر علی امیری، دکتر الهام پورمهابادیان، مهندس عباسقلی جهانی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلیرضا حسینی، دکتر سیمین حسینیان، دکتر فریده حمیدی، دکتر جلال درخشه، دکتر محمدحسین رامشت، دکتر محمدحسن روزی‌طلب، دکتر اکرم‌السادات سادات حسینی، مهندس خسرو سلجوقی، دکتر محمد سلیمانی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدکاظم سیدباقری، دکتر مهدی صادقی شاهدانی، دکتر محمد شاهدهی، دکتر رسول عباسی، دکتر موسی عنبری، دکتر غلامرضا غفاری، دکتر منوچهر فرج‌زاده، دکتر سیدسپهر قاضی‌نوری، دکتر شهلا کاظمی‌پور، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مسلم گریوانی، دکتر علی محقر، دکتر یوسف محمدزاده، دکتر سیدمحمد میرسندسی، دکتر امین نواختی‌مقدم، دکتر جاوید نوبخت، دکتر رقیه نوری‌پور لیاولی.

امور ارتباطات

مسئول: علی متقیان

همکاران: احمد کرد و احسان عباسی

امور انتشارات

مسئول: دکتر نجف الهیاری فرد

همکاران: دکتر غلامرضا زارع و غلامعلی فرامرزی

امور اجرایی و پشتیبانی

دبیر کمیته اجرایی و مسئول پشتیبانی: محمدرضا رضانیا

همکاران پشتیبانی: سیروس قنادی و مصطفی نوری

امور فناوری اطلاعات

مشاور امور فناوری اطلاعات: دکتر مهرداد روانشاد

همکاران: دکتر امیرمحمد طاهری و مهندس بهلول محمدی

دبیرخانه کنفرانس

مسئول: دکتر همت ایمانی

همکار: حسین بهنیا

فهرست مطالب

- بخش اول: مقالات شفاهی ۱
- محور اول: همگرایی و پیشرفت علمی ایران (با همکاری اندیشکده علم و اندیشکده چرخه نوآوری) ۲
- دانشگاه در تراز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۳
غلامحسین رحیمی
- پیچیدگی های علمی و همگرایی سیاسی ۷
سیدسپهر قاضی نوری
- جایگاه مکتب آینده پژوهی ایرانی در تقویت همگرایی ملی در آینده ایران ۹
محمدرحیم عیوضی
- همگرایی علم و فناوری در افق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت؛ مفاهیم، کلان روندها، نظریه ها، مدل ها، دلالت ها و پیامدها ۱۱
محمدرضا کریمی قهرودی
- نقش سیاست های حفظ نخبگان در تقویت همگرایی ملی و پیشرفت: تحلیلی رفتاری از برنامه های توسعه ایران ۱۳
امیررضا نریمانی، محمدجواد بیات
- محور دوم: حکمرانی مطلوب و نقش آن در تقویت همبستگی ملی (با همکاری اندیشکده سیاست) ۱۵
- بررسی و نقد رویکردها و نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری جمهوری اسلامی در همگرایی ملی ۱۶
سیدعباس نبوی

- نقش حکمرانی شایسته در همبستگی ملی؛ با تمرکز بر قانون اساسی و سند الگوی پیشرفت ۱۸
جلال درخشه
- همگرایی و واگرایی ملی؛ چارچوبی نظری برای تحلیل بحران‌های هویتی در ایران معاصر ۲۰
سیدرحیم ابوالحسنی
- نقش چرخه حکمرانی در همبستگی ملی ۲۲
نجف لکزایی
- تدابیر سیاسی و منطق همگرایی مفهومی در سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ۲۴
علیرضا کلاتر مهرجردی
- محور سوم: عدالت و همگرایی ملی (با همکاری اندیشکده عدالت) ۲۶
نسبت مؤلفه‌های عدالت اقتصادی با همگرایی ملی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۷
حسین عیوضلو
- عدالت اجتماعی و همگرایی در تاریخ صدر اسلام و خوانش معاصر آن در الگوی ایرانی اسلامی ۲۹
ابراهیم برزگر
- عدالت و همگرایی ملی در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۳۰
سید کاظم سیدباقری
- چالش‌های فراروی برابری‌های عادلانه و همگرایی در ایران ۳۳
سیدمحمد میرسندسی
- پیشرفت عادلانه فضایی و همگرایی ملی ۳۴
حسین حاتمی‌نژاد

محور چهارم: همگرایی ملی و مفاهیم پایه‌ای پیشرفت ۳۶

همگرایی ملی در ایران؛ چیستی، چالش‌ها و راهبردهای نوین ۳۷

یحیی فوزی

مبانی همگرایی و نتایج حقوقی مترتب بر آن در قرآن کریم ۳۹

سیدابوالقاسم نقیبی

واکاوی ابعاد شهروندی و همگرایی اجتماعی - سیاسی در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی

آملی ۴۲

علی آقاجانی

سیاست دوستی؛ همگرایی ملی در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت ۴۴

طاهره شریف

تحلیل جامعه‌شناختی همگرایی ملی در ایران: مبانی نظری و راهبردهای تقویت همگرایی

..... ۴۶

ابوالفضل امیرور

محور پنجم: آمایش بنیادین و همگرایی ملی (با همکاری اندیشکده آمایش

بنیادین) ۴۸

فلسفه میان فرهنگی، فضای سایبری و همپیوندی‌های نظری در آمایش بنیادین ۴۹

محمد عسگری، محمدحسین رامشت

تبیین نقش تاب‌آوری ژئوپلیتیکی و همگرایی ملی ۵۱

محمد اخباری

توازن منطقه‌ای و همگرایی ملی ۵۳

حسین آرامی

تنوع قومی- فرهنگی به عنوان مزیت راهبردی در الگوی پیشرفت: چارچوبی
شناخت محور برای انسجام اجتماعی در ایران ۵۴
لیلا اردبیلی

سازوکارهای توسعه منابع انسانی برای بهره‌گیری از تنوع و تکثر فرهنگی- قومی در مسیر
همگرایی و پیشرفت ملی ۵۶
علیرضا مرادی

تبیین ژئوپلیتیک اثرات تمرکززدایی بر همگرایی ملی در کشور ایران ۵۸
عابد گل کرمی

محور ششم: همبستگی اجتماعی و نسبت آن با امنیت ملی ایران (با همکاری
اندیشکده امنیت و دفاع) ۶۰
نشانه‌شناسی و فرآیند همگرایی ملی؛ پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ۶۱
ابراهیم متقی

منطق عاطفه و سیاست عاطفی: بازاندیشی در همگرایی منطقه‌ای خلیج فارس ۶۳
مرتضی نورمحمدی

قطبی‌شدگی، بحران‌های امنیتی و امتناع پیشرفت در ایران ۶۵
مجتبی قلی‌پور

امنیت ملی، همبستگی اجتماعی و فرهنگ راهبردی عاشورا (نقدی بر قرائت فدیه‌ای
عاشورا) ۶۷
سعید حاجی‌ناصری

بررسی رابطه دوسویه همبستگی ملی و توسعه سیاسی ۶۸
ابوالفضل امیرور

- محور هفتم: همگرایی تأمین امنیت غذایی و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیست کشور (با همکاری اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی) ... ۷۰
لزوم همگرایی و عزم ملی جهت حفاظت از تنوع زیستی ۷۱
اسکندر زند، زینب حسین نژاد
- محیط‌زیست و حق بر آن از دیدگاه اسلام ۷۳
سیدفضل‌الله موسوی
- ضرورت استقرار حکمرانی یکپارچه غذا برای تأمین غذای حلال و سالم در ایران ۷۵
محمد شاهدی
- نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی، عامل مهم همگرایی و پیشرفت در روستاها و قطب‌های کشاورزی ۷۷
منوچهر گرجی
- نیازهای فناوری نوین و رویکردهای جدید جهت ارتقای همبست انرژی و آب در افق بلندمدت با توجه به پدیده تغییر اقلیم ۷۹
مجید عباسپور، آیدا احمدی
- نقش همگرایی سیاست‌ها در حکمرانی آب ۸۱
جواد فرهودی
- همگرایی برای حفظ و بهره‌برداری پایدار منابع خاک کشور ۸۴
محمدحسن روزی‌طلب
- همگرایی ملی برای تأمین آب مورد نیاز کشور در افق بلندمدت با توجه به آمایش سرزمین ۸۷
عباس شفیعی

- محور هشتم: نقش خانواده در تقویت همبستگی اجتماعی، همگرایی ملی، امنیت و پیشرفت کشور (با همکاری اندیشکده خانواده) ۸۸
- طراحی برنامه‌های ملی خانواده‌محور (منشور خانواده‌محوری) ۸۹
غلامعلی افروز
- پایداری خانواده و همبستگی ملی و پیشرفت جامعه ۹۱
شکوه نوایی نژاد
- توانمندسازی شناختی زنان به مثابه پیشران همگرایی اجتماعی و امنیت پایدار ۹۵
فریده حمیدی
- تعالی خانواده، سرمایه اجتماعی و پیشرفت ۹۷
حبیب‌اله مسعودی فرید
- چالش انسجام بلندمدت خانواده ایرانی: طلاق‌های دیر هنگام و ضرورت‌های سیاست‌گذاری خانواده ۹۹
لیلا فلاحتی
- نقش خانواده مستحکم در امنیت ملی ۱۰۱
خدابخش احمدی
- همگرایی خانواده و نقش آن در ارتقاء سرمایه اجتماعی، سلامت روان و همگرایی ملی ۱۰۴
سیمین حسینیان، حنا پناهی‌پور
- همگرایی ملی و عدالت در نظام سلامت ایران: اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ۱۰۶
اکرم‌السادات سادات حسینی

- بازنمایی هویت ملی در تجارب زیسته نوجوانان و پیامدهای آن برای همگرایی اجتماعی و پیشرفت ۱۰۸
- رقیه نوری پور لیاولی، رقیه خدادادی، سیمین حسینیان
- نقش معیارهای اخلاق و معنویت در همسرگزینی و کارکرد آن در استحکام خانواده و انسجام و امنیت ملی ۱۱۰
- شیمای عابدین نسب
- اقتدار ملی و فرزندآوری در منظومه معرفتی ایرانیان ۱۱۲
- محمدحسین ساجدی نیا
- محور نهم: معنویت و همگرایی ملی (با همکاری اندیشکده معنویت) ۱۱۶**
- دیپلماسی رحمت: چارچوبی برای نقش آفرینی معنوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ۱۱۷
- احمد شاکر نژاد
- تأثیر شبکه روابط روحی بر همگرایی ملی ۱۱۹
- حمیدرضا مظاهری سیف
- نقش معنویت در وفاق ایمانی و ایرانی ۱۲۱
- مسلم گریوانی
- جلوه‌هایی از سبک زندگی ایرانی - اسلامی در پیام‌های معنوی ادب فارسی ۱۲۳
- سیدحسن شهرستانی
- مقایسه معنویت و سلامت معنوی از دیدگاه یونگ، راجرز و سهروردی ۱۲۵
- باقر غباری بناب، سروش رنجبر

محور دهم: نقش مبانی فکری - فرهنگی ج.ا.ایران در تحقق همگرایی ملی ۱۲۷

همگرایی ملی و پیشرفت؛ رویکرد فرهنگ‌بنیان ۱۲۸

حمیدرضا فرهمند

صورت‌بندی رابطه حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه با همگرایی و سرمایه اجتماعی در

جمهوری اسلامی (نظریه‌ها، چالش‌ها، پیامدها و راهکارها) ۱۳۰

علی آقاجانی

تبیین ظرفیت‌های سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تقویت همگرایی ۱۳۳

داود طالبی، زهرا رحمانی

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و الزامات سواد رسانه‌ای برای تحقق همگرایی ملی در

آینده ۱۳۵

سعید قربانی، لیلا وصالی

نقش قانون اساسی در تعالی و پیشرفت ملی به واسطه الگوی اسلامی ایرانی ۱۳۷

رضا مهدی

بخش دوم: مقالات پوستری ۱۳۹

ابعاد کلیدی هویت ملی و کارکردهای آن در تقویت همبستگی اجتماعی ۱۴۰

تهمینه رئیس‌السادات

پیوند همگرایی ملی با توسعه علم، فناوری و نوآوری: مبانی نظری، شواهد تجربی و

تحلیل وضعیت ایران ۱۴۲

محمدحسین بهشتی، سمیه رضوانی

نظام رصد مسائل و مأموریت‌های پژوهشی به مثابه زیرساخت همگرایی در پیشرفت؛

چارچوبی برای افزایش بهره‌وری نظام پژوهش کشور ۱۴۴

سمیه رضوانی، محمدحسین بهشتی

- جایگاه قانون اساسی، رهبری، گروه‌های مرجع و نخبگان برای تقویت همگرایی معطوف
 به پیشرفت در اسناد سیاستی نظام آموزشی کشور ۱۴۶
 ملیکا نجفی چالشری، اصغر زمانی
- نقش یگان‌های هوایی فراجا در همگرایی و پیشرفت امنیت جمهوری اسلامی ایران .. ۱۴۸
 علیرضا سخاوت بنیس
- جهانی شدن و اقتصاد شهری: همگرایی یا واگرایی؟ ۱۵۰
 لطفعلی کوزه‌گر کالجی، بتول حسینی تلی، پرویز آقایی
- همگرایی ملی به مثابه بستر پیشرفت: تبیین نقش مدیریت جهادی با رویکردی کاربردی
 ۱۵۲
 داود طالبی، زهرا رحمانی
- همبستگی اسلامی و همگرایی منطقه‌ای: نقش ایران در بحران بوسنی و هرزگوین در
 تقویت پیشرفت و اتحاد کشورهای مسلمان ۱۵۴
 محمدمهدی آخوندی
- طراحی به مثابه سیاست فرهنگی: امکان‌سنجی حکمرانی دیزاین در شکل‌دهی هویت و
 ذائقه زیبایی‌شناسانه جامعه ایرانی ۱۵۶
 فاطمه بهلی بهل، امیربهادر خلخالی، سیامک پدارم مهر
- امامزادگان به مثابه کانون‌های محلی مغفول در راستای تقویت همگرایی تمدنی- فرهنگی
 (مطالعه موردی: امامزاده یحیی (ع) کلیدر)..... ۱۵۸
 مصطفی لعل شاطری، پیمان ابوالشری، مهلا محمودی
- نقش و کارکرد دین در جامعه پسااسکولار از منظر هابرماس (زمینه‌ای برای گفت‌وگو و
 همگرایی فکری)..... ۱۶۰
 فردین نراقی، علیرضا اسمعیل‌زاد، رضا نصیری حامد

- طراحی مدل ساختاری تأثیر انسجام اجتماعی بر شاخص‌های ترکیبی رفاه و توسعه اقتصادی در ایران ۱۶۲
توفیق رسولی
- آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی صنعت نفت ایران در تحقق پیشرفت اقتصادی ۱۶۴
امیررضا نریمانی، احمدرضا ابادری
- نقش و جایگاه قانون اساسی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران ۱۶۶
عظیم متین
- رابطه فساد سیاسی و رشد اقتصادی در کشورهای با اقتصاد رانتیر ۱۶۸
امین نواختی مقدم، سمیرا عالی نسب
- نقش علوم شناختی در همگرایی معرفتی، اجتماعی و فناورانه تمدنی؛ چارچوبی راهبردی برای تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه سلامت در بستر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و فضای مجازی ۱۷۰
محمدحسین مهرالحسنی، رستم سیف‌الدینی، روحانه رحیمی صادق
- تحلیل تطبیقی اصول معماری اسلامی با مؤلفه‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت .. ۱۷۲
علی صادقی حبیب‌آباد
- همبست آب، غذا با رشد جمعیت و اقتصاد سال ۱۴۲۰ ۱۷۴
کوروش جوادی پاشاکی، ریحانه سادات حاج میرصادقی، حمید محمدی، محمدصادق مهدوی خرمی
- نقش خانواده آرامش‌آفرین در ارتقای منزلت اجتماعی خانواده و پیشرفت اجتماعی . ۱۷۶
امیرمحمد طاهری
- کشت فراسرزمینی: ظرفیتی برای تقویت همگرایی منطقه‌ای ایران ۱۷۸
سارا جلوداریان، علیرضا طلائی، سیدحمید ظفری‌نیا

اقتصاد تعاونی و نهضت مشارکت در همگرایی و توسعه پایدار بر پایه اقتصاد سکویی و

شبکه‌ای شبکه‌ای ۱۸۰

محمد رضا رضوانی، علی اکبر رضوانی

بخش اول:
مقالات شفاهی

محور اول:

همگرایی و پیشرفت علمی ایران

(با همکاری اندیشکده علم و اندیشکده چرخه

نوآوری)

دانشگاه در تراز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

غلامحسین رحیمی^۱

چکیده

در تدابیر حوزه علم مندرج در سند الگو آمده است: "گسترش دامنه تحقیق و نظریه پردازی و گفت‌وگو سازی برای تبیین سازگاری دو گانه های علم و دین، پیشرفت و عدالت، ایرانی بودن و اسلامیت، ثروت آفرینی و معنویت و مانند آنها". این مقاله دو گانه های مذکور را در دانشگاهی در تراز الگو می‌کاود. فشرده ملاحظات پیرامون دو گانه ها به قرار زیر هستند: چند ملاحظه اولیه: الف) انواع دو گانه ها که در مقاله مطرح شده اند، لزوماً همجنس و هم عرض یا از یک مقوله نیستند. تنها چون دوتایی هستند، در کنار هم قرار گرفته اند. ب) غالب دوتایی ها در جوامع دیگر نیز مطرح هستند. شدت و ضعف، اهمیت و کم اهمیت، قوت و شدت ربط آنها متفاوت است. پ) مهم آن است که تمام دو گانه ها در هدف یا اهداف متحد و همگرا به سوی تحقق اهداف متعالی نظام علمی باشند.

چند فرض اولیه: در نسبت و ربط بین دو گانه ها، دو فرض قابل تصور است:

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
rahimi_gh@modares.ac.ir.

الف) دو گانه‌ها دو هویت متفاوت (و شاید مستقل) دارند؛ که می‌توانند نسبت به هم: الف) همگرا؛ ب) سازگار؛ پ) بی‌تفاوت؛ و یا ت) در تقابل و در نتیجه در تنازع، باشند. ب) دو گانه‌ها، دو مفهوم متنوع از یک واقعیت واحد هستند؛ در این صورت: الف) متحد هستند؛ ب) یکی بخشی از دیگری است؛ پ) یکی نتیجه دیگری است؛ ت) دو مجموعه طولی پیوسته هستند. این مقاله وجود دو گانه‌ها را طبیعی می‌داند و بر همگرایی آنها تأکید می‌ورزد.

مهم‌ترین دو گانه‌ها در نظام علمی

مهم‌ترین دو گانه‌های در دانشگاه به معنای اخص و نظام علمی (آموزشی و پژوهشی) به معنای اعم به قرار زیر است:

یک- همگرایی علم و عمل: علم نظری، علم مهارتی، پژوهش و فناوری.

دو- همگرایی مرجعیت (پیشرو) و تبعیت (پیرو) علمی: تا پیرو نباشیم نمی‌توان پیشرو بود. آیا مسیر ما نیل به پیشرو شدن است؟ چگونه می‌توان تبعیت را به

مرجعیت تبدیل کرد؟ آیا همزمانی مرجعیت و تبعیت علمی ممکن است؟

سه- همگرایی علم و دین: اگر منشأ دین الهام الهی است که بر قلب پیامبران نازل می‌شود (عالم تشریح)، منشأ علم طبیعی نیز پدیده‌های طبیعی هستند که مخلوق همان الله می‌باشند (عالم تکوین). احتمالاً اولین مرحله سازگاری طبیعات و الهیات است.

چهار- همگرایی معنویت (آخرت‌گرایی) و مادیت (دنیاطلبی): باید سازگاری بین «سبک زندگی دینی» و «شیوه عمل دنیایی» پدید آید؛

پنج- همگرایی علم بومی و دانش جهانی: علم در هر حالتی هویت عمومی و جهانی دارد و از ویژگی سیالیت و جابه‌جایی‌پذیری برخوردار است. احتمالاً بتوان با قیودی علم را به بومی و جهانی تفکیک ثانوی کرد. علم بومی دانشی است که «موضوع» آن خاص ایران است مانند: ایران‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی، فقه تشیع، فناوری‌های بومی ایران. علم بومی، دانشی است که مبدأ و منشأ پدید آمدن آن ایران بوده است و البته ماهیت جهانی دارد.

شش- همگرایی دانش تجربی و علم غیرتجربی (معارف عقلی؛ دریافت‌های شهودی)

هفت- همگرایی حکومت دولتی و حکمرانی نخبگانی در نظام علمی: تمرکز و پخش قدرت، سیاست‌های متمرکز و نهادهای غیرمتمرکز؛ تنوع مدیریتی در عین وحدت.

هشت- همگرایی قدرت قانونی و اقتدار موازی در نظام علمی: وظایف قانونی دستگاه‌ها و احکام و الزامات خارج از نظام رسمی و متعارف.

نه- همگرایی نظام علمی باز و نظام علمی بسته: مدرک رسمی یا گواهی‌های ملی و بین‌المللی، برنامه باز؛ آموزش باز؛ پژوهش باز؛ فناوری باز: دانشگاه باز.

ده- مدرک‌گرایی و اعتبار علمی: مدارک جدید مبتنی بر آموزش‌های موضعی و موضوعی، اعتبار علمی بی‌مدرک رسمی.

یازده- همگرایی هوش طبیعی و هوش مصنوعی در نظام علمی: سامانه‌های هوش مصنوعی را می‌توان در دو دسته یا طیف گنجانند: الف) سامانه‌هایی (ماشین‌هایی) که می‌توانند منطقی فکر و مبتنی بر آن عمل کنند (شبه‌سازی عقلانی).

ب) سامانه‌هایی که می‌توانند مانند انسان فکر و مبتنی بر آن عمل کنند (شبه‌سازی انسانی). برای اثبات اینکه یک ماشین مانند انسان فکر و عمل می‌کند، باید نخست بدانیم که انسان چگونه فکر و عمل می‌کند. سپس آزمایش‌های هوشمندانه طراحی و انجام شود (مانند آزمایش تورینگ). اگر ماشین بتواند پنج توانایی زیر را داشته باشد، مشابه انسان می‌شود: الف) یادگیری و یاددهی؛ ب) تولید مفاهیم جدید؛ مانند: استنتاج (نتیجه‌گیری از مقدمات) و انتزاع (اخذ مفهوم کلی از مفاهیم جزئی مرتبط)؛ تعمیم (عمومیت دادن)؛ پ) تحلیل، داوری، نتیجه‌گیری؛ ت) احساسات و عواطف؛ ث) اخلاق و ارزش. با چهار ملاحظه: الف) باید همه اوصاف بالا هم‌زمان باشند؛ ب) آنها ذاتی باشند؛ پ) ارتباط و تعامل درونی داشته باشند؛ و ت) نامتتها در بستر زمان باشند. آیا امکان فراهم آوردن چنین توانایی‌هایی برای ماشین ممکن است؟

دوازده- همگرایی علم قدیم (مواریث علمی) و دانش جدید: پیوند با ریشه‌ها؛ بیگانگی با مواریث، رهیافت تاریخی در آموزش‌های علمی.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، همگرایی علمی، دوگانه‌های علم و دین، مرجعیت علمی، علم دینی و جهانی، هوش مصنوعی و هوش طبیعی.

پیچیدگی‌های علمی و همگرایی سیاسی

سیدسپهر قاضی نوری^۱

چکیده

سوابق نشان می‌دهد که سیاستمداران عوام‌گرا که برای همه مسائل پیچیده پیش روی جامعه راه‌حل‌های یکسان و ساده‌ای پیشنهاد می‌دهند، به یک نوع بیماری ذهنی مبتلا هستند: بیماری گریز از پیچیدگی. شاید به دلیل همین بیماری است که رابطه این نوع سیاستمداران با دانشمندان خوب نیست، تا جایی که در آمریکای سال ۲۰۰۹، فقط ۶ درصد دانشمندان جمهوری خواه و ۵۵ درصد آنان دموکرات بودند که این تفاوت احتمالاً در دوره ترامپ، خیلی بیشتر هم شده است. نفرت از علم و دانش باعث می‌شود که این قبیل سیاستمداران، پاسخ‌های ساده و عوام‌پسند- ولو به وضوح نادرست- را بر پاسخ‌های پیچیده و سیستم‌محور که اقتضای مشکلات امروزی هستند، ترجیح دهند. آنچه مسلم است، ذهن انسان تمایل دارد به علیت مستقیم روی بیاورد. مثلاً فکر کند که علت تورم، خرده‌فروشان هستند در حالی که واضح است که آنان به علت رقابت شدید بین خود، نمی‌توانند تغییر بزرگی در قیمت‌ها ایجاد کنند و تورم، حاصل مشکلات ساختاری اقتصاد است. اینکه فرض کنیم با اعمال کنترل شدید زنان باردار و

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
ghazinoory@modares.ac.ir.

مجازات آنها در صورت سقط جنین، می‌توان جمعیت را افزایش داد، بدین معناست که به شکلی ساده‌انگارانه، همه پارامترهای اجتماعی و اقتصادی حاکم بر فرزندآوری و خانواده را نادیده گرفته‌ایم. بر فرض که صد هزار زن را هم به این دلیل مجازات کردیم، آیا مردم و جامعه سر به راه می‌شوند و فرزندان بیشتری می‌آورند، یا از ترس، کلاً ازدواج را ترک می‌کنند؟ کاهش دسترسی مردم به وسایل جلوگیری از بارداری، باعث می‌شود کدام طبقات جامعه دارای فرزند شوند؟ فقیرترین و پایین‌ترین طبقات که بعداً هم توان تربیت و آموزش فرزندان خود را ندارند. آیا اعدام موادفروشان خرده‌پا باعث شده که معتادان از کشیدن تریاک دست بردارند و به زندگی سالمی روی آورند و یا باعث اعتیاد آنان به مواد شیمیایی بسیار خطرناک‌تر شده است؟ آیا یک دست شدن قوای سه‌گانه و حذف مخالفان، باعث افزایش کارایی حکومت‌ها می‌شود؟ واقعاً چنین راه‌حلی به ذهن سیاست‌گذاران کشورهای پیشرفته نمی‌رسد؟ تأمین آینده پایدار جامعه، به توانایی اعضای جامعه و به ویژه سیاست‌گذاران آن، در درک پیچیدگی‌های نظام‌مند مسائل و اقدام برای ایجاد انعطاف‌پذیری در برابر این پیچیدگی‌ها وابسته است. سیاستمدارانی که نتوانند پیچیدگی‌های دنیای امروز را هضم کنند، با دنیای مدرن ناسازگار هستند و موجب بروز شکاف و عقب‌ماندگی در جامعه می‌شوند.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری علمی، علوم‌گرایی، علم‌ستیزی، علیت خطی، همگرایی.

جایگاه مکتب آینده‌پژوهی ایرانی در تقویت همگرایی ملی در آینده ایران

محمد رحیم عیوضی^۱

چکیده

مکتب آینده‌پژوهی ایرانی به عنوان رویکردی بومی، مسئله‌محور و تمدنی، می‌تواند نقش مهمی در فهم عمومی و فرایند اجرایی تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ایفا کند. این مکتب در پی آن است که با اتکا بر میراث فکری، فرهنگی و تمدنی ایران و درک پیچیدگی‌های محیطی و تحولات جهانی، چارچوبی منسجم برای فهم آینده‌های ممکن، مطلوب و قابل تحقق در جهت همگرایی ملی ارائه دهد. هدف این مقاله، تبیین الزامات همگرایی معرفتی و روشی در منطق مکتب آینده‌پژوهی ایرانی به منظور تقویت ظرفیت آن در هدایت پیشرفت ملی و ارتقای کیفیت تصمیم‌سازی در نظام حکمرانی است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی- نظری و رویکرد اسنادی، به بررسی مبانی فلسفی آینده‌پژوهی، تنوع روش‌شناسی‌های این حوزه و نسبت آن با سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی آینده‌نگر می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

ra.eivazi@yahoo.com.

شکل‌گیری یک مکتب آینده‌پژوهی ایرانی اثرگذار، مستلزم انسجام معرفتی میان مبانی نظری، تلفیق رویکردهای آینده‌پژوهی هنجاری و اکتشافی، پیوند نظام تولید دانش با مسائل واقعی کشور، تقویت ظرفیت نهادی آینده‌نگری و شکل‌گیری گفت‌وگوی نهادمند میان جامعه علمی و نظام حکمرانی است. همچنین نتایج بیانگر آن است که توسعه فرهنگ آینده‌نگری بومی و استقرار یک چارچوب اندیشه‌ای منسجم در آینده‌پژوهی، می‌تواند این حوزه را از سطح یک گرایش دانشگاهی به مرجعی فکری، راهبردی و پشتیبان تصمیم‌سازی در مسیر پیشرفت تمدنی ارتقا دهد. در مجموع، همگرایی میان عناصر فلسفی، روش‌شناختی و کاربردی آینده‌پژوهی، شرطی اساسی برای تحقق نقش راهبردی مکتب آینده‌پژوهی ایرانی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی ایرانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، حکمرانی آینده‌نگر، آینده‌پژوهی هنجاری، همگرایی ملی.

همگرایی علم و فناوری در افق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ مفاهیم، کلان روندها، نظریه‌ها، مدل‌ها، دلالت‌ها و پیامدها

محمدرضا کریمی قهرودی^۱

چکیده

رشد‌نمایی و همگرایی علم و فناوری یکی از مهم‌ترین کلان‌روندها و پیشران اصلی شکل‌دهنده آینده جوامع و مؤثر بر همه ابعاد و نظامات جامعه است. بر اساس مستندات علمی مراجع جهانی، این همگرایی طی دو دهه آینده منجر به یک انقلاب فناورانه خواهد شد. انقلابی که تأثیرات مهمی بر همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و در همه سطوح جهانی، ملی و سازمانی در همه کشورها و حتی انسان دارد. پیامدها و تأثیرات این همگرایی، عصر جدید توسعه بشری و نظم نوین آینده جهان را شکل خواهد داد. تدبیر شماره ۹ سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به گسترش مرزهای دانش و مطالعات و پژوهش‌های چند رشته‌ای و میان رشته‌ای نوآورانه، با هدف برآوردن نیازها و حل مسائل اساسی جامعه تأکید دارد. مقاله حاضر با رویکردی مروری، در ابتدا به مفهوم‌شناسی و معرفی تعاریف

۱. استاد دانشگاه صنعتی مالک اشتر و مشاور اندیشکده چرخه نوآوری مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، favad10@gmail.com.

گونگون همگرایی در حوزه علم و مفاهیم مرتبط نظیر مطالعات و پژوهش‌های چند رشته‌ای و میان رشته‌ای نوآورانه و نیز همگرایی در حوزه فناوری و سیر تکاملی آن از دیدگاه صاحب‌نظران و مراجع مطرح جهانی می‌پردازد. در ادامه کلان‌روند همگرایی در حوزه علم و همگرایی در حوزه فناوری و روندهای شکل‌دهنده آنها بررسی شده و برخی مصادیق و مفاهیم نوین مطرح مرتبط نظیر همگرایی در حوزه‌های فیزیک، دیجیتال و زیستی، جامعه الحاقی، جامعه پنجم، جامعه سایبری- فیزیکی، همگرایی انسان و فناوری و مفاهیم انسان الحاقی، انسان ۴,۰ و روند همگرایی IT و OT معرفی و همچنین نمونه‌هایی از علوم و فناوری‌های همگرا در افق ۲۰ سال آینده معرفی می‌رود. سپس مهم‌ترین رویکردها و مدل‌های نوین همگرایی علم و فناوری معرفی و نیز مراکز و مؤسسات همگرایی در جهان معرفی می‌شوند. بخش پایانی مقاله با نگاهی به رایج‌ترین نظریه‌های مطرح همگرایی و دیدگاه‌های مخالفان و موافقان همگرایی به تبیین پیامدها و تأثیرات همگرایی در حوزه علم و فناوری و فناوری‌های همگرا و فرصت‌ها و تهدیدات ناشی از آنها برای کشور در افق الگو پرداخته و با تأکید بر تدبیر سند شماره ۹ سند الگو، دلالت‌ها، درس‌ها و آموزه‌ها برای کشور و مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: همگرایی، همگرایی علم و فناوری، علوم و فناوری همگرا، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت.

نقش سیاست‌های حفظ نخبگان در تقویت همگرایی ملی و پیشرفت: تحلیلی رفتاری از برنامه‌های توسعه ایران

امیررضا نریمانی^۱، محمدجواد بیات^۲

چکیده

این پژوهش با رویکرد اقتصاد رفتاری، سیاست‌های حفظ نخبگان در برنامه‌های ششم و هفتم توسعه ایران را تحلیل و شکاف‌های سیاست‌گذاری را شناسایی می‌کند. روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی که با بررسی ۱۲ سند رسمی (۲۸۳ صفحه) با کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) و چک‌لیست ارزیابی رفتاری انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه هفتم نسبت به ششم بهبود رفتاری داشته که در قالب ۱۸۷ کد اولیه، ۴۷ مضمون پایه، ۶ مضمون سازمان دهنده و یک مضمون فراگیر («سیاست‌گذاری رفتاری در گذار از کنترل به جذابیت») سازمان‌دهی شد. با این حال، سه شکاف کلیدی باقی مانده: عدم تغییر پیش‌فرض ساختاری (خروج هنوز آسان‌تر از ماندن است)، فقدان امید معنوی

۱. استادیار دانشکده حکمرانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)،

narimani@ut.ac.ir.

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد حکمرانی اقتصادی، دانشکده حکمرانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران.

(بومی سازی ناقص) و مشارکت صوری نه واقعی (فرآیندمحور نشدن). همگرایی ملی در اسناد بیشتر نتیجه محور (شعار) است تا فرآیندمحور (مکانیسم رفتاری). در نتیجه حفظ نخبگان نیازمند گذار از «جلوگیری از خروج» به «جذب مشارکت» با تغییر پیش فرض ها، کاهش اصطکاک رفتاری و تقویت هویت مشترک است. سیاست گذاری مؤثر باید از «دیوار» (محدودیت) و «باج» (مشوق صرف) به «پل» (ارتباط معنوی- مادی) و «خانه» (تعلق و مشارکت) حرکت کند.

واژگان کلیدی: حفظ نخبگان، اقتصاد رفتاری، همگرایی ملی، برنامه توسعه، مهاجرت معکوس، سیاست گذاری رفتاری.

محور دوم:

حکمرانی مطلوب و نقش آن در تقویت

همبستگی ملی

(با همکاری اندیشکده سیاست)

بررسی و نقد رویکردها و نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی در همگرایی ملی

سیدعباس نبوی^۱

چکیده

نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران در حوزه همگرایی ملی با چالش‌های ساختاری و رویکردی متعددی مواجه است. نخست، تمرکزگرایی افراطی و غلبه رویکرد یکسان‌ساز بر فرآیندهای کلان کشور، موجب نادیده گرفتن تنوع‌های قومی، مذهبی و فرهنگی شده و در مناطق مرزی، احساس دوری از مراکز تصمیم‌گیری را به دنبال داشته است. دوم، نوسان دائمی میان دو رویکرد ایدئولوژی گرایانه و عمل‌گرایانه در سیاست‌گذاری فرهنگی، تصویری متناقض از نظام ارائه داده و مانع شکل‌گیری «زبان مشترک حداقلی» میان حاکمیت و اقلیت‌ها و اقشار مختلف جامعه شده است. سوم، ضعف نهادهای واسطه (احزاب، تشکل‌های مدنی و گروه‌های مرجع مستقل) و فقدان سازوکارهای مؤثر مشارکت مردمی، به بیگانگی سیاسی به ویژه در نسل جوان انجامیده است. چهارم، فقدان شفافیت کافی و سازوکارهای نظارتی مؤثر در فرآیندهای تصمیم‌گیری، زمینه‌ساز

۱. رئیس مؤسسه تمدن و توسعه اسلامی، عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، nabavi_abs@yahoo.com

شکل‌گیری تصویری از نظام تصمیم‌گیری به عنوان «جعبه سیاه» شده و اعتماد عمومی را فرسایش داده است. این چهار آسیب در تعامل با یکدیگر، چرخه‌ای معیوب پدید آورده‌اند که در آن کاهش اعتماد، تشدید شکاف‌های هویتی و بی‌اعتمادی نسل جوان، خود به عاملی برای تداوم رویه‌های ناکارآمد تبدیل شده است. اصلاح این وضعیت نیازمند بازتعریف رابطه حاکمیت و مردم بر اساس پذیرش تنوع‌ها، تقویت نهادهای واسط و مشارکت جویانه و نهادینه‌سازی شفافیت و پاسخگویی به عنوان اصول بنیادین حکمرانی است.

واژگان کلیدی: نظام تصمیم‌گیری، تمرکزگرایی، نهادهای واسط، شفافیت، همگرایی ملی.

نقش حکمرانی شایسته در همبستگی ملی؛ با تمرکز بر قانون اساسی و سند الگوی پیشرفت جلال درخشه^۱

چکیده

«حکمرانی شایسته» و «همبستگی ملی» به عنوان دو مؤلفه بنیادین قدرت و انسجام داخلی کشورها، به ویژه در جوامع چند فرهنگی اهمیت دوچندان می‌یابند. مقاله حاضر با بررسی دو سند بالادستی جمهوری اسلامی ایران، یعنی قانون اساسی و سند الگوی پیشرفت، به تحلیل جایگاه این مفاهیم در ساختار حقوقی و برنامه‌ریزی کلان کشور می‌پردازد. قانون اساسی به عنوان میثاق ملی، در مقدمه و اصول متعددی از جمله اصل دوم (نفی ستمگری، تأمین عدالت و همبستگی ملی) و اصل نهم (ارتباط ناگسستنی تمامیت ارضی و وحدت) بر اهمیت همبستگی ملی تأکید کرده است. سند الگوی پیشرفت نیز در مبانی ایران‌شناختی خود، ایران را «منظومه‌ای یکپارچه با تنوع محیطی و قومی» معرفی کرده و بر «وحدت فرهنگی و اعتقادی» به عنوان عامل ماندگاری آن در تاریخ تأکید دارد. با این حال، نکته قابل تأمل آن است که در بخش «تدابیر» سند الگو که جنبه عملیاتی و اجرایی

۱. استاد دانشگاه امام صادق (ع) و رئیس اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
j.dorakhshah@yahoo.com.

دارد، هیچ اشاره‌ای به مفهوم همبستگی ملی نشده و سازوکاری برای تحقق آن تعریف نشده است. این خلأ نشان‌دهنده گسست میان اهداف آرمانی و راهکارهای عملی در این حوزه است. بنابراین، نتیجه‌گیری می‌رود که هر چند اسناد بالادستی در سطوح نظری توجه قابل قبولی به همبستگی ملی داشته‌اند، اما نیاز به تدوین «دکترین همبستگی ملی» و «دکترین حکمرانی شایسته» متناسب با مبانی فکری کشور احساس می‌رود تا خلأهای موجود در بخش‌های عملیاتی را پر کرده و زمینه‌ساز تحقق عینی همبستگی ملی باشد.

واژگان کلیدی: حکمرانی شایسته، همبستگی ملی، قانون اساسی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اسناد بالادستی.

همگرایی و واگرایی ملی؛ چارچوبی نظری برای تحلیل بحران‌های هویتی در ایران معاصر

سیدرحیم ابوالحسنی^۱

چکیده

همگرایی و واگرایی ملی دو مفهوم به هم پیوسته‌اند که فهم هر یک بدون توجه به دیگری ممکن نیست. این مقاله با بهره‌گیری از نظریه تعامل‌گرایی نمادین هربرت بلومر و آرای ابن‌خلدون، چارچوبی نظری برای تحلیل بحران‌های هویتی و سیاسی در ایران معاصر ارائه می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، کنش‌های انسانی نتیجه تفسیر فرد از سه عنصر بنیادین است: معنایی که از خود دارد، معنایی که از دیگری می‌سازد و معنایی که از موقعیت موجود به دست می‌دهد. هویت جمعی زمانی شکل می‌گیرد که فرد نسبت به یک گروه، دو عنصر «تعلق» و «تعهد» را تجربه کند. این هویت‌ها در سطوح گوناگون مانند خانواده، قوم، مذهب و ملت بروز می‌یابند، اما مسئله راهبردی «سلسله‌مراتب هویتی» است؛ یعنی در شرایط بحرانی، یک سطح از هویت بر سایر سطوح غلبه کرده و جهت‌گیری سیاسی را تعیین می‌کند. در ادامه، سه سطح هویت سیاسی تفکیک می‌رود: جامعه ملی

۱. دانشیار دانشگاه تهران و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
srabolhasani@yahoo.com.

(تعلق به سرزمین)، نظام سیاسی (پذیرش ساختار قدرت) و نخبگان حاکم (مقبولیت کارگزاران). کاربست این چارچوب در ایران معاصر، تعارض میان چهار سطح هویتی را نشان می‌دهد: هویت قومی، هویت دینی (امتی)، هویت ملی و هویت جهانی. انقلاب اسلامی با طرح هویت دینی در برابر هویت ملی باستانی و هویت غربی، این تعارضات را تشدید کرده است. با این حال، تجربه دفاع مقدس نشان داد که هویت ملی می‌تواند به عنوان نقطه کانونی همگرایی عمل کند. راه برون‌رفت از بحران‌های کنونی در صورت بندی «هویت ملی ایرانی بومی شده و متناسب با مقتضیات زمان» نهفته است؛ هویتی که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تاریخی، دینی و مدرن، بتواند انسجام داخلی را تقویت کند.

واژگان کلیدی: همگرایی ملی، واگرایی ملی، بحران هویت، تعامل‌گرایی نمادین، سلسله‌مراتب هویتی.

نقش چرخه حکمرانی در همبستگی ملی

نجنف لکزایی^۱

چکیده

چرخه حکمرانی با چهار حلقه سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و نظارت، چارچوبی کارآمد برای تقویت همبستگی ملی ارائه می‌دهد. حلقه نخست، سیاست‌گذاری، بنیان‌گذاری همبستگی را پی‌ریزی می‌کند. سیاست‌های کلان به ویژه در حوزه هویت، فرهنگ و آموزش، با رویکردی فراگیر که هم بر اشتراکات ملی تأکید دارد و هم تفاوت‌های مشروع را به رسمیت می‌شناسد، زمینه‌ساز شکل‌گیری «خود جمعی» و احساس تعلق ملی می‌شوند. حلقه دوم، تنظیم‌گری عادلانه، با ایجاد قواعد بازی برابر برای همه شهروندان و گروه‌ها، احساس تبعیض و محرومیت را کاهش می‌دهد و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند. حلقه سوم، تسهیل‌گری، با گشودن موانع و هموار ساختن مسیرهای تعامل و مشارکت، بستر همکاری گروه‌های مختلف اجتماعی را فراهم می‌آورد و نهادهای واسط و مدنی را به عنوان پل ارتباطی میان مردم و حاکمیت تقویت می‌کند. حلقه چهارم، نظارت مؤثر و شفاف، با تضمین

۱. استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع) و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

nlakzaee@gmail.com.

پاسخگویی مسئولان و پایش مستمر عملکرد نظام حکمرانی، از مهم‌ترین عوامل بازسازی اعتماد عمومی به شمار می‌رود. اعتماد که عنصر بنیادین مشروعیت سیاسی و همبستگی ملی است، در سایه نظارت شفاف بر فرآیندهای انتخاباتی، توزیع منابع و عملکرد نهادهای اجرایی تقویت می‌رود. بدین ترتیب، تحقق هم‌زمان و متوازن این چهار حلقه، نظام حکمرانی را قادر می‌سازد تا از مسیر ایجاد عدالت، مشارکت و اعتماد، همبستگی ملی را نه به عنوان شعار، بلکه در مقام واقعیتی اجتماعی و سیاسی محقق سازد.

واژگان کلیدی: چرخه حکمرانی، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری، نظارت، همبستگی ملی.

تدابیر سیاسی و منطق همگرایی مفهومی در سند الگوی

اسلامی - ایرانی پیشرفت

علیرضا کلانتر مهرجردی^۱

چکیده

پیشرفت به مفهوم ترقی و رشد همه‌جانبه کیفی برای رسیدن به جامعه مطلوب و مورد نظر است که توأم با معنویت و متکی بر فرهنگ، نضج یافته است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارت است از مجموعه‌ای از اصول، ارزش‌ها، قواعد، سازوکارها، روش‌ها، تدابیر، فرایندها، ساختارها، نهاده، نیروی انسانی و منابعی که ایجاد تحول و پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران به دلیل تحقق جامعه اسلامی را طراحی، سازمان‌دهی، پیاده‌سازی می‌کند. در این نوشتار هدف شناسایی کلان مضامین تدابیر سیاسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به منظور آگاهی و تسهیل سازوکار تحقق جامعه مطلوب است که با روش تحلیل مضمون انجام شده است. بررسی ۱۳ تدبیر سیاسی موجود در الگو، شبکه‌ای از مضامین در پیرامون مفهوم محوری «تدبیر سیاسی» به دست می‌دهد به گونه‌ای که در این شبکه، «تدابیر سیاسی» پنج مضمون فراگیر سیاست اقتصادی، سیاست اجتماعی،

۱. استادیار دانشگاه علم و فرهنگ جهاد دانشگاهی و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، kalantar.m@usc.ac.ir.

سیاست فرهنگی، سیاست حکمرانی و بین‌الملل دسته‌بندی شد. به نظر می‌رسد افزایش سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مضامین سیاست اجتماعی توسعه در نتیجه گسترش مشارکت مردم و نخبگان در نظام تصمیم‌سازی کشور قابل دستیابی خواهد بود و این مهم از طریق سیاست‌های حکمرانی مانند واگذاری مسئولیت‌های غیرحاکمیتی به مردم از سویی و نظرخواهی از مراکز علمی و معتبر با هدف نقد علمی سیاست‌ها و برنامه‌ها امکان‌پذیر باشد. نقد سیاست‌ها و برنامه‌ها فی‌نفسه به دنبال خود اصلاح ساختارها و قوانین را به دنبال خواهد داشت که به دنبال تخصصی شدن ساختارها و استقلال ساختارها قابل دستیابی خواهد بود. پیامد مستقیم اصلاح ساختارها جلوگیری از قواعد فسادساخت خواهد بود چرا که نظارت و پیگیری منافع عمومی را به صورتی شفاف امکان‌پذیر ساخته و امکان برخورد با مفسدان را فراهم می‌سازد. توجه به شفافیت کافی است تا کارآمدی سیستم‌ها در عمل به عدالت و پاسخگو بودن فراهم شود. جامعه‌ای که در آن ساختارهای کارآمد پاسخگو به وجود آیند خودبه‌خود به سمت افزایش سرمایه اجتماعی گام بر خواهد داشت و نتیجه نهایی آن صداقت، درستکاری و وفاداری است که مطلوب جامعه مردم‌سالار دینی است.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی، پیشرفت، تدبیر سیاسی، تحلیل مضمون.

محور سوم:

عدالت و همگرایی ملی

(با همکاری اندیشکده عدالت)

نسبت مؤلفه‌های عدالت اقتصادی با همگرایی ملی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حسین عیوضلو^۱

چکیده

عدالت اقتصادی به توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و رفاه در یک جامعه اشاره دارد و نقش کلیدی در ایجاد جامعه‌ای پایدار و همگرایی ملی ایفا می‌کند. این مقاله به تحلیل نظری و مبنایی مؤلفه‌های عدالت اقتصادی می‌پردازد که می‌توانند به تقویت همگرایی ملی کمک کنند. بر اساس نظریات مختلف عدالت اجتماعی و اقتصادی، توزیع عادلانه منابع، حق مشارکت، انصاف در توزیع مزیت‌ها و نامزیت‌ها (بارها و هزینه‌ها)، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و توانمندسازی اقتصادی از جمله مؤلفه‌های کلیدی هستند که می‌توانند شکاف‌های اجتماعی را کاهش داده و انسجام اجتماعی را تقویت کنند. در این مقاله، هر کدام از این مؤلفه‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند و ارتباط آنها با همگرایی ملی تحلیل می‌رود. در عین حال، این تحلیل با چارچوب نظری و محتوایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تطبیق داده می‌رود و عناصر لازم برای تحقق بخشی انسجام

۱. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) و عضو اندیشه‌ی عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
h.ecyazloo@isu.ac.ir.

و همگرایی ملی مورد نقد و تحلیل واقع می‌شوند. در بخش نهایی تلاش می‌رود عملکرد مؤلفه‌های عدالت اقتصادی در پنج دهه عملکرد سیاست‌های اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران با برخی از آمارهای مهم اقتصاد ایران مورد بررسی تجربی و آماری واقع شوند.

واژگان کلیدی: عدالت اقتصادی، همگرایی ملی، توزیع منابع، مشارکت اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی. ضریب جینی، توزیع درآمد، نابرابری اقتصادی، ایران.

عدالت اجتماعی و همگرایی در تاریخ صدر اسلام و خوانش معاصر آن در الگوی ایرانی اسلامی ابراهیم برزگر^۱

چکیده

این نوشتار می‌کوشد به رابطه همگرایی و عدالت اجتماعی در سیره سیاسی پیامبر (ص) و تاریخ صدر اسلام بپردازد. تاریخ صدر اسلام را به منزله منبع تولید پاسخ برای پرسش از این رابطه در نظر می‌گیرد. در دوره پیامبر (ص) این دو مقوله عدالت و انسجام اجتماعی در اوج خود تحقق پیدا می‌کند؛ اما در دوره خلفای اولیه هر دو مقوله عدالت و همگرایی دچار افول و نزول می‌رود. در دوره خلیفه اول، عدالت سیاسی و در دوره خلیفه دوم عدالت اقتصادی و در دوره خلیفه سوم هر دو به طور توأمان خدشه‌دار می‌رود و به موازات آن همگرایی اجتماعی هم از بین می‌رود و جای خود را به واگرایی می‌دهد. معاصر سازی مباحث معطوف به الگوی ایرانی اسلامی از دغدغه‌های این نوشتار است.

واژگان کلیدی: تاریخ صدر اسلام، عدالت اجتماعی، همگرایی اجتماعی، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، ایران، اندیشه سیاسی در اسلام.

۱. استاد دانشگاه علامه طباطبائی و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
barzegar.2010@yahoo.com.

عدالت و همگرایی ملی در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سید کاظم سید باقری^۱

چکیده

در کلان‌الگوهای رایج توسعه، عدالت عمدتاً به عنوان توزیع منابع یا فرصت‌ها تعریف می‌رود. این پژوهش با نقد این رویکرد، عدالت را نه صرفاً یک حالت توزیعی، بلکه به مثابه یک رابطه اجتماعی-سیاسی مفهوم‌پردازی می‌کند که بر ساختار قدرت، فرایندهای تصمیم‌گیری و امکان مشارکت مؤثر همه کنشگران اجتماعی در تعیین سرنوشت خویش تأکید دارد. این بازتعریف، پیوند مفهومی بین عدالت و همگرایی ملی را ممکن می‌سازد که زیرساخت‌های آن در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت قابل رصد و پی‌جویی است. سؤال اصلی پژوهش آن است که میان عدالت به مثابه مؤلفه‌ی توزیعی-هوتی و همگرایی ملی در چارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت چه نسبتی برقرار است؟ فرضیه بر این امر تأکید دارد که در چارچوب تحلیلی مبتنی بر عدالت سیاسی به عنوان سامانه گردش قدرت و بازتوزیع شبکه‌ای فرصت‌ها و مسئولیت‌ها، از طریق نهادینه‌سازی قواعد شفاف، پاسخگویی عمومی، حمایت نظام‌مند از حق اظهارنظر و نقد و

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، sbaqeri86@yahoo.com

مشارکت مؤثر در سرنوشت جمعی، مشروعیت نظام سیاسی را بازتولید کرده و اعتماد نهادی را تقویت می‌کند؛ این اعتماد بستر همگرایی ملی را فراهم می‌آورد و همگرایی نیز به نوبه خود با افزایش ظرفیت مطالبه‌گری و احساس مسئولیت جمعی، زمینه نهادینه‌سازی عمیق‌تر عدالت سیاسی و تقویت انعطاف‌پذیری نظام سیاسی را تسهیل می‌کند، به گونه‌ای که میان عدالت سیاسی و همگرایی ملی یک چرخه‌ی تکاملی - پیشرفت‌گرا برقرار می‌رود. این همگرایی نیز به نوبه خود توان جامعه را برای مطالبه و نهادینه‌سازی عدالت بیشتر افزایش می‌دهد و چرخه‌ای تقویتی شکل می‌گیرد. پژوهش با رویکردی نظری - تحلیلی و با استناد به اسناد بالادستی نظام از جمله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام شده است. مفاهیم عدالت، قدرت، نهاد و همگرایی با استفاده از تحلیل مفهومی و استدلال منطقی بررسی و پیوندهای میان آنها واکاوی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با عدالت سیاسی و گردش قدرت، از طریق نهادینه‌سازی شفاف، پاسخگویی، مشارکت مؤثر و حمایت از حق نقد، اعتماد نهادی و سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و چرخه تکاملی «عدالت سیاسی ← مشروعیت و اعتماد ← همگرایی ملی ← انعطاف‌پذیری نظام سیاسی ← نهادینه‌سازی عمیق‌تر عدالت» را فعال می‌سازد. همگرایی زمینه‌ساز مقاومت مدنی در برابر انحصار قدرت و ثروت شده و عدالت را از شعار به فرایندی الزام‌آور در تصمیم‌سازی تبدیل می‌کند. در

مقابل، بی‌عدالتی سیاسی چرخه انحطاطی گسیختگی ملی و تثبیت ساختارهای ناعادلانه را رقم می‌زند.

واژگان کلیدی: عدالت سیاسی، همگرایی ملی، اعتماد نهادی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مشارکت سیاسی، شفافیت، پاسخگویی.

چالش‌های فراوی برابری‌های عادلانه و همگرایی در ایران

سیدمحمد میرسندسی^۱

چکیده

بیش و سنجش عدالت بدون در نظر گرفتن برابری یا نابرابری امکان‌پذیر نیست. گاهی ممکن است یک وضعیت نابرابر بیانگر عدالت باشد و گاهی هم برابری نشان از عدالت است. در عرصه اجتماعی مصادیق و نمونه‌های زیادی همچون جنسیت، قومیت، نژاد، مذهب، فرصت‌های آموزشی و شغلی و ... برای به میان آمدن عدالت پیش می‌آید. بی‌شک برابری کانون محوری عدالت و درک مفهومی آن می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی ملی باشد. منتهی، برخی زمینه‌های اجتماعی همچون مردم‌سالاری، قوم‌سالاری، باندسالاری سیاسی با تکیه بر برخی نابرابری‌ها و توجیه آن زمینه این برابری و مساوات را از بین می‌برند و یا با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌سازند، که نه تنها در زمینه عدالت مسئله‌آفرین است بلکه همگرایی ملی را هم با چالش مواجه می‌سازد. این نوشتار می‌کوشد این زمینه‌های واگرایانه مرتبط با عدالت و برابری را توضیح دهد.

واژگان کلیدی: عدالت، برابری، نابرابری، همگرایی ملی، واگرایی اجتماعی، مردم‌سالاری.

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع) و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، mirsondosi@yahoo.com.

پیشرفت عادلانه فضایی و همگرایی ملی

حسین حاتمی نژاد^۱

چکیده

نابرابری در توزیع فضایی خدمات و امکانات پیشرفته از جمله چالش‌های اساسی نظام برنامه‌ریزی فضایی در ایران به شمار می‌رود که پیامدهای گسترده‌ای بر انسجام ملی، همبستگی اجتماعی و احساس تعلق مکانی دارد. تمرکزگرایی و غلبه رویکردهای بخشی در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای موجب تشدید شکاف‌های منطقه‌ای و تضعیف سرمایه اجتماعی در برخی نواحی کشور شده است. عدالت و احساس عدالت از عوامل اصلی سرمایه اجتماعی است. توزیع فضایی خدمات و امکانات فرصت‌های شغلی در پهنه‌های مختلف جغرافیایی موجب همگرایی ملی خواهد شد. سرمایه اجتماعی و مشارکت همه شهروندان کشور زمانی میسر می‌شود که پیشرفت عادلانه در مناطق مختلف کشور صورت پذیرد. شفافیت و اعتماد، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و قانون‌مداری مکمل مشارکت و همگرایی ملی است. بنابراین در راستای حفظ تمامیت ارضی و تحکیم همگرایی ملی نیازمند پیشرفت عادلانه هستیم. الگوی توسعه غربی در نظام سرمایه‌داری عمدتاً بر

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

مبنای رویکرد هزینه- فایده قرار دارد که افتراق فضایی را تشدید می‌کند و در شرایط ایران می‌تواند به واگرایی ملی منجر گردد. در این میان، سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به عنوان یک سند بالادستی بومی، با تأکید بر عدالت اجتماعی و فضایی، کرامت انسانی و توسعه متوازن منطقه‌ای، چارچوبی راهبردی برای بازتعریف مفاهیم انسجام ملی و برابری در دسترسی به خدمات ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی- توصیفی و مبتنی بر مطالعه اسنادی، به بررسی جایگاه انسجام ملی و عدالت فضایی در سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت می‌پردازد و ظرفیت‌های این سند را در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تقویت همگرایی ملی تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحقق راهبردهای مندرج در این سند می‌تواند زمینه‌ساز توزیع متوازن خدمات، افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت انسجام ملی در چارچوب ارزش‌های اسلامی- ایرانی شود. بر این اساس، بهره‌گیری هدفمند از اصول و الزامات سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در نظام برنامه‌ریزی فضایی کشور، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار و همگرا محسوب می‌رود.

واژگان کلیدی: پیشرفت عادلانه فضایی، همگرایی ملی، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

محور چهارم:

همگرایی ملی و مفاهیم پایه‌ای پیشرفت

همگرایی ملی در ایران؛ چیستی، چالش‌ها و راهبردهای نوین

یحیی فوزی^۱

چکیده

همگرایی ملی به عنوان فرایند نزدیک شدن واحدهای مختلف اجتماعی حول اهداف و ارزش‌های مشترک، در جوامعی مانند ایران با تنوع قومی، مذهبی، زبانی و نسلی، شرط اساسی برای ثبات سیاسی، حاکمیت پایدار و تحقق پیشرفت است. این مفهوم با همبستگی و انسجام ملی تفاوت دارد؛ چرا که همگرایی بر نزدیک شدن واحدهای نسبتاً مستقل با حفظ هویت‌های خاص خود دلالت می‌کند. برای فهم جامع مسئله همگرایی، می‌توان آن را در سه لایه تحلیل کرد: لایه نخست، نمودهای بیرونی همگرایی یا واگرایی (مشارکت سیاسی، اعتراضات اجتماعی)؛ لایه دوم، علل عینی و تجربی (مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی)؛ و لایه سوم، علل شناختی و معنابخشی که ژرف‌ترین سطح را تشکیل می‌دهد. جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی فراز و نشیب‌های متعددی را تجربه کرده است. انقلاب در ابتدا انسجامی کم‌نظیر ایجاد کرد، اما به تدریج شکاف‌های پیشین (قومی، مذهبی) با شدت بیشتری خودنمایی کردند و شکاف‌های جدیدی نیز پدید آمدند (سیاسی

۱. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Yahyafozi@yahoo.com.

میان اصلاح طلب و اصول گرا، فرهنگی پیرامون مسائلی چون حجاب و اقتصادی ناشی از توزیع ناعادلانه منابع). برای تقویت همگرایی ملی، باید به هر سه لایه توجه کرد، اما مهم ترین راهبردها معطوف به «بازسازی نظام معنایی» است. این بازسازی نیازمند اصلاح سیاست های رسانه ای، تقویت گروه های مرجع، بهره گیری از ظرفیت های مغفول قانون اساسی، اصلاح قوانین انتخابات و ایجاد زبان مشترک با نسل جدید است تا بی اعتمادی و گسست معنایی ترمیم شود.

واژگان کلیدی: همگرایی ملی، شکاف های هویتی، بازسازی نظام معنایی، ایران معاصر، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

مبانی همگرایی و نتایج حقوقی مترتب بر آن در قرآن کریم

سید ابوالقاسم نقیبی^۱

چکیده

بر اساس آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» (اعراف: ۱۸۹) آدمیان از گوهر مشترک آفرینشی برخوردارند که به جهت دیدن روح الهی در آن «... وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (ص: ۷۲) شایسته تکریم پروردگار «... وَكَأَنَّا كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰) و سجده فرشتگان «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيدِيَّ...» (ص: ۷۵) شده است. همین گوهر مشترک آفرینشی مبناي همگرایی و همزیستی انسان‌ها به شمار می‌آید که در آن حق کرامت ذاتی، حق حیات، اصل برابری انسان‌ها در برابر قانون و موارد مشابه از جمله حقوق بنیادین مبتنی بر خلقت مشترک انسان‌ها است. همچنین بر اساس آیه شریفه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...» (آل عمران: ۶۴)، باور دینی مشترک (توحید) مبناي همگرایی پیروان ادیان آسمانی و شناسایی حقوق شهروندی و احوال شخصیه آنان در جامعه و حکومت اسلامی است. قرآن کریم ایمان اسلامی را مبناي اخوت «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (حجرات: ۱۰) و سازنده همبستگی

۱. استاد دانشگاه شهید مطهری و عضو اندیشکده فقه و حقوق اسلامی مرکز الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت، da.naghibi@motahari.ac.ir

اجتماعی می‌داند «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (توبه: ۷۱) و مؤمنان را به تعمیق و پیشرفت همگرایی فرا می‌خواند «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران: ۱۰۳). از مهم‌ترین نتایج مترتب بر همگرایی ایمانی می‌توان به همبستگی حقوقی اشاره کرد که در آن مؤمنان در قالب نظام حقوقی اسلامی روابط اجتماعی و اقتصادی خویش را سازمان می‌بخشند. قرآن تعلق و وابستگی افراد انسانی به سرزمینی که در آن متولد شده یا برای زیست طبیعی برگزیده‌اند را یک تعلق مالکانه طبیعی می‌داند و بدین وسیله حق توطن و حب به وطن را به رسمیت می‌شناسد «إِنَّ الْأَرْضَ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدِكِ إِيَّايَ مَعَادٍ...» (قصص: ۸۵) و اخراج مالکان طبیعی مشاع را از سرزمینشان مورد نکوهش قرار می‌دهد «وَكَايِنُ مِنْ قَرِيْبِهِ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرِيْبِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكَانَهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ...» (محمد: ۱۳) و اخراج انسان‌ها از وطنشان را ممنوع و حرام می‌شمرد «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ» (بقره: ۸۴) و دفاع از وطن را حق مشروع می‌داند «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...» (حج: ۳۹، ۴۰). در این آموزه‌ها علاقه، وابستگی و حب به وطن مبنای همگرایی صاحبان یک سرزمین تلقی شده است که آنان می‌توانند در قلمروی تعلق مالکانه خویش با همگرایی نظام حقوقی مطلوب را در

قالب یک پیمان اجتماعی تحقق بخشند. قانون اساسی مهم‌ترین سند بر ساخته همگرایی جمعیت انسانی (ملت) در قلمرو سرزمینی است.

واژگان کلیدی: همگرایی، قرآن کریم، حقوق ذاتی، توحید، ایمان اسلامی،

حب وطن، قانون اساسی، همبستگی اجتماعی.

واکاوی ابعاد شهروندی و همگرایی اجتماعی - سیاسی در کلام سیاسی آیت الله جوادی آملی

علی آقاجانی^۱

چکیده

کلام سیاسی شهروندی، به عنوان شاخه‌ای از اندیشه اسلامی معاصر، پیوند مفاهیم دینی شیعه با اصول شهروندی مدرن (حقوق بشر، آزادی، مشارکت سیاسی و تحزب) را بررسی می‌کند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصدگرای کوئنتین اسکینر، (روش) به تحلیل مفاهیم شهروندی در نظام اسلامی می‌پردازد. پژوهش بر کشف نیت و مقاصد جوادی آملی در بستر تاریخی، اجتماعی و گفتمانی تمرکز دارد و کلام سیاسی او را به عنوان پلی بین اسلام سنتی و مفاهیم مدرن شهروندی بررسی می‌کند. زیرمجموعه‌های کلیدی شامل اسلام و حقوق بشر (بر پایه کرامت انسانی و توحید)، اسلام و آزادی (به عنوان رهایی هدایت شده از شهوات)، اسلام و مشارکت سیاسی (در چارچوب ولایت فقیه و مقبولیت مردمی) و اسلام و تحزب (به عنوان ابزار وحدت‌بخش) است. (زمینه و اهمیت) زمینه‌های عینی، جوادی آملی را به تبیین شهروندی ولایی در بستر انقلاب اسلامی سوق داده، در حالی که زمینه‌های ذهنی، با تأکید بر توحید و

۱. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، aqajani@rihu.ac.ir.

عقلانیت، شهروندی را به خلافت نوعیه انسان پیوند می‌زنند. هنجارهای مرسوم، آزادی را به عنوان رهایی الهی، حقوق بشر را بر پایه کرامت انسانی، مشارکت را در چارچوب شورا و تحزب را به عنوان ابزار وحدت می‌دانند. جوادی آملی با تصرف در این هنجارها، آزادی را مقول به تشکیک و هدایت شده، حقوق بشر را الهی- فطری، مشارکت را فعلیت‌بخش ولایت و تحزب را توحیدی بازتعریف می‌کند (یافته‌ها). این نشان می‌دهد جوادی آملی شهروندی را نظامی توحیدی می‌بیند که ظرفیت‌های اسلام شیعی را در پاسخ به مسائل معاصر برجسته می‌سازد (نتیجه).

واژگان کلیدی: کلام سیاسی، شهروندی، جوادی آملی، همگرایی اجتماعی، حقوق بشر، آزادی، مشارکت سیاسی.

سیاست دوستی؛ همگرایی ملی در الگوی ایرانی اسلامی

پیشرفت

طاهره شریف^۱

چکیده

الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بر همگرایی ملی و سیاسی، وحدت و انسجام اجتماعی به عنوان پیش شرط‌های پیشرفت پایدار تأکید دارد، با این حال، تبیین نظری روشنی از سازوکار سیاسی تحقق این همگرایی ارائه نمی‌کند. مقاله حاضر می‌کوشد با تمرکز بر «سیاست دوستی» و طراحی یک الگوی نظری بدیل، افق نوینی برای فهم همگرایی در چارچوب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ارائه دهد. سیاست دوستی، به مثابه یک فناوری نرم در امر سیاسی، بر تقدم پذیرش تفاوت و مسئولیت متقابل کنشگران در فضای عمومی تأکید دارد که از این رهگذر، حل منازعات و اختلاف‌ها ممکن می‌رود. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که «سیاست دوستی چگونه قادر است به عنوان یک چارچوب نظری، امکان تبیین و تحقق همگرایی ملی و سیاسی را در چارچوب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت فراهم آورد؟» به نظر می‌رسد سیاست دوستی، با تأکید بر

۱. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی- گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، t.sharif@iau.ac.ir

پذیرش انواع دیگری، پذیرش تفاوت، پذیرش مسئولیت، مهار خود منفی، کرامت و برابری و دوستی در راه قادر است الگویی از همگرایی سیاسی ارائه دهد که بر هم‌زیستی فعال تکثر و مدیریت منازعه استوار باشد؛ الگویی که با الزامات و اهداف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت سازگاری بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: سیاست دوستی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، همگرایی، دریدا.

تحلیل جامعه‌شناختی همگرایی ملی در ایران: مبانی نظری و راهبردهای تقویت همگرایی

ابوالفضل امیرور^۱

چکیده

این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش اسنادی، مبانی جامعه‌شناختی همبستگی ملی را در بستر جامعه ایران بررسی کرده و عوامل مؤثر بر تقویت یا تضعیف آن را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که همبستگی ملی بر پایه عوامل عینی (مانند نهادهای مشترک، تاریخ، سرزمین و اقتصاد) و عوامل ذهنی (مانند هویت جمعی، احساس تعلق و اعتماد اجتماعی) شکل می‌گیرد. تمرکز ویژه‌ای بر تعامل میان هویت‌های فرعی و هویت ملی در جوامع چندفرهنگی صورت گرفته است. عوامل کلیدی تقویت‌کننده شامل عدالت توزیعی، مشارکت سیاسی فراگیر و تقویت سرمایه اجتماعی است. همچنین، نقش نهادهای ارتباطی، به ویژه رسانه‌های جمعی، در شکل‌دهی به روایت مشترک ملی مورد تأکید قرار گرفته است. نتیجه‌گیری مقاله بر لزوم سیاست‌گذاری

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران و دبیر اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، a.amirvar95@gmail.com

هوشمندانه‌ای استوار است که تنوع فرهنگی را به رسمیت شناخته و هم‌زمان، زمینه‌های مشترک هویت ملی را تعمیق بخشد.

واژگان کلیدی: همبستگی ملی، رویکردهای جامعه‌شناختی، هویت جمعی،

انسجام اجتماعی، جامعه‌شناسی ملیت.

محور پنجم:

آمایش بنیادین و همگرایی ملی
(با همکاری اندیشکده آمایش بنیادین)

فلسفه میان فرهنگی، فضای سایبری و همپیوندی‌های نظری در آمایش بنیادین

محمد عسگری^۱، محمدحسین رامشت^۲

چکیده

وقتی از همگرایی صحبت می‌رود غالباً بر مدارای اجتماعی، به رسمت شناختن حقوق مدنی اقوام و بعضاً عدالت اجتماعی تأکید می‌رود حال آنکه همگرایی‌ها در سازمانی پنهان شکل می‌گیرد که تحت عنوان همپیوندی، میدان معنایی را به وجود می‌آورد که در گستره چنین میدانی، همگرایی شکل می‌گیرد. تفاوت‌های نظری در آمایش سرزمین ایران همواره چالش برانگیز بوده و به خوبی در تغییرات مستمر تصمیم‌گیران سازمان برنامه و بودجه کشور منعکس است. برنامه سایبری ایران برای ۲۰۵۰ می‌تواند با طرح زمینه‌ای متفاوت به بسیاری از این چالش‌ها خاتمه دهد زیرا طیف‌های مختلف فکری موجود در ایران با طرح زمینه‌های کاملاً جدید فلسفه میان فرهنگی روبه‌رو خواهند بود و اقبال همه طیف‌ها از فناوری سایبری می‌تواند به عنوان تجربه جدید، از نوعی وحدت در فضای زیستی

۱. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.

۲. استاد ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی - دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، عضو اندیشه آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (نویسنده مسئول)،
mh.raamesht@gmail.com.

قلمداد شود. "فلسفه میان فرهنگی" از جمله مقولاتی است که با پرداختن به اصل وجودی فناوری و مراحل تکوینی آن، از مکاحات طبیعی تا الهام زیست و ... سعی دارد تعبیر و تحلیل جدیدی از فضای فناوری ارائه دهد و زمینه‌های جدیدی از تفکر را در آزمایشگران مطرح سازد. با دستیابی اشتراک در مفهوم فناوری‌های نوظهور سایبری در نهایت شرایط برای نوعی همپیوندی نظری به وجود خواهد آمد. نتایج تحقیقات اولیه در دانشگاه اصفهان نشان می‌دهد که فلسفه میان فرهنگی با طرح مفهوم جدیدی از فناوری‌های نوظهور سایبری با ایجاد بافمندی‌های جدید نظری، بسیاری از بحث‌ها، چون تقابل سنت و مدرنیته، توسعه یا پیشرفت و پذیرش تنوع در پیشرفت ملل، زمینه نظام جدیدی از ارتباطات بشری را به وجود می‌آورد که رکن اساسی آن بر همپیوندی‌های نظری استوار است.

واژگان کلیدی: فلسفه میان فرهنگی، میدان معنایی، الهام زیست، پیشرفت

توسعه.

تبیین نقش تاب آوری ژئوپلیتیکی و همگرایی ملی

محمد اخباری^۱

چکیده

در آمایش بنیادین سرزمین ایران تاب آوری ژئوپلیتیکی و همگرایی ملی دو روی یک سکه در آمایش بنیادین سرزمین ایران هستند. موفقیت در گرو طراحی الگوی فضایی است که هم انعطاف پذیری در برابر تهدیدات بیرونی را افزایش دهد و هم پیوندهای درونی سرزمین را تقویت کند. این امر نیازمند تغییر پارادایم از برنامه ریزی متمرکز به برنامه ریزی منطقه ای منعطف، مشارکتی و یکپارچه است. تحقق این دیدگاه علاوه بر تخصص فنی، نیازمند اراده سیاسی و مشارکت اجتماعی است تا سرزمین ایران بتواند در عین حفظ وحدت ملی، در برابر چالش های ژئوپلیتیکی منطقه ای تاب آوری لازم را داشته باشد. تاب آوری ژئوپلیتیکی و همگرایی ملی دو مؤلفه حیاتی در آمایش بنیادین سرزمین ایران محسوب می شوند که در تعامل پویا با یکدیگر، امنیت و پایداری سرزمینی را شکل می دهند. آینده ایران در گرو این است که ما چقدر هوشمندانه می توانیم جمعیت و فعالیت را بر روی بستر جغرافیا بچینیم. تاب آوری، محصول تصادفی

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و عضو اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، dr.m.akhbari@gmail.com

تاریخ نیست؛ تاب آوری، معماری عامدانه‌ی فضا است.» «آمایش بنیادین سرزمین در ایران فراتر از یک برنامه‌ریزی کالبدی، یک پیمان سیاسی برای همگرایی ملی است. ما در این نوشتار استدلال می‌کنیم که بدون "همگرایی لایه‌های مختلف اجتماعی و جغرافیایی"، "تاب آوری ملی" در برابر شوک‌های ژئوپلیتیک ممکن نخواهد بود. آمایش سرزمین ابزاری است که باید تضاد منافع میان "مرکز و پیرامون" را به "هم‌سرنوشتی راهبردی" تبدیل کند. این مقاله با روش تحلیلی-تبیینی به بررسی نقش متقابل این دو مفهوم در سازمان‌دهی فضایی ایران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که موقعیت ژئوپلیتیک حساس ایران، همراه با چالش‌های داخلی ناشی از نابرابری‌های منطقه‌ای، ضرورت اتخاذ رویکردی یکپارچه در آمایش سرزمین را ایجاب می‌کند. یافته‌ها بیانگر این است که راهبرد بهینه، طراحی ساختار فضایی شبکه‌ای-خوشه‌ای است که هم قابلیت مقاومت در برابر شوک‌های بیرونی را افزایش دهد و هم از طریق توزیع عادلانه امکانات، انسجام داخلی را تقویت کند. تحقق این هدف مستلزم گذار از حکمرانی متمرکز به نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای مشارکتی و هوشمند است.

واژگان کلیدی: تاب آوری ژئوپلیتیکی، همگرایی ملی، آمایش بنیادین سرزمین، سازمان‌دهی فضایی.

توازن منطقه‌ای و همگرایی ملی

حسین آرامی^۱

چکیده

نسبت آمایش بنیادین به عنوان یک رویکرد فضایی در پیشرفت ایران اسلامی با راهبرد همگرایی ملی و نسبت توازن منطقه‌ای به عنوان یک سیاست راهبردی و از مؤلفه‌های ایجاد تعادل در پهنه سرزمین با آمایش بنیادین، نسبت توازن منطقه‌ای و همگرایی ملی را روشن می‌سازد. هم مستندات علمی و هم شواهد تجربی دال بر تأثیر و نقش مثبت توازن منطقه‌ای در همگرایی ملی می‌باشد؛ اما چرا علی‌رغم این امر و تأکید اسناد بالادستی و نظر مسئولان عالی نظام طی سال‌های گذشته توازن یا تعادل بین مناطق و استان‌های کشور آنچنان که باید و شاید محقق نشده است؟ شناسایی عوامل دخیل در این عدم توفیق و تعیین راهبردهای رفع موانع و تقویت مسیر توازن منطقه‌ای در کشور موضوع این پژوهش است که پیامدش تقویت بیش از پیش همگرایی ملی و اتحاد و انسجام گروه‌ها و جوامع متکثر و متنوع ملت ایران خواهد بود.

واژگان کلیدی: توازن منطقه‌ای، همگرایی ملی، آمایش بنیادین، نابرابری اجتماعی.

۱. دبیر اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

arami1388@gmail.com.

تنوع قومی - فرهنگی به عنوان مزیت راهبردی در الگوی پیشرفت: چارچوبی شناخت محور برای انسجام اجتماعی در ایران

لیلا اردبیلی^۱

چکیده

پیشرفت در جهان امروز دیگر صرفاً به معنای افزایش تولید یا دستیابی به فناوری‌های نوین نیست، بلکه بیش از هر زمان دیگری به نحوه مواجهه جوامع با تفاوت‌های فرهنگی، هویتی و شناختی وابسته است. تجربه دهه‌های اخیر نشان می‌دهد الگوهایی که فرهنگ، اعتماد اجتماعی و سازوکارهای مشارکت را نادیده می‌گیرند، حتی در صورت دستیابی به رشد اقتصادی قابل توجه، می‌توانند شکاف‌های هویتی را تعمیق کرده و بی‌اعتمادی اجتماعی و بحران مشروعیت سیاست‌گذاری را افزایش دهند. ایران، با پیشینه تاریخی طولانی و تکثر ریشه‌دار قومی-زبانی، نمونه‌ای برجسته از این چالش است. با این حال، در برخی برداشتها از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، وحدت اجتماعی به گونه‌ای تفسیر می‌رود که گویی مستلزم نوعی همگن‌سازی فرهنگی است؛ برداشتی که با یافته‌های انسان‌شناسی فرهنگی و علوم اجتماعی شناختی، که بر پویایی فرهنگ و

۱. استادیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، Leila.ardebili1361@gmail.com

نقش تنوع شناختی در تقویت توان جمعی حل مسئله تأکید دارند، سازگار نیست. این مقاله با رویکردی تحلیلی و میان‌رشته‌ای استدلال می‌کند تنوع فرهنگی ذاتاً مسئله‌زا نیست، بلکه کیفیت نهادها و سیاست‌ها است که آن را به تعارض یا هم‌افزایی تبدیل می‌کند. بر این اساس، تبدیل تکثر فرهنگی به «سرمایه شناختی» مستلزم نهادهای میانجی کارآمد، عدالت رویه‌ای و مشارکت واقعی است. همگرایی پایدار نیز نه از مسیر حذف تفاوت‌ها، بلکه از طریق شکل‌گیری همگرایی شناختی، یعنی اشتراک در ارزش‌ها و اهداف کلان، تحقق می‌یابد.

واژگان کلیدی: تنوع فرهنگی، سرمایه شناختی، همگرایی شناختی، شناخت توزیع شده، تنوع شناختی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انسجام اجتماعی.

سازوکارهای توسعه منابع انسانی برای بهره‌گیری از تنوع و تکثر فرهنگی - قومی در مسیر همگرایی و پیشرفت ملی

علیرضا مرادی^۱

چکیده

تنوع فرهنگی - قومی، زمانی که در چارچوب یک نظام توانمند توسعه منابع انسانی هدایت شود، می‌تواند از یک چالش بالقوه به مزیتی راهبردی برای شکل‌دهی همگرایی ملی و تحقق پیشرفت پایدار در جوامع چندقومیتی تبدیل شود. این پژوهش با هدف تبیین و طراحی سازوکارهای توسعه منابع انسانی برای بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های تنوع و تکثر فرهنگی - قومی انجام شده است. مطالعه حاضر از رویکرد کیفی با روش تحلیل مضمون بهره گرفته و داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۳ نفر از خبرگان حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، مدیریت منابع انسانی، حکمرانی و جامعه‌شناسی قومی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج ۷۸ کد اولیه شد که در مراحل بعدی در قالب ۱۵ مضمون میانی و نهایتاً ۴ مضمون نهایی سازمان‌دهی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بهره‌گیری اثربخش از تنوع فرهنگی - قومی مستلزم تحقق چهار دسته سازوکار است؛ سازوکارهای نهادی شامل سیاست‌گذاری مشارکتی، بودجه‌ریزی

۱. استادیار گروه مدیریت دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری (ره)، Moradi@aaiu.ac.ir

فراگیر و تنظیم گری شفاف تنوع؛ سازوکارهای رفتاری همچون توسعه سواد تنوع و اصول DEI، مقابله با سوگیری‌های ناخودآگاه، آموزش بین فرهنگی و بازطراحی الگوهای ارتباطی؛ سازوکارهای ساختاری منابع انسانی همچون نظام جذب و ارتقای مبتنی بر شایستگی، ارزیابی عملکرد عادلانه و حمایت سازمانی از گروه‌های مختلف؛ و سازوکارهای اجتماعی- تعاملی شامل تقویت سرمایه اجتماعی پیونددهنده، شبکه‌های همکاری میان قومیتی و برنامه‌های گفت‌وگوی فرهنگی. نتایج نشان می‌دهد که تبدیل تکثر فرهنگی به همگرایی ملی، در گرو شکل‌گیری یک منظومه یکپارچه از سازوکارهای نهادی، رفتاری، ساختاری و اجتماعی است که بتواند ظرفیت‌های مشترک را فعال و منازعات بالقوه را مدیریت کند.

واژگان کلیدی: توسعه منابع انسانی، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تنوع قومی، تنوع فرهنگی، DEI، تحلیل مضمون.

تبیین ژئوپلیتیک اثرات تمرکززدایی بر همگرایی ملی در

کشور ایران

عابد گل کرمی^۱

چکیده

تمرکززدایی به عنوان یکی از رویکردهای مهم در تحول نظام‌های حکمرانی، در دهه‌های اخیر در کانون توجه مطالعات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک قرار گرفته است. این رویکرد با هدف بازتوزیع اختیارات از سطح ملی به سطوح محلی، می‌تواند پیامدهای متنوعی بر انسجام و همگرایی ملی در ساختارهای سرزمینی چندلایه داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین ژئوپلیتیکی اثرات تمرکززدایی بر همگرایی ملی در ایران، به بررسی این پدیده در چارچوب ساختار فضایی قدرت و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشور می‌پردازد. روش تحقیق در این مطالعه کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی- تحلیلی است و داده‌ها با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری ژئوپلیتیک انتقادی، همبستگی سرزمینی و حکمرانی چندسطحی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تحلیل در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی انجام شده است تا پویایی‌های فضایی قدرت در ایران به صورت چندبعدی تبیین شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمرکززدایی در ایران دارای آثار

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه لرستان، golkarami.a@lu.ac.ir

چندوجهی است. از یک سو، این رویکرد می‌تواند از طریق افزایش مشارکت محلی، بهبود کارآمدی مدیریتی، کاهش تمرکز تصمیم‌گیری و تقویت پاسخگویی نهادی، به ارتقای همگرایی ملی و افزایش احساس تعلق در مناطق مختلف کشور کمک کند. از سوی دیگر، در شرایطی که نابرابری‌های فضایی، ضعف نهادی در سطوح محلی یا عدم توازن در ظرفیت‌های منطقه‌ای وجود داشته باشد، ممکن است پیامدهایی همچون افزایش رقابت‌های منطقه‌ای یا برجسته شدن تفاوت‌های هویتی نیز بروز کند. در این میان، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران از جمله موقعیت ژئوپلیتیکی در محیط پیرامونی، تنوع فرهنگی - قومی، ساختار تاریخی تمرکزگرایی و نقش عوامل هویتی، در شکل‌دهی به نتایج تمرکززدایی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثرات تمرکززدایی بر همگرایی ملی در ایران ماهیتی زمینه‌مند و وابسته به کیفیت حکمرانی، سطح توسعه‌یافتگی منطقه‌ای و نحوه طراحی سازوکارهای نهادی دارد و نمی‌توان آن را به صورت مطلق مثبت یا منفی ارزیابی کرد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، تمرکززدایی، همگرایی ملی، جمهوری اسلامی ایران.

محور ششم:

همبستگی اجتماعی و نسبت آن با امنیت ملی

ایران (با همکاری اندیشکده امنیت و دفاع)

نشانه‌شناسی و فرآیند همگرایی ملی؛ پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

ابراهیم متقی^۱

چکیده

هویت ملی محور اصلی همبستگی‌های اجتماعی، ساختاری و راهبردی کشورها به شمار می‌آید. ایران در منطقه پر مخاطره امنیتی واقع شده و در نتیجه نشانه‌هایی از تضاد، تعارض و رویارویی بازیگران و کارگزاران متعارض در روند توسعه و حکمرانی را تجربه کرده است. بهینه‌سازی چنین شرایطی نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی است که زمینه «بازتولید هویت ملی» را امکان‌پذیر می‌سازد. الگوی رفتاری و سرنوشت بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و حتی قدرت‌های بزرگ نشان داده که هر گونه پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر اساس نشانه‌هایی از همبستگی اجتماعی و همگرایی ملی شکل گرفته است. بحران‌های امنیتی، هویت و بی‌ثباتی امنیتی را می‌توان واقعیت اجتناب‌ناپذیر تحولات خاورمیانه دانست. هر گونه همگرایی ملی می‌تواند زمینه همبستگی ساختاری جامعه ایرانی را فراهم آورد. مطالعه بحران‌های امنیت منطقه‌ای جنوب غرب آسیا از این جهت اهمیت

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده امنیت و دفاع مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

Ebrahim.motaghi@gmail.com.

دارد که زمینه شناخت چگونگی شکل‌گیری و گسترش منازعات سیاسی و منطقه‌ای خاورمیانه را به وجود می‌آورد. بسیاری از رقابت‌های سیاسی و امنیتی خاورمیانه در سال‌های بعد از جنگ سرد، نشانه‌هایی از بحران‌های منطقه‌ای را منعکس می‌سازد. پرسش اصلی مقاله آن است که «همگرایی ملی چه ویژگی‌هایی داشته و چه تأثیری در ساخت دولت و فرآیند پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی خواهد داشت؟» فرضیه مقاله بیانگر این واقعیت است که «همگرایی ملی ارتباط درهم‌تنیده‌ای با انسجام اجتماعی، همبستگی ساختاری و شکل‌بندی دولت قوی دارد. دولت قوی محور اصلی و موتور محرک پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران خواهد بود». تنظیم مقاله بر اساس «نظریه نوسازی جدید» می‌باشد. رهیافت نوسازی جدید معطوف به توجه همه‌جانبه به قالب‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهای هدف بوده و هر گونه پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را ناشی از سازوکارهای مربوط به «بازگشت به خویشتن» می‌داند.

واژگان کلیدی: همگرایی ملی، انسجام اجتماعی، دولت قوی، دولت ضعیف، پیشرفت سیاسی و اقتصادی.

منطق عاطفه و سیاست عاطفی: بازاندیشی در همگرایی

منطقه‌ای خلیج فارس

مرتضی نورمحمدی^۱

چکیده

مقاله حاضر با هدف بازاندیشی در پویایی‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس، نقش عواطف و سیاست عاطفی را در شکل‌دهی به رفتار سیاست خارجی دولت‌های منطقه بررسی می‌کند. ادبیات مسلط روابط بین‌الملل، به ویژه رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی، عمدتاً کنش دولت‌ها را بر پایه عقلانیت ابزاری، منافع مادی و محاسبه هزینه-فایده تبیین کرده‌اند. با این حال، این رویکردها در توضیح رفتارهایی که ریشه در هویت، خاطره تاریخی و احساسات جمعی دارند، با محدودیت‌های تحلیلی مواجه‌اند. مقاله با اتکا به «چرخش عاطفی» در مطالعات روابط بین‌الملل و بهره‌گیری از چارچوب نظری «منطق عاطفه» مارکویکا، استدلال می‌کند که عواطف جمعی به عنوان سازه‌هایی اجتماعی و هویتی، نقشی اساسی در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی و الگوهای تعامل منطقه‌ای ایفا می‌کنند. پژوهش نشان می‌دهد که روابط منطقه‌ای

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، politic110@gmail.com

در خلیج فارس تحت تأثیر مجموعه‌ای از نُرْم‌های احساسی نهادینه شده، قرار دارد که در طول زمان از طریق گفت‌وگوهای سیاسی و امنیتی بازتولید شده‌اند. در این میان، سه الگوی عاطفی غالب شامل ترس متقابل، خشم سیاسی و غرور منزلتی، به عنوان عوامل مؤثر در تداوم بی‌اعتمادی، امنیتی‌سازی و واگرایی منطقه‌ای شناسایی می‌شوند. مقاله همچنین با بهره‌گیری از مفهوم «اجتماعات عاطفی» نشان می‌دهد که شکل‌گیری همگرایی پایدار منطقه‌ای مستلزم وجود نُرْم‌های احساسی مشترک و مدیریت عواطف سیاسی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تحلیل همگرایی منطقه‌ای بدون توجه به ساختارهای عاطفی، تصویری ناقص از منطق‌کنش سیاسی ارائه می‌دهد. بر این اساس، حرکت به سوی همگرایی در خلیج فارس مستلزم بازتعریف نُرْم‌های احساسی، تقویت اعتماد متقابل و شکل‌دهی به اجتماعات عاطفی مبتنی بر همدلی و سرنوشت مشترک خواهد بود.

واژگان کلیدی: سیاست عاطفی، منطق عاطفه، همگرایی منطقه‌ای، خلیج فارس، اجتماعات عاطفی.

قطبی‌شدگی، بحران‌های امنیتی و امتناع پیشرفت در ایران

مجتبی قلی‌پور^۱

چکیده

برای توصیف و تحلیل جامعه ایرانی از مفاهیم گوناگونی همچون جامعه پرشکاف، جامعه چندپاره، جامعه ناهمگون، جامعه کثیرالمله، جامعه سلسله‌مراتبی، جامعه موزاییکی، جامعه کوتاه‌مدت، جامعه شبکه‌مانند، جامعه جنبشی و امثال آن استفاده شده است. در این مقاله استدلال می‌شود که صرف‌نظر از میزان اعتبار بسیاری از این مفهوم‌سازی‌ها برای تحلیل ویژگی‌های اساسی جامعه ایرانی در مقاطع مختلف تاریخی‌اش، به نظر می‌رسد جامعه ایران امروز بیش از هر چیز ویژگی‌های جامعه‌ای قطبی‌شده^۲ را از خود نشان می‌دهد. منظور ما از جامعه قطبی‌شده، جامعه‌ای است که از نظر ارزشی و نگرشی به دو خوشه بسیار بزرگ تقسیم شده است. این دو خوشه از نظر عقیدتی، نگرشی و ارزشی، دیدگاه‌ها و باورهای بسیار ناهمگون و گاه ناهمساز دارند و این دیدگاه‌ها و باورها را در سبک زندگی خود به نمایش می‌گذارند و در عرصه سیاست (اعم از سیاست نهادی، سیاست زندگی و سیاست ستیزه) تعقیب می‌کنند. روشن است که

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی، mojtaba.gp@gmail.com

2. Polarized Society.

مفهوم‌سازی، معنادهی و تحقق ایده پیشرفت اسلامی- ایرانی در چنین جامعه‌ای، بدون درک مختصات اصلی این جامعه ممکن نیست. در مقاله ضمن تعریف دقیق قطبی‌شدگی و تشریح ویژگی‌ها و مختصات یک جامعه قطبی‌شده، استدلال خواهیم کرد که قطبی‌شدگی همان نابرابری یا همان چندپارگی اجتماعی و فرهنگی نیست بلکه هم معنای متفاوتی دارد و هم پیامدهای متفاوتی برای حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان داشته و دارد. از جمله این پیامدها می‌توان به آنومی سیاسی- فرهنگی، افزایش واگرایی سیاسی- اجتماعی، ظرفیت بالای منازعه و خشونت و گذار به وضعیت امتناع تولید دست‌آورد و به تبع آن امتناع پیشرفت اشاره کرد. ایده اصلی مقاله این است که مجموعه این پیامدهای برآمده از قطبی‌شدگی، جمهوری اسلامی ایران را پیوسته گرفتار بحران‌های امنیتی هم در داخل کشور و هم در خارج از آن کرده و گفتمان پیشرفت و توسعه را مداوماً به حاشیه رانده است. در بخش پایانی مقاله، با توجه به عوامل اصلی قطبی‌شدگی در ایران، راهبردهایی برای خروج از این وضعیت یا تعدیل و ترمیم آن به بحث گذاشته می‌شود و شرایط امکان یافتن ایده پیشرفت بر بستر جامعه قطبی‌شده بازخوانی می‌شود.

واژگان کلیدی: قطبی‌شدگی، جامعه قطبی‌شده، بحران‌های امنیتی، پیشرفت، حکمرانی فراگیر.

امنیت ملی، همبستگی اجتماعی و فرهنگ راهبردی عاشورا (نقدی بر قرائت فدیه‌ای عاشورا)

سعید حاجی ناصری^۱

چکیده

جنگ تحمیلی سوم نشان داد که فرهنگ راهبردی عاشورا مرکز ثقل استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است، بعد از جنگ تحمیلی رژیم بعث بر ایران اسلامی تحمیل کرد، برخی از جریانات سیاسی با این دیدگاه که انقلاب به مرحله ترمیم‌دوری خود رسیده است، در صدد ایدئولوژی‌زدایی از انقلاب اسلامی برآمدند، یکی از راهکارهایی که به منظور این ایدئولوژی‌زدایی در پیش گرفتند ارائه قرائت فدیه‌ای از حادثه عاشورا بود. در این قرائت ابعاد سیاسی و اجتماعی نمادها و ایده‌های دینی به عمد نادیده گرفته می‌شود و برداشتی سیاست‌زدایی شده و فردگرایانه از دین و حیات دینی ارائه می‌شود، این پژوهش در صدد نقد برداشت فدیه‌ای از حادثه عاشورا است و این دیدگاه را مطرح می‌کند که چنین برداشتهایی منجر تضعیف فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شده است و کشور را در معرض خطرات متعددی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، فرهنگ راهبردی، قرائت فدیه‌ای؛ عاشورا.

۱. دانشیار دانشگاه تهران و دبیر اندیشکده امنیت و دفاع مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
s.hajinaseri@ut.ac.ir.

بررسی رابطه دوسویه همبستگی ملی و توسعه سیاسی

ابوالفضل امیرور^۱

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه متقابل و چرخه‌ای میان همبستگی ملی و توسعه سیاسی می‌پردازد. همبستگی ملی با ابعادی چون هویت مشترک، اعتماد عمومی و حس سرنوشت جمعی، به عنوان بستر اجتماعی ضروری برای نهادسازی مؤثر و مشروعیت نظام سیاسی عمل می‌کند. از سوی دیگر، توسعه سیاسی واقعی، از طریق نهادسازی پاسخگو، حاکمیت قانون، ظرفیت کارآمد دولت و تضمین مشارکت عادلانه، به تقویت اعتماد و انسجام ملی می‌انجامد. مقاله با تحلیل این تعامل دوسویه، نشان می‌دهد که ضعف در هر یک از این دو حوزه، چرخه‌ای معیوب از بی‌اعتمادی، ناکارآمدی و گسست اجتماعی ایجاد می‌کند. در ادامه، با اشاره به تجربیات تاریخی و نظریات کلیدی (مانند دولت توسعه‌گرا، سرمایه اجتماعی و فرهنگ مدنی)، راهکارهای سیاستی برای تقویت این چرخه ارائه می‌رود. هدف نهایی، ترسیم مسیری است که در آن توسعه سیاسی و همبستگی

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تهران، دبیر اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، a.amirvar95@gmail.com

ملی به طور متقابل یکدیگر را تقویت کرده و بنیان‌های یک حکمرانی پایدار و فراگیر را استحکام بخشند.

واژگان کلیدی: همبستگی ملی، توسعه سیاسی، مشارکت، اعتماد اجتماعی، مشروعیت، حکمرانی.

محور هفتم:

همگرایی تأمین امنیت غذایی و بهره‌برداری

پایدار از تنوع زیست کشور

(با همکاری اندیشکده آب، محیط زیست، امنیت

غذایی و منابع طبیعی)

لزوم همگرایی و عزم ملی جهت حفاظت از تنوع زیستی

اسکندر زند^۱، زینب حسین نژاد^۲

چکیده

تنوع زیستی که حاصل میلیاردها سال تکامل موجودات زنده کره زمین است، بنیان پایداری زیست کره و پشتیبان حیات و تمدن بشری می‌باشد. مرور تاریخ زمین از پیدایش نخستین پروکاریوت‌ها تا پنج انقراض بزرگ نشان می‌دهد حیات همواره در بستر بحران تکامل یافته، اما امروز با ورود به عصر آنتروپوسن (عصر انسان) و ارموسن (عصر تنهایی زیستی انسان)، انسان با نرخ انقراض ۵۰ تا ۵۰۰ برابر طبیعی و کاهش سهم زیست توده پستانداران وحشی به زیر ۶ درصد، ششمین انقراض جمعی را رقم زده است. در واکنش به انقراض ششم و به وضعیت نگران کننده تنوع زیستی جهان، چارچوب جهانی تنوع زیستی پسا ۲۰۲۰ (کونمینگ-مونترال) با بهره‌گیری از نظریه تغییر تحول آفرین، اهداف بلندپروازانه و در عین حال ضروری را دنبال می‌کند که نیل به آنها مستلزم عزمی جدی و بسیج همگانی

۱. استاد موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران و عضو اندیشکده آب، محیط زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (نویسنده مسئول)، eszand@yahoo.com.

۲. دانشجوی دکتری ارزیابی و آمایش سرزمین، گروه علوم و مهندسی محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه ملایر.

است. ایران با داشتن یک درصد مساحت جهان و میزبانی حدود سه درصد گونه‌ها موجودات زنده، از نظر تنوع زیستی از اهمیت ویژه‌ای در جهان برخوردار است، این در حالی است که تغییرات اقلیم و بحران کم آبی، وضعیت گونه‌های در معرض انقراض، تالاب‌های در حال خشکیدن، جنگل‌ها و مراتع در حال تخریب و سایر عوامل تهدید کننده تنوع زیستی در کنار مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور، تحقق اهداف برنامه پسا ۲۰۲۰ تنوع زیستی را در کشور دشوار ساخته است. آنچه مسلم است اجرای موفق این برنامه‌های ضروری و نجات بخش، نیازمند اراده ملی، برنامه‌ریزی دقیق، پشتیبانی مطمئن، مشارکت جوامع محلی، تلفیق دانش بومی با فناوری نوین و مدیریت تغییرات اقلیمی است. در این مقاله ضمن پرداختن به اهمیت و جایگاه تنوع زیستی، لزوم همگرایی و عزم ملی برای حفاظت از تنوع زیستی مورد تأکید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تنوع زیستی، آنتروپوسن و ارموسن، انقراض ششم، چارچوب جهانی تنوع زیستی پسا ۲۰۲۰.

محیط‌زیست و حق بر آن از دیدگاه اسلام

سیدفضل‌الله موسوی^۱

چکیده

اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق‌های بین‌المللی (۱۹۶۶) به صراحت از «حق بر محیط‌زیست» یاد نکرده‌اند، اما در نسل سوم حقوق بشر، این حق به عنوان یکی از حقوق بنیادین مطرح شده است. در اسلام نیز هر چند این عنوان در متون کهن فقهی دیده نمی‌شود، اما با استناد به آیات قرآن (مانند «خَلَقَ لَكُمْ» و «سَخَّرَ لَكُمْ»)، احادیث، قواعد فقهی (از قبیل لاضرر، عدالت، اتلاف و مصلحت) و دیدگاه‌های فقیهان معاصر، می‌توان حق بر محیط‌زیست سالم را اثبات کرد. از منظر اسلام، تمام پدیده‌های طبیعی برای بهره‌مندی انسان آفریده شده‌اند، اما این بهره‌برداری باید همراه با مسئولیت‌پذیری، پرهیز از فساد و اسراف، آبادانی زمین و رعایت حقوق دیگران باشد. حفاظت از محیط‌زیست نه یک توصیه، بلکه تکلیفی الهی و حقی اساسی برای انسان به عنوان جانشین خدا در زمین است. این پژوهش به ابعاد گوناگون محیط‌زیست، عوامل آلودگی،

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، عضو اندیشکده فقه و حقوق اسلامی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، fmousavi@ut.ac.ir

رابطه انسان و طبیعت و وظایف انسان در قبال محیط زیست از دیدگاه اسلام می پردازد.

واژگان کلیدی: حق بر محیط زیست، اسلام، حقوق بشر، قرآن، قواعد فقهی، توسعه پایدار، محیط زیست سالم.

ضرورت استقرار حکمرانی یکپارچه غذا برای تأمین غذای حلال و سالم در ایران

محمد شاهدی^۱

چکیده

امنیت و سلامت غذا به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و سلامت عمومی، نیازمند حکمرانی یکپارچه و هماهنگ در سراسر زنجیره تأمین، از مزرعه تا سفره است. در ایران، علی‌رغم ظرفیت‌های بالای تولیدی و تعدد نهادهای متولی، وجود چالش‌های سیستمی نظیر موازی‌کاری، تداخل وظایف و عدم تبادل داده‌ها، منجر به تداوم نگرانی‌هایی در زمینه باقیمانده سموم، فلزات سنگین، تقلبات غذایی و کیفیت تغذیه‌ای محصولات شده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی-توصیفی، ضمن بررسی ساختار موجود و آسیب‌شناسی آن، به تحلیل ابعاد نوظهور حکمرانی غذا از جمله نظام صدور گواهی حلال و تقابل نهادهای متولی در این حوزه می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش که با استناد به جدیدترین مطالعات علمی و گزارش‌های نهادی (۲۰۲۴-۲۰۲۵) تدوین شده، نشان می‌دهد که فقدان یک ناظر فراجبشی و وجود تعارض منافع نهادی، مهم‌ترین موانع

۱. عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و رئیس اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، shahedimo@gmail.com

دستیابی به غذای سالم هستند. در پایان، مقاله با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و اسناد بالادستی، الگوی «سازمان مستقل امنیت و سلامت غذا» به عنوان راهبردی اساسی برای برون‌رفت از وضعیت موجود پیشنهاد می‌رود.

واژگان کلیدی: حکمرانی یکپارچه، امنیت غذایی، سلامت غذا، غذای سالم.

نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی، عامل مهم همگرایی و پیشرفت در روستاها و قطب‌های کشاورزی

منوچهر گرجی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در روستاها و قطب‌های کشاورزی کشور عدم وجود تشکل‌های مناسب، کارا و انجام فعالیت‌ها به صورت انفرادی و پراکنده است. نظام خرده مالکی و دهقانی فعلی به علت وجود چالش‌های فراوان توان لازم برای حل مشکلات موجود را ندارد. تشکل‌های ایجاد شده در قالب‌های مختلف، از جمله شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های تعاونی تولید نیز به علت گسترش محدود، دارا نبودن جامعیت لازم، عدم حمایت مناسب دولتی و ضعف مدیریت، موفق به اثرگذاری چشمگیر نبوده‌اند. نظام‌های بهره‌برداری به مثابه نخ تسبیح می‌توانند فعالیت‌های پراکنده را مرتبط و منسجم کرده و با ایجاد هم‌افزایی و تولید ارزش‌افزوده، شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روستاهای کشور را بهینه‌سازی کنند و باعث ایجاد تحول در کشاورزی کشور شوند. نظام بهره‌برداری، هسته مرکزی و تعیین‌کننده‌ترین عامل بلافاصل تولید

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، mgorji@ut.ac.ir.

کشاورزی است که با بهره‌برداری از منابع مانند آب و خاک به تولید محصولات کشاورزی برای مصرف یا مبادله و یا فروش می‌پردازد. نظام بهره‌برداری مناسب می‌تواند بسیاری از مشکلات کشاورزی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را برطرف کرده و موجب تحول اساسی در بخش کشاورزی کشور شود. سیاست‌گذاران و مدیران عالی کشور می‌توانند با تقویت و توسعه نظام‌های بهره‌برداری مناسب در قالب شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌های تعاونی تولید، کشت و صنعت‌های خصوصی، کشاورزی فامیلی (خانوادگی) سامان یافته و سایر انواع تشکل‌ها، بسته به شرایط منطقه و نوع فعالیت، ضمن ایجاد همگرایی و انسجام در مناطق روستایی و قطب‌های کشاورزی کشور، شرایط لازم برای پیشرفت و دستیابی به کشاورزی پایدار را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: تشکل‌های کشاورزی، شرکت سهامی زراعی، شرکت تعاونی تولید، نظام خرده مالکی، کشاورزی پایدار.

نیازهای فناوری نوین و رویکردهای جدید جهت ارتقای همبست انرژی و آب در افق بلندمدت با توجه به پدیده تغییر اقلیم

مجید عباسپور^۱، آیدا احمدی^۲

چکیده

تغییر اقلیم و گرمایش جهانی از چالش‌های اساسی فراروی جامعه بین‌المللی به ویژه کشورهای در حال توسعه است. کنوانسیون تغییر آب و هوای سازمان ملل (UNFCCC) و نشست‌های اعضا (COP) از جمله COP28 و COP29، سازوکارهای مالی و فناوری را برای دستیابی به انتشار صفر خالص گازهای گلخانه‌ای تا ۲۰۵۰ مطرح کرده‌اند. ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو، تعهداتی را پذیرفته و نهاد ملی تعیین شده (NDE) را معرفی کرده است. با این حال، بررسی اسناد بالادستی و قوانین ملی نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت‌های قانونی، ضعف‌هایی نظیر فقدان سیاست‌گذاری هماهنگ، نبود الگوی مصرف

-
۱. عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف، عضو اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (نویسنده مسئول)، abbpor@sharif.edu
 ۲. عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ahmadyaida@yahoo.com

بهینه انرژی و ضعف مدیریت اجرایی وجود دارد. در این پژوهش با استفاده از مدل ارزیابی نیاز فناوری (TNA) و با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و وزندهی معیارهایی چون هزینه، کاهش گازهای گلخانه‌ای، سیاست‌گذاری، فناوری، محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع، نیازهای فناوری کشور در بخش‌های مختلف شامل نفت و گاز، خانگی- تجاری، نیروگاه‌ها، حمل و نقل، صنعت، کشاورزی، سلامت و جنگل و مرتع اولویت‌بندی شده است. نتایج نشان می‌دهد که هر بخش نیازمند فناوری‌های خاصی در دو حوزه کاهش انتشار و سازگاری است. پیشنهاد می‌شود نهاد متولی، رصد اجرای فناوری‌های اولویت‌دار را در برنامه هفتم توسعه تا افاق ۱۴۱۷ پیگیری کرده و موانع دستیابی به آنها را برطرف سازد.

واژگان کلیدی: تغییر اقلیم، ارزیابی نیاز فناوری (TNA)، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری، کنوانسیون تغییر آب و هوا (UNFCCC)، اولویت‌بندی فناوری، ایران.

نقش همگرایی سیاست‌ها در حکمرانی آب

جواد فرهودی^۱

چکیده

چالش‌های حاصل از تنش‌های آبی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشور است که عمدتاً از حکمرانی و بهره‌برداری نامناسب منابع آب، تغییر اقلیم و کاربری ناکارآمد منابع آب و خاک نشئت می‌گیرد. تشدید وقوع پدیده‌های جدی خشکسالی و سیل‌های مخرب در سال‌های اخیر باعث کاهش جریان رواناب‌های سطحی شده است. سفره‌های آب زیرزمینی کشور نیز از یک بیلان منفی بیش از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب رنج می‌برد که این مسئله دشت‌های شرقی و مرکزی کشور را با مشکلات کم آبی شدید مواجه ساخته است. پدیده رخنمون فرونشست‌ها و فرو چاله‌های حاصل از برداشت بی‌رویه منابع آب زیرزمینی در کل پهنه جغرافیایی کشور به صورت نگران‌کننده‌ای ظهور یافته است. خلأ آمار و اطلاعات دقیق از وضعیت کمی و کیفی منابع و مصارف آب کشور، فقدان نگاه جامع و همگرا، بخشی‌نگری در بدنه دولت و عدم مشارکت ذی‌نفعان

۱. استاد گروه مهندسی آبیاری و آبادانی دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران و عضو اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و مناطق طبیعی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، jfarhoudi@ut.ac.ir

غیردولتی، منجر به تصمیم‌گیری‌های ناصواب شده است. کم توجهی به آبخیزداری و آبخوان‌داری به عنوان روش‌های شناخته شده و کارآمد در احیای منابع آب و برداشت‌های بی‌رویه مجاز و غیرمجاز از این منابع، افت شدید سفره آبخوان‌ها را در پی داشته است. ورود آلاینده‌ها به منابع آب نیز کمبود و چالش‌های مدیریت آب را تشدید کرده است. اما، آنچه در مدیریت منابع آب کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد عبارت از نقش‌آفرینی عوامل اجتماعی، اقتصادی و سازمانی بین بخشی است. تأثیر واگرایی و گسست‌های عناصر مؤثر بر عرضه و تقاضا است که حکمرانی آب را تحت تأثیر قرار داده و توزیع منصفانه آب را در مقایسه با محدودیت‌های مطلق منابع آب قابل دسترس، چالشی‌تر کند. مشارکت ذی‌نفعان، اولویت‌های سیاسی و حتی مسائلی همچون دخالت‌های سیاسی و اقدامات فسادآمیز، همگی دارای تأثیر مهمی در طراحی زیرساخت‌ها و راهبردها و تخصیص آب برای اهداف مختلف دارند. بنابراین حکمرانی آب مؤثر نیازمند آن است که دسترسی منصفانه، مطمئن و پایدار آب برای همه بخش‌های جامعه را تضمین کرده و از یک رابطه همسو و همگرا بین بازیگران، ذی‌نفعان و نیز سیاست‌ها برخوردار باشد. همگرایی سیاست‌ها در حکمرانی آب برای تضمین رفع تعارض و تضاد منافع بین بخش‌های دخیل در تأمین، مصرف و حفاظت منابع آب نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، واگرایی و غیرهمسویی سیاست‌ها و سازمان‌های ذی‌نفع منابع آب، باعث ایجاد تضاد و گسست تصمیم‌ها، اقدامات و کنش‌های بین بخشی در زنجیره تأمین، مصرف و حفاظت آب شده و

موجبات ائتلاف انرژی مجریان و بهره‌برداران منابع آب را فراهم می‌کند. همگرایی سیاست‌ها کمک خواهد کرد تا این تضادها و گسست‌ها مرتفع و هم‌افزایی و همسویی در میان بخش‌های مختلف زنجیره مدیریت منابع آب برقرار شده و از تخریب و تضعیف بازیگران و انحراف اهداف پیش‌بینی شده جلوگیری شود. این مقاله مروری، سعی دارد تا در راستای تدابیر ۲۴ و ۲۵ سند الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ضمن بررسی اجمالی عوامل ایجاد تنش آبی و اصول حکمرانی آب، به نقش همگرایی‌های سیاست‌های آبی و مجریان در حکمرانی آب و راهکارهای استقرار آن را مورد بحث قرار دهد.

واژگان کلیدی: حکمرانی آب، تنش آبی، همگرایی سیاست‌های آبی، مدیریت منابع آب، گسست سیاست‌ها، شورای عالی آب.

همگرایی برای حفظ و بهره‌برداری پایدار منابع خاک کشور

محمدحسن روزی طلب^۱

چکیده

خاک منشأ حیات در کره زمین است و توسعه پایدار هر کشوری بستگی به حفظ و بهره‌برداری پایدار از خاک و سایر منابع طبیعی دارد. تأمین امنیت غذایی و سلامت محیط‌زیست در هر کشور نیز بستگی به سرنوشت خاک دارد. بیش از ۹۵ درصد منابع خاک و اراضی کشاورزی ایران در اقلیم خشک و نیمه‌خشک و کمتر از ۵ درصد در اقلیم مرطوب و نیمه مرطوب تشکیل و تکامل یافته‌اند. طبق سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۴۰۳، کل مساحت اراضی کشاورزی کشور (شامل آبی، دیم و آیش) حدود ۱۵/۴ میلیون هکتار یعنی حدود ۹ درصد کل مساحت کشور بوده است و امکان گسترش بیشتر آن در آینده نیز با توجه به شرایط اقلیمی و محدودیت منابع آب وجود ندارد. هدف این مطالعه بررسی کل تولید محصولات زراعی اراضی کشاورزی در اقلیم مختلف کشور و تبیین راهکارهای لازم به منظور حفظ و افزایش بهره‌وری از این اراضی است. در این مطالعه تولید محصولات زراعی در سه اقلیم خشک، نیمه‌خشک و مرطوب و نیمه

۱. دانشیار سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و دبیر اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، mroozitalab@gmail.com.

مرطوب کشور در دو سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مطالعه نشان داد مناطق خشک و گرم استوایی جنوب کشور که اکثراً با محدودیت کاهش شدید منابع آب روبه‌رو می‌باشند، به طور متوسط حدود ۵۴ درصد کل تولید محصولات زراعی کشور را تولید می‌کنند. اراضی زراعی در مناطق نیمه‌خشک و سرد که بیشتر در مناطق کوهستانی غرب و شمال‌غرب کشور قرار دارند حدود ۳۷ درصد کل محصولات زراعی (شامل آبی و دیم) کشور را تأمین می‌کنند. در این اراضی کشاورزی که با چالش تغییر اقلیم و کاهش بارندگی سالانه و فرسایش زیاد خاک روبه‌رو می‌باشند، حدود ۸۰ درصد کل تولید زراعت دیم و ۲۵ تا ۳۰ درصد کل تولید سالانه گندم کشور تولید می‌شود. اراضی زراعی شمال کشور که به طور عمده در مناطق مرطوب و نیمه‌مرطوب قرار دارند سالانه به طور متوسط حدود ۹ درصد کل تولید محصولات زراعی (آبی و دیم) کشور شامل محصولات زراعی راهبردی مهمی همچون برنج، دانه‌های روغنی و پنبه تولید می‌شود. بیشتر این اراضی هم با چالش تغییر کاربری اراضی و تخریب منابع خاک در اثر تخریب جنگل‌ها و یا آلودگی محیط‌زیست روبه‌رو می‌باشند. در پایان با توجه به محدودیت اراضی کشاورزی کشور و چالش‌های پیش‌رو، راهکار کارهای لازم برای حفظ منابع خاک و افزایش بهره‌وری اراضی کشاورزی و اقدامات لازم برای افزایش همگرایی بین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اجرایی، مؤسسات پژوهشی و مراکز آموزش عالی و

همچنین چگونگی نقش و مشارکت مردم و کشاورزان برای حفظ و مدیریت پایدار منابع خاک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: امنیت غذایی، کشاورزی پایدار، حفظ محیط‌زیست.

همگرایی ملی برای تامین آب مورد نیاز کشور در افق بلندمدت با توجه به آمایش سرزمین

عباس شفیعی^۱

چکیده

در این مقاله ضمن پرداختن به پیامدهای عدم توجه به آمایش جمعیتی و تناسب آن با توجه به ظرفیت زیست بوم کشور، مطالبی در ارتباط با میزان بهینه تخصیص منابع آب سطحی و زیرزمینی و بهره برداری بهینه از منابع آب‌های نامتعارف (آب لب شور، پساب، نمک‌زدایی و انتقال از دریا و ...) و راهکارهای چگونگی تطبیق مراکز جمعیتی، اقتصادی، کشاورزی و صنعتی کشور با ظرفیت‌های منابع آب قابل تخصیص ارائه می‌شود تا از این طریق بتوان اصلاحات سیاستی، ساختاری، مقرراتی و نهادی برای استقرار نظام حکمرانی مناسب برای منابع آب کشور انجام داد.

واژگان کلیدی: نظام حکمرانی آب، مدیریت یکپارچه آب، توسعه پایدار.

۱. کارشناس ارشد آب و معاون پیشین وزارت نیرو، a.shafiee38@yahoo.com

محور هشتم:

نقش خانواده در تقویت همبستگی اجتماعی،

همگرایی ملی، امنیت و پیشرفت کشور

(با همکاری اندیشکده خانواده)

طراحی برنامه‌های ملی خانواده محور (منشور خانواده محوری)

غلامعلی افروز^۱

چکیده

خانواده تنها نهاد فطری، طبیعی، بی بدیل و جاودانه بشری است. بی تردید دیگر نهادهای اجتماعی برای پاسداری، تقویت و حسن تأمین نیازهای تحولی خانواده ایجاد می‌شوند در هر جامعه‌ای وجود خانواده‌های سالم و پویا، پایدار و استوار، مهم‌ترین شاخص سلامت و اقتدار ملی تلقی می‌شود. خانواده به مثابه باغ پر طراوتی است که در آن خانم‌ها باغبان دل‌آرام و آقایان سنگربان امنیت‌آفرین و فرزندان - اگر باشند - گل‌ها و میوه‌های شکفته این باغ‌اند. لازمه حفظ طراوت این باغ زندگی، صلابت و پویایی خانواده، احساس امنیت روانی و حاکمیت آرامش و حقوق عاطفی در کانون خانواده است. رسالت خطیر حاکمیت در این مهم، ترغیت و تشویق جوانان برای ازدواج به هنگام و تأسیس خانواده پایدار با رعایت ملاحظات نظیر؛ انتخاب دقیق و تشریفات آسان و حمایت مستمر و همه‌جانبه در تحکیم آن می‌باشد. انجام چنین رسالتی به معنای تلاش برای محقق شدن اصل

۱. استاد ممتاز دانشگاه تهران و رئیس اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
afrooz@ut.ac.ir.

دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. چرا که این اصل فوق العاده متعالی و جهان شمول مقرر می‌دارد: "از آنجایی که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد". بدون تردید، تحقق چنین اصل مترقی و بلنداندیشانه قانون اساسی و ایفای بهینه رسالت سترگ حاکمیت در این مهم، بدون اندیشه، طراحی و اجرای مطلوب و مستمر برنامه‌های جامع خانواده‌محور در حوزه‌های مختلف، نمی‌تواند به گونه‌ای که بایسته و شایسته و سزاوار خانواده‌های ایران اسلامی است، انجام پذیرد. بنابراین انتظار به حق آن است که حاکمیت به طور اعم و قوای سه‌گانه، مجلس، قوه قضاییه و به ویژه دولت، با باور غنی و احساس ضرورت حیاتی و رسالت ملی برای تحکیم خانواده و تقویت احساس امنیت و آرامش در خانواده، همه مصوبات، مقررات و برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خود را مورد بازنگری اساسی قرار داده و همه راهبردها و تدابیر و اقدامات تخصصی و حرفه‌ای خود را خانواده‌محور کنند. در این مقاله تلاش شده با تبیین جایگاه و نقش خطیر خانواده در سلامت جامعه، مبانی و اصول، ضرورت‌ها و الزامات تدوین برنامه‌های خانواده‌محور در حوزه‌های مختلف، با ذکر چند مثال از تجارب کشورهای رشد یافته مورد بحث و بررسی واقع شود.

واژگان کلیدی: خانواده، حاکمیت، رسالت قوای سه‌گانه، برنامه‌های خانواده‌محور.

پایداری خانواده و همبستگی ملی و پیشرفت جامعه

شکوه نوایی نژاد^۱

چکیده

با صنعتی شدن و تغییرات شگرف و پیشرفت سریع و به تبع آن خانواده‌ها، در ابعاد مختلف به ویژه در ارزش‌های اخلاقی و انسانی به چالش کشیده شده است. بر اساس گزارش سازمان ملل نهاد سنتی و اخلاقی خانواده در غرب در مسیر فروپاشی است. ایران نیز همانند بسیاری از کشورها از این معضلات جهانی مصون نمانده است. عمده‌ترین عوامل به وجود آورنده آن عبارت است از: مشکلات و مسائل اقتصادی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی، بالا رفتن سن ازدواج، ترویج بی‌بند و باری و روابط آزاد جوانان و ازدواج‌های بدون تعهد قانونی به اصطلاح ازدواج سفید. انسجام ملی نه تنها حس تعلق را در جامعه تقویت می‌کند بلکه در مقاومت کشور نقش حیاتی ایفا می‌کند تحلیل این تجارب تاریخی می‌تواند به تصمیم‌سازان در اعتلای کشور کمک کند. در دنیای معاصر نظام بین‌الملل با تحولات چشمگیری روبه‌رو است که بر مبنای مختلف زندگی ملت‌ها تأثیر می‌گذارد. این تغییرات نه تنها بر روابط سیاسی که بر هویت و استقلال

۱. استاد دانشگاه خوارزمی و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

navabinejad93@gmail.com.

کشورهای مختلف نیز اثر گذاشته است. درک چالش‌های پیش رو در کشورهای جهان نشانه‌ای از تقابل منافع قدرت‌ها قابل توجه است. برای رویارویی با این چالش‌ها تحلیل رفتارها و واکنش‌های ملی در برابر تهدیدهای خارجی به ویژه برای حفظ همبستگی اجتماعی و ملی به عنوان یک عامل کلیدی در تقویت همبستگی و انسجام و پایداری کشور امری ضروری است. بنابراین اهمیت انسجام ملی ناشی از پایداری خانواده و همبستگی اجتماعی، احساس تعلق و دلبستگی به خانواده و در نتیجه ایجاد یک نظام پشتیبانی برای تحصیل و ورود به دنیای کار است؛ که در نهایت زمینه‌ساز سلامت و اعتلای جامعه است. خانواده نخستین بستر تربیتی و شکل‌گیری شخصیت و نیز ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی و دینی فرد است. عشق به وطن نیز که با پایداری خانواده در فرزندان ما نهادینه شده است در کاهش آسیب‌های اجتماعی و کارکرد مطلوب خانواده نقش بسزایی در اعتلای اقتدار فرد خواهد داشت. همبستگی ملی و پیوستگی اقوام و در هم تنیدگی نژادها و زبان‌های مختلف در سرزمین ما پدید می‌آید. ارزش‌های اخلاقی آموخته شده در خانواده با هویت همبستگی ملی نه تنها تعارضی ندارد که کاملاً با یکدیگر همسو نیز هستند. همگرایی و پایداری خانواده، همبستگی ملی، گسترش ارزش‌های اخلاقی و افزایش و انسجام اجتماعی در نهایت به پیشرفت جامعه می‌انجامد. الگوی پایداری خانواده ایرانی با تکیه بر پیشینه فرهنگی و تاریخی و بر اساس هویت و ارزش‌های واقعی خود تداوم استقلال و عزت ملی را انسجام

بخشیده است و مهم‌تر از آن انگیزه قوی برای مقابله با فشارهای خارجی و مقاومت در برابر آن را ممکن ساخته است. متأسفانه امروز در نتیجه کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی و تغییر سبک زندگی، افزایش ناامنی و ناهنجاری‌های روانی در سطح جامعه رو به گسترش است. هر چند ایرانیان پیوسته خانواده‌محور بوده‌اند لیکن پژوهش‌ها و مطالعات بالینی نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر دامنه ارزش‌های خانواده با همبستگی و وضعیت اقتصادی اجتماعی و در پی تحولات و تغییرات جامعه در حال گذار، خانواده‌های سنتی ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. با این وجود خانواده‌های ایرانی همچنان در جهت مقاوم بودن به ویژه در تربیت فرزندان همچنان تلاش می‌کنند تا با آموزش ارزش‌های اخلاقی روابط مطلوب خانوادگی سرشار از عشق و محبت فرزندان خود را با روحیه قوی برای مقابله با تهاجم‌های فرهنگی آماده کنند. نقش خانواده امروز در جامعه، رفع نیازهای اولیه، رشد فرهنگ و ارزش‌های معنوی و اخلاقی در فرزندان نه تنها عامل کلیدی در حفظ ثبات داخلی است بلکه منبع قدرتمند ملت در مقابل تهدیدهای خارجی خواهد بود. انسجام ملی نه تنها حفظ تعلق در جامعه را تقویت می‌کند بلکه مهم‌تر از آن در مقاومت کشور نقش حیاتی دارد. تحلیل این تجارب تاریخی می‌تواند به تصمیم‌سازان کشور کمک کند تا بر پایه‌ای مستحکم برای مقابله با بحران‌ها و چالش‌ها تکیه کند. انسجام فرهنگی و اجتماعی مهم‌ترین عامل موفقیت یک ملت است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

الگوی است که در جهت توسعه پایدار و تسهیل فرایند رشد و تکامل فرد و جامعه در راستای استقرار عقلانیت و اخلاق فضیلت‌مدار پیوسته در تلاش است. در این الگو سرمایه اجتماعی خانواده الهام‌بخش انگیزه قوی برای پیشرفت جامعه است. متأسفانه امروز در جهان الگوی پیشرفت تمتع و رفاه بشر است و ارزش‌های اخلاقی در آن، جایی ندارد. در حالی که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با هدف رشد و تعالی معنوی فضایل اخلاقی بر مبنای عقلانیت در جامعه اعمال می‌رود. در الگوی اسلامی ایرانی ر دو بعد انسان یعنی نیازهای مادی و معنوی تأمین می‌شود و انسان هماهنگ با برخورداری از رفاه مادی از آرامش معنوی و اخلاقی نیز بهره‌مند است. در این جامعه پیشرفت و اعتلای فرد و جامعه هر دو در کنار هم و هم‌زمان واقع می‌رود.

واژگان کلیدی: پایداری خانواده، همبستگی ملی، ارزش‌های اخلاقی، انسجام اجتماعی، تهدیدهای فرهنگی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

توانمندسازی شناختی زنان به مثابه پیشران همگرایی اجتماعی و امنیت پایدار فریده حمیدی^۱

چکیده

در شرایط پیچیده و متحول جوامع معاصر، توانمندسازی شناختی زنان به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تقویت همگرایی اجتماعی و تحقق امنیت پایدار اهمیت فزاینده‌ای یافته است. زنان، هم در ساحت خانواده و هم در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و مدنی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتولید معنا، انتقال ارزش‌ها و مدیریت تعارض‌های اجتماعی ایفا می‌کنند و از این رهگذر می‌توانند به پیشران مؤثری برای انسجام اجتماعی بدل شوند. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش توانمندسازی شناختی زنان در مواجهه با تهدیدات شناختی و تأثیر آن بر همگرایی اجتماعی و امنیت پایدار، با رویکرد کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل ۳۰ نفر از زنان (خبرگان و دانشجویان) بودند که به صورت هدفمند انتخاب و تحت مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز،

۱. استاد روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، fhamidi@sru.ac.ir

محوری و انتخابی صورت گرفت و به استخراج مجموعه‌ای از مقولات شناختی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی انجامید. یافته‌ها نشان داد که تقویت باورهای شناختی فردی، جمعی و بین‌نسلی زنان، همراه با توسعه تفکر انتقادی، هویت چالش‌پذیر و کنشگری آگاهانه، زمینه‌ساز کاهش شکاف‌های هویتی، افزایش اعتماد اجتماعی و ارتقای تاب‌آوری در برابر تهدیدات است. در نهایت، الگوی مفهومی استخراج شده، حاکی از آن است که توانمندسازی شناختی زنان می‌تواند به عنوان پیشران همگرایی اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت امنیت پایدار در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی عمل کند و راهبردی مؤثر برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی محسوب شود.

واژگان کلیدی: توانمندسازی شناختی زنان، همگرایی اجتماعی، امنیت پایدار، هویت شناختی، نظریه داده‌بنیاد.

تعالی خانواده، سرمایه اجتماعی و پیشرفت

حبیب‌اله مسعودی فرید^۱

چکیده

خانواده به عنوان اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین نهاد اجتماعی، در ارتباط تنگاتنگ با جامعه می‌باشد و علاوه بر تأثیرگذاری بر روی جامعه، از آن نیز تأثیر می‌پذیرد. سرمایه اجتماعی که حاصل و نماد کلانی از کیفیت حکمرانی و چگونگی کارکرد جامعه بوده و برآیند عوامل متعددی از جمله اعتماد اجتماعی، شامل‌سازی اجتماعی، نظام‌های حمایتی در جامعه و شبکه اجتماعی موجود می‌باشد نیز، بر روی سلامت خانواده و تسهیل در تعالی خانواده تأثیرگذار است. نکته مهم این است که مهم‌ترین بازیگران نظام حکمرانی در ایجاد، حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی چه نهادها یا کسانی هستند؟ و اینکه چگونه می‌توانند نقش خود را به درستی ایفا کنند؟ از طرف دیگر عوامل مؤثر در پیشرفت جامعه و دستیابی به شاخص‌های کلیدی آن، می‌تواند موجب افزایش سرمایه اجتماعی و نیز تعالی خانواده شود. برخی از مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت در جامعه عبارت

۱. استاد و متخصص پزشکی اجتماعی، عضو گروه سلامت اجتماعی فرهنگستان علوم پزشکی،

عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

habib.masoudifarid@gmail.com.

از برابری در دسترسی به فرصت‌ها (عدالت توزیعی)، نبود تبعیض و نابرابری، دسترسی و بهره‌مندی آحاد مردم به خدمات سلامت و آموزش، دسترسی مناسب به اشتغال و شغل شایسته می‌باشد. این مقاله به تأثیرات متقابل سرمایه اجتماعی و پیشرفت بر روی تعالی خانواده و بالعکس می‌پردازد و شامل دو بخش اصلی می‌باشد. در بخش اول درباره اهمیت پرداخت توأمان به سه موضوع خانواده، سرمایه اجتماعی و شاخص‌های پیشرفت بحث خواهیم کرد و در بخش دوم، به تحلیل و بررسی چگونگی تأثیرگذاری حیطة‌های فوق بر روی همدیگر و اثرات هم‌افزایی آنها در رویکرد مثبت و اثرات کاهنده آنها در نگاه منفی می‌پردازیم. در پایان مقاله نیز پیشنهاد‌های خود را در قالب راهبردها و اقدامات، در دو سطح کلان و خرد مطرح خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: تعالی خانواده، سرمایه اجتماعی، پیشرفت، اعتماد اجتماعی.

چالش انسجام بلندمدت خانواده ایرانی: طلاق‌های دیرهنگام و ضرورت‌های سیاست‌گذاری خانواده

لیلا فلاحتی^۱

چکیده

تحولات الگوی طلاق در ایران طی دهه اخیر، امکان بازاندیشی مفهومی در باب انسجام و پایداری خانواده را فراهم می‌سازد. اگرچه بخش قابل توجهی از ادبیات پژوهشی و گفتمان عمومی، طلاق را عمدتاً پدیده‌ای متمرکز بر سال‌های ابتدایی ازدواج تلقی کرده‌اند، شواهد آماری نشان می‌دهد که این تمرکز، قادر به توضیح کامل پویایی‌های معاصر خانواده ایرانی نیست. به ویژه، افزایش طلاق در خانواده‌هایی با سابقه طولانی زندگی مشترک، از جابه‌جایی معنادار در الگوی فروپاشی خانواده حکایت دارد؛ جابه‌جایی‌ای که به‌جای مرحله آغازین ازدواج، به مراحل میانی و پایانی چرخه عمر خانواده منتقل شده و دلالت‌های مهمی برای فهم انسجام درونی خانواده دارد. هدف این پژوهش، تحلیل این تغییر الگو و تبیین پیامدهای آن برای انسجام خانواده در ایران است. روش تحقیق پژوهش، اسنادی و مبتنی بر تحلیل ثانویه داده‌های آماری رسمی است. داده‌ها از

۱. دانشیار، گروه مطالعات زنان، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Falahati@iscs.ac.ir

گزارش‌های منتشر شده مرکز آمار ایران استخراج شده و بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ را پوشش می‌دهد. واحد تحلیل، طلاق‌های ثبت شده، رسمی بوده که بر اساس طول مدت زندگی مشترک در گروه‌های زمانی مختلف طبقه‌بندی شده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که سه جریان در روند طلاق‌های این بازه زمانی قابل صورت‌بندی است. تم نخست، «تثبیت نسبی طلاق‌های زودهنگام و تعویق تعارض‌های خانوادگی» است. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه بیشترین حجم مطلق طلاق همچنان در سال‌های ابتدایی ازدواج، به ویژه در بازه یک تا پنج سال، رخ می‌دهد، اما روند زمانی حاکی از کاهش یا ثبات نسبی طلاق‌های بسیار زودهنگام در مقایسه با دهه پیشین است. این الگو لزوماً به معنای تقویت کیفیت روابط زناشویی نیست، بلکه می‌تواند بیانگر افزایش موانع اقتصادی، حقوقی و هنجاری برای جدایی در سال‌های نخست و در نتیجه، تعویق بروز و حل و فصل تعارض‌های بنیادین باشد. تم دوم، «بازپیکربندی زمانی طلاق در چرخه عمر خانواده» را برجسته می‌کند. تحلیل روندها نشان می‌دهد که طلاق به تدریج از تمرکز صرف بر مراحل آغازین ازدواج فاصله گرفته و در بازه‌های میانی و بلندمدت زندگی مشترک، به ویژه از ده تا سی سال، توزیع شده است. این بازپیکربندی زمانی بیانگر آن است که طلاق به پدیده‌ای وابسته به کل مسیر زندگی مشترک تبدیل شده و دیگر نمی‌توان آن را صرفاً پیامد انتخاب اولیه همسر یا ناکامی در سازگاری ابتدایی دانست. در این چارچوب، فروپاشی خانواده به عنوان بخشی از پویایی چرخه عمر خانواده قابل فهم می‌رود. تم سوم،

«فرسایش انسجام درونی و گذار از پایداری نهادی به پایداری رابطه‌ای» است. افزایش طلاق‌های دیرهنگام نشان‌دهنده شکاف فزاینده میان دوام نهادی خانواده و انسجام درونی آن است. تداوم حقوقی زندگی مشترک در سال‌های میانی، در بسیاری موارد مبتنی بر پیوندهای وظیفه‌ای و کارکردی، از جمله فرزندپروری و الزامات معیشتی و نه لزوماً بر پیوندهای عاطفی و تعهدی پایدار بوده است. با کاهش وابستگی فرزندان و افزایش عاملیت فردی زوجین در میانسالی، شکنندگی این نوع پایداری آشکار می‌رود و تداوم خانواده به طور فزاینده‌ای به کیفیت رابطه و رضایت زوجین وابسته می‌رود. در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسئله محوری انسجام خانواده را نمی‌توان صرفاً در طلاق‌های زودهنگام جست‌وجو کرد، بلکه باید آن را در فرسایش تدریجی انسجام بلندمدت و ناتوانی خانواده در بازتولید پیوندهای معنادار در طول چرخه زندگی تحلیل کرد. این نتایج بر ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های خانواده تأکید دارد و توجه به مداخلات حمایتی، ارتباطی و روانی در دهه‌های میانی زندگی مشترک را به عنوان یکی از خلأهای اساسی سیاست‌های موجود برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری خانواده، انسجام اجتماعی، انسجام خانواده، روند طلاق، سیاست‌گذاری اجتماعی.

نقش خانواده مستحکم در امنیت ملی

خدا بخش احمدی^۱

چکیده

تحولات ماهوی تهدیدات در عصر حاضر و گسترش جنگ‌های نرم، شناختی و هیبریدی موجب شده است که مفهوم امنیت از رویکردهای صرفاً سخت‌افزاری فراتر رفته و ابعاد انسانی آن در کانون توجه پژوهش‌های امنیتی قرار گیرد. در این میان، استحکام خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال نامحسوس‌ترین لایه‌های امنیت، نقشی تعیین‌کننده در سلامت فردی، انسجام اجتماعی و پایداری امنیت ملی ایفا می‌کند. هدف این مقاله، شاخص‌های مفهومی استحکام خانواده و رابطه تعاملی آن با امنیت ملی در چارچوبی بین‌رشته‌ای است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مرور نظام‌مند منابع نظری و پژوهشی، به تحلیل ابعاد استحکام خانواده و پیامدهای آن بر امنیت ملی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که استحکام خانواده موجب احساس پایدار ایمنی، آرامش، هویت، معنا، امید و توانمندی در مواجهه با بحران‌های امنیتی است. خانواده مستحکم نه تنها واکنش‌هایی منفعلانه در برابر بحران نیستند، بلکه فرآیندهایی فعال و پویا هستند که می‌توانند موجب رشد فردی و جمعی شوند. در بحران‌های اجتماعی بزرگ، خانواده‌ها با مواجهه با فقدان‌ها، ناامنی‌ها و اختلال در

۱. استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، kh_ahmady@yahoo.com

نقش‌ها روبه‌رو می‌شوند. تقویت مهارت‌های کلیدی تاب‌آوری و معنابخشی می‌تواند به آنها کمک کند تا بحران را به فرصتی برای انسجام، یادگیری و بازسازی خود تبدیل کنند. بنابراین خانواده‌ها در مواجهه با بحران‌ها می‌توانند با تقویت ارتباطات، انعطاف‌پذیری و حمایت عاطفی از یکدیگر، تاب‌آوری خود را افزایش دهند. در چنین شرایطی گفت‌وگو و ارتباط مثبت نقش مؤثر دارند. نتایج تحلیل حاکی از آن است که تضعیف استحکام خانواده می‌تواند پیامدهایی چون کاهش سلامت روان، افت مشارکت اجتماعی و سیاسی، فرسایش سرمایه اجتماعی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و در نهایت تضعیف ثبات و امنیت ملی را به دنبال داشته باشد. در مقابل، خانواده مقاوم موجب افزایش تاب‌آوری اجتماعی، اعتماد عمومی، انسجام ملی و توان ملی در مواجهه با بحران‌ها و تهدیدات نوین می‌شود. مقاله همچنین نشان می‌دهد که استحکام و امنیت خانواده را می‌توان به عنوان شکلی از امنیت عمومی و یکی از مؤلفه‌های اساسی امنیت ملی تلقی کرد که بدون آن، تحقق امنیت پایدار دشوار خواهد بود. در پایان، تأکید می‌شود که خانواده مقاوم و پایدار و امنیت خانواده از الزامات حکمرانی امنیت‌محور، نیازمند رصد، پایش و سیاست‌گذاری هدفمند در سطح ملی است و غفلت از آن، جامعه را در برابر جنگ نرم و عملیات شناختی آسیب‌پذیر می‌سازد.

واژگان کلیدی: استحکام خانواده، امنیت ملی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی، سلامت روان.

همگرایی خانواده و نقش آن در ارتقاء سرمایه اجتماعی،

سلامت روان و همگرایی ملی

سیمین حسینیان^۱، حنا پناهی پور^۲

چکیده

همگرایی خانواده به عنوان پیوند عاطفی و تعهد متقابل میان اعضا، نقش محوری در سلامت روان، سرمایه اجتماعی و همگرایی ملی ایفا می‌کند. خانواده‌های همگرا با ارتباطات اجتماعی و نظارت حمایتی، از اختلالات روانی مانند افسردگی و اضطراب پیشگیری کرده و منابع رابطه‌ای مانند اعتماد و همکاری را تولید می‌کنند که فراتر از مرزهای خانواده گسترش می‌یابد. مفهوم سرمایه اجتماعی خانواده، همگرایی را به عنوان دارایی پیونددهنده توصیف می‌کند که سلامت جسمی- روانی نوجوانان را بهبود بخشیده و مشارکت مدنی را افزایش می‌دهد، هر چند اشکال تنش‌زای آن اثرات منفی دارد. شواهد تجربی نشان می‌دهد همگرایی با تنظیم هیجانی، تعدیل استرس و تقویت هویت ارتباط دارد و در سطحی گسترده‌تر، اعتماد اجتماعی و تاب‌آوری ملی را تقویت می‌کند.

۱. استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (نویسنده مسئول)،

hosseinian@alzahra.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا.

سیاست‌های حمایتی از والدگری و کاهش استرس‌های ساختاری، این زنجیره را حفظ می‌کنند. در نهایت، همگرایی سالم خانواده نه تنها بهزیستی فردی بلکه انسجام اجتماعی را تضمین می‌کند، که نیازمند تحقیقات طولی بیشتر است.

واژگان کلیدی: خانواده، همگرایی ملی، سرمایه اجتماعی، سلامت روان.

همگرایی ملی و عدالت در نظام سلامت ایران: اجتماعی،

اقتصادی، سیاسی، فرهنگی

اکرم السادات سادات حسینی^۱

چکیده

مقدمه: عدالت در سلامت فراتر از دسترسی برابر به خدمات درمانی، به توزیع عادلانه قدرت، سرمایه فرهنگی و منزلت اجتماعی در جامعه باز می‌گردد. نظام سلامت به مثابه آیین‌های تمام‌نما از کیفیت رابطه دولت-ملت و میزان انسجام اجتماعی عمل می‌کند. این مقاله با هدف تحلیل نسبت میان همگرایی ملی و ابعاد چهارگانه عدالت (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) در نظام سلامت ایران تدوین شده است.

روش: پژوهش حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی انتقادی است. داده‌ها از بیانیه‌های رسمی فرهنگستان علوم پزشکی، گزارش‌های سیاستی مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، مقالات علمی-پژوهشی در حوزه حکمرانی سلامت و سیاست‌های اجتماعی گردآوری و با روش تحلیل مضمون بررسی شده‌اند.

۱. استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ashoseini@tums.ac.ir.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه نظام سلامت ایران در تأسیس شبکه بهداشت و درمان و کنترل بیماری‌های واگیر موفق بوده، اما در هر چهار بُعد عدالت با چالش‌های ساختاری مواجه است: ۱- عدالت اجتماعی: غفلت از عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت و ضعف همکاری بین‌بخشی؛ ۲- عدالت اقتصادی: تداوم پرداخت هزینه‌های درمان و سلامت از جیب مردم و تبادل مالی بین سیستم بهداشتی و مردم و هزینه‌های کمرشکن سلامت؛ ۳- عدالت فرهنگی: نابرابری در دسترسی به خدمات سلامتی متناسب با تنوعات قومی-زبانی و خدشه به کرامت بیمار در فرآیند درمان.

نتیجه‌گیری: همگرایی ملی زمانی در نظام سلامت تجلی می‌یابد که گذار از عدالت حداقلی دسترسی به عدالت حداکثری کرامت‌مدار صورت پذیرد. تحقق این امر مستلزم بازآرایی حکمرانی سلامت بر مبنای دسترسی یکسان به خدمات سلامت می‌باشد.

واژگان کلیدی: همگرایی ملی، عدالت در سلامت، حکمرانی سلامت، عدالت فرهنگی، نظام سلامت ایران.

بازنمایی هویت ملی در تجارب زیسته نوجوانان و پیامدهای آن برای همگرایی اجتماعی و پیشرفت

رقیه نوری پور لیاولی^۱، رقیه خدادادی^۲، سیمین حسینیان^۳

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی بازنمایی هویت ملی در تجارب زیسته نوجوانان و تبیین پیامدهای آن برای همگرایی اجتماعی و پیشرفت، در سال ۱۴۰۴ انجام شد. رویکرد پژوهش کیفی و روش گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته بود. جامعه مورد مطالعه نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر قزوین بودند که ۱۸ نفر از آنان با نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون (براون و کلارک، ۲۰۲۲) تحلیل شدند. یافته‌ها به شناسایی چهار مضمون اصلی «احساس تعلق به جمع ملی»، «ادراک عدالت اجتماعی»، «اعتماد اجتماعی» و «بازتعریف هویت ملی در مواجهه با تحولات فرهنگی» منجر شد. بر اساس نتایج، ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان احساس تعلق به جمع ملی را هسته مرکزی هویت ملی خود دانسته‌اند. همچنین ۱۳ نفر ادراک عدالت اجتماعی را عاملی تعیین‌کننده در

۱. گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، (نویسنده مسئول)، nooripour@iau.ac.ir.

۲. گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

۳. گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا.

تقویت یا تضعیف این هویت عنوان کردند و ۱۲ نفر بر نقش اعتماد اجتماعی در معناداری و پایداری هویت ملی تأکید داشتند. افزون بر این، ۱۴ نفر هویت ملی را مفهومی پویا و در حال بازتعریف در تعامل با تحولات فرهنگی و رسانه‌ای توصیف کردند و بیش از دوسوم مشارکت‌کنندگان نقش رسانه‌ها و فضای مجازی را در این فرایند برجسته دانستند. یافته‌ها نشان داد بازنمایی هویت ملی در تجربه زیسته نوجوانان پدیده‌ای پویا، زمینه‌مند و دوسویه است که هم می‌تواند موجب تقویت پیوندهای اجتماعی و گرایش به مشارکت مدنی و پیشرفت شود و هم در صورت ادراک نابرابری، کاهش اعتماد اجتماعی یا تجربه فاصله با نهادها، به تضعیف احساس تعلق و شکل‌گیری نوعی فاصله‌گیری یا گرایش به مهاجرت ذهنی منجر شود. از منظر نظری، نتایج بر اهمیت ابعاد ادراکی و اجتماعی هویت ملی در نسل جدید تأکید دارد و از منظر کاربردی، بر ضرورت تقویت عدالت ادراک‌شده، اعتماد اجتماعی و مدیریت هوشمند رسانه‌ها در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی دلالت می‌کند.

واژگان کلیدی: هویت ملی، تجارب زیسته، نوجوان، همگرایی اجتماعی، پیشرفت ملی.

نقش معیارهای اخلاق و معنویت در همسرگزینی و کارکرد آن در استحکام خانواده و انسجام و امنیت ملی

شیما عابدین نسب^۱

چکیده

همسرگزینی در جامعه معاصر صرفاً یک انتخاب فردی نیست، بلکه تصمیمی هویت‌ساز و جهت‌دهنده به مسیر زندگی فرد و جامعه است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که معیارهای اخلاق و معنویت در این تصمیم چه جایگاهی دارند و چگونه می‌توانند به عنوان چارچوبی اولویت‌بخش، افق انتخاب را از سطح رضایت آنی به تعهد پایدار ارتقا دهند. این مطالعه با رویکرد تحلیلی-توصیفی و با تحلیل مبانی قرآنی، روایی و خوانش‌های تفسیری مرتبط با ساختار خانواده، نسبت میان فضیلت اخلاقی، نقش‌های حقوقی در خانواده و پیامدهای کلان اجتماعی آن را بررسی می‌کند. بر خلاف رویکردهایی که معیارهای ازدواج را در سطح فردی یا کارکردی محدود می‌کنند، این پژوهش همسرگزینی را به عنوان نقطه آغاز شکل‌گیری یک هویت مشترک و تولید سرمایه‌های هنجاری تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد اولویت‌بخشی به دین، تعهد

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی و مدعو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
s_abedinnasab@sbu.ac.ir.

اخلاقی و مسئولیت‌پذیری، نه به عنوان جایگزین سایر معیارها، بلکه به عنوان معیارهای جهت‌دهنده، ظرفیت تحقق مودت، اعتماد و ثبات ساختاری خانواده را افزایش می‌دهد. بدین‌سان، همسرگزینی اخلاق‌محور زمینه‌ساز شکل‌گیری خانواده‌ای پایدار و توانمند در تربیت نسل مسئول است و در سطح کلان، به تقویت انسجام و امنیت ملی می‌انجامد. نوآوری این پژوهش در تبیین زنجیره تحلیلی اخلاق در انتخاب، کارآمدی ساختار خانواده و انسجام ملی در چارچوب اندیشه اسلامی است.

واژگان کلیدی: همسرگزینی، اخلاق و معنویت، هویت، استحکام خانواده، انسجام ملی، امنیت ملی.

اقتدار ملی و فرزندآوری در منظومه معرفتی ایرانیان

محمدحسین ساجدی نیا^۱

چکیده

ایران کشوری کهن، تاریخی، تاریخ‌ساز، نام‌آور و خوش‌نام با اقلیمی فرهنگی و تمدن بزرگ است که در طول تاریخ، چون ستاره‌ای درخشان در پهنه گیتی نورافشانی کرده و در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی و معنوی اثرگذار بوده است. ایران کشوری پهناور با ظرفیت‌های مادی و معنوی کم نظیری است که طی قرون متمادی، چون خورشید بر تارک تاریخ درخشیده و چون قلبی تپنده، منشأ حیات و زیست شرافتمندانه دیگر ملت‌های کره خاکی بوده و به عنوان منادی صلح و امنیت در جغرافیای جهان نقش آفرینی کرده است. صیانت از میراث ارزشمند نیاکان افتخارآفرین و ارتقای شأن و منزلت ایران‌زمین در طول تاریخ توسط فرزندان برومند این سرزمین نام‌آور رقم خورده است. بدون تردید، برومندی، طراوت و شادابی فرهنگی و تمدنی ایران زمین، نتیجه تلاش و کوشش نسل‌های متمادی فرزندان این سرزمین بلندآوازه در طول تاریخ بوده است. با چنین نگاهی از گذشته دور، فرزندآوری و فرزندپروری در نظام معرفتی ایرانیان،

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری و دبیر اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، sajedinia.mh@gmail.com

امری فطری، طبیعی و جزئی از نهاد ایرانیت و اسلامیت بوده است. نیل به مقام والای «همسری»، «مادری» و «پدری» در غالب انسان‌ها به صورت یک نیاز روانی و فطری و به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم بروز و ظهور دارد. به جرئت می‌توان گفت که واژگان «پدری» و «مادری» در ایران از جنس واژگانی است که زلال‌ترین عشق، مهربان‌ترین و عمیق‌ترین نگاه و عالی‌ترین مسئولیت را به ذهن و اندیشه متبادر می‌سازد. مهر مادری و پدری در فرهنگ ایرانی، برخاسته از خصیصه‌های ذاتی و موهبتی خالق حکیمی است که بدیل و جایگزینی در نظام آفرینش ندارد. عشق به فرزند با حب به غریزه ذات (خود) چنان آمیخته است که هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین این عشق و محبت ذاتی و فطری شود. فرزند از منظر قرآن کریم، هبه‌ای است که خالق حکیم از روی لطف و مرحمت به خانواده عطا می‌کند. آیه ۷۴ سوره فرقان، کسانی را در زمره عبدالرحمن می‌شمارد که در نیایش خود اظهار می‌دارند: رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ پروردگارا فرزندانمان از نسل ما عطا کن که مایه چشم روشنی ما و الگویی برای متقین باشند. بر اساس چنین منطقی، نیل به خودشکوفایی، کمال، جاودانگی و بقا که بر اساس نقشه راه خلقت در نهاد انسان قرار داده شده است، قابل توجیه می‌باشد. جمعیت در طول تاریخ همواره یکی از ارکان قدرت و ثروت در نظام‌های حکمرانی بوده است. اگرچه با ظهور انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، نگاه به نیروی انسانی از بعد کمی به کیفی متمرکز شد؛

اما همچنان توجه به ابعاد کمی و کیفی نیروی انسانی، محور اصلی برنامه‌ریزی توسعه کشورها قرار دارد. آمار و ارقام جمعیتی ایران، حکایت از پیری جمعیت در آینده نزدیک دارد. پیری جمعیت در کشورهای هدف، زنگ خطر است که استقلال و اقتدار ملی آن کشورها را نشانه گرفته و کارگزاران را ناچار به رصد این تحولات خطرناک و سرنوشت‌ساز کرده است. شرایط هرم جمعیتی ایران به گونه‌ای است که لازم است سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) به طور جدی وارد میدان شوند و کارگزاران را از پیامدهای پیری جمعیت مطلع کنند. نگاه به جمعیت در نظام‌های حکومتی متأثر از نوع جهان‌بینی، نظام حکمرانی و منابع و امکانات است. کمیت و کیفیت جمعیت، توزیع متعادل و منطقی، برخورداری از دانش، دانایی، تخصص، مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری، تعهد، وجدان کاری، سلامت همه‌جانبه و ... از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که اخیراً در سیاست‌های جمعیتی ایران مورد توجه قرار گرفته است. ترغیب به ازدواج و تشکیل خانواده در کلام خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این مهم نیازمند تدابیر خردمندانه و ارائه بسته‌های حمایتی مناسب است. درک عمیق از مسائل و مباحث ازدواج و تشکیل خانواده، امری مهم و ضروری است که در سیاست‌های کلی مورد توجه قرار گرفته است. برنامه‌ریزی برای رونق گرفتن امر خطیر ازدواج پایدار، نیازمند هوشمندی و در نظر گرفتن همه سازه‌ها و تبیین و طراحی درست و اندیشمندانه این بنای رفیع می‌باشد. با چنین نگاهی، اتخاذ تدابیر سیاستی در ایران به دلیل نوع بافت فرهنگی

و قومی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امید است اندیشمندان و اندیشه‌ورزان بزرگواری که توفیق شرکت در پانزدهمین کنفرانس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را پیدا کرده‌اند، بتوانند در چهارچوب سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و تدابیر مرتبط با جمعیت سند الگو، مسائل و مباحث مربوط به ازدواج جوانان و تشکیل خانواده را با دقت تحلیل و بررسی و نتایج آن در اختیار دولتمردان و سیاست‌گذاران کشور قرار دهند.

واژگان کلیدی: اقتدار ملی، خانواده، فرزندآوری، جمعیت، سیاست‌های کلی خانواده و سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

محور نهم:

معنویت و همگرایی ملی

(با همکاری اندیشکده معنویت)

دیپلماسی رحمت: چارچوبی برای نقش آفرینی معنوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه

احمد شاکر نژاد^۱

چکیده

در شرایط پرتنش غرب آسیا که رقابت‌های ژئوپلیتیکی و منازعات فرقه‌ای، سرمایه اجتماعی ملت‌های منطقه را تضعیف کرده است، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تکیه بر میراث تمدنی و آموزه‌های قرآنی خود و به مناسبت ۱۵۰۰مین سالگرد پیامبر رحمت، الگوی تازه‌ای از تعامل منطقه‌ای را مطرح کند؛ الگویی که در آن قدرت نرم، نه برای سلطه، بلکه برای خدمت و حمایت از انسان به کار گرفته می‌رود. این الگو، که می‌توان آن را «دیپلماسی رحمت» نامید، ترجمان عملی اصل قرآنی «وما أرسلناک إلا رحمةً للعالمین» در عرصه روابط بین‌الملل است. در شرایطی که پارادایم «گفت‌وگوی ادیان» در سطح منطقه ناکارآمد جلوه کرده و جای خود را به «دیپلماسی معنوی» داده است، ایده «دیپلماسی رحمت» می‌تواند مبنایی برای کنشگری فعال جمهوری اسلامی باشد. علاوه بر این دیپلماسی رحمت می‌تواند نسخه بدیلی برای دیپلماسی‌های معنوی فعال در منطقه

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،
a.shakernejad@gmail.com.

(دیپلماسی یوگا، دیپلماسی پاندا و دیپلماسی پیمان ابراهیم) باشد. در ضرورت این دیپلماسی فعال معنوی همین بس که بدانیم رژیم صهیونیستی با ارائه پیوست‌های معنوی برای دیپلماسی پیمان ابراهیم (خصوصاً مفهوم کابالیستی «تیقون عولم») تلاش می‌کند در لوای شعار صلح و همزیستی، قدرت نرمی برای توسعه طلبی ژئوپلیتیک خود فراهم کند. در چنین شرایطی نبود یک دیپلماسی فعال معنوی، کشورهای مسلمان منطقه را در قبال دیپلماسی به ظاهر معنوی رژیم صهیونیستی منفعل می‌کند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی معنوی، قدرت نرم، معنویت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

تأثیر شبکه روابط روحی بر همگرایی ملی

حمیدرضا مظاهری سیف^۱

چکیده

هر یک از ما سهمی از روح الهی داریم. وقتی روح دمیده می‌شود، از روح الهی جدا نمی‌افتد و روح الهی در تکه‌های گسیخته پراکنده نمی‌شود. پرسش این است که رابطه روح بشری با روح الهی چه رابطه‌ای را میان روح افراد بشر برقرار می‌سازد؟ برای پاسخ به این پرسش قرآن بهترین منبعی است که می‌تواند رازهای روح الهی را فاش کند. به روش تفسیر قرآن به قرآن آیات مربوط به روح را بررسی و داده‌های قرآنی را در ارتباط با هم تحلیل کردیم. یافته‌های تحقیق از این قرار است: یکم، روح حقیقتی یکتا است که مراتب مختلفی دارد. دوم، مراتب روح از روح بشری تا روح القدس کشیده شده است. سوم، مراتب روح ایمان در روح بشری نهفته که با تأیید مراتب بالاتر روح کشف و شکوفا می‌شود. سوم، روح‌هایی که در مراتب ایمان به تمامیت رسیده‌اند از طریق ایحاء روح هدایت را دریافت می‌کنند و می‌توانند دیگران را در مراتب ایمان پیش برند. چهارم، روح هدایت با تأیید روح القدس توانایی آشکار کردن آیات و بینات را پیدا می‌کند.

۱. رئیس پژوهشکده مطالعات معنوی و عضو مدعو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، hrms57@gmail.com

پنجم، روح القدس روح مطلق الهی است که در قرآن با تعبیر «الروح» از آن یاد شده و برتر از ملائکه است و که علم به تمام حقایق هستی را در بر دارد. ششم، روح ارتقاء یافت بشری در نهایت به لقاء روح القدس می‌رسد. هفتم، میان روح افراد بشر شبکه‌ای از روابط روحی برقرار است که در آن روح القدس رأس و روح هدایت قلب شبکه است. هشتم، در شبکه روابط روحی نور و آگاهی جریان دارد و تأثیر و تأثر متقابل در کل شبکه برقرار است. نهم، حقیقت زنده قرآن کریم و روح شهداء در شبکه روابط روحی حضوری اثربخش دارد. دهم، شبکه روابط روحی در باطن پنهان نمی‌ماند و با ظهور اجتماعی، جامعه پیشرفته معنوی را می‌سازد.

واژگان کلیدی: مراتب روح، روح ایمان، روح هدایت، روح القدس، تأیید، تحقق شبکه روابط روحی.

نقش معنویت در وفاق ایمانی و ایرانی

مسلم گریوانی^۱

چکیده

هدف این پژوهش، واکاوی نقش معنویت در همگرایی و وفاق ملی و مذهبی است. بدون تردید از عوامل راهبردی پیشرفت، همگرایی، وفاق و انسجام اعضای جامعه است. جامعه‌ی بدون وفاق، به کالبدی می‌ماند که هر کدام از اعضای آن به سویی مایل هستند و از نگرستن و تمایل و حرکت به افق واحد، ابا دارند. بدون تردید چنین جامعه‌ای دچار رکود و افول خواهد شد. بنابراین وفاق و همسویی اعضای جامعه از ضروریات پیشرفت جامعه است. در این میان آنچه ضروری می‌نماید، عامل بنیادین شکل‌گیری وفاق در جامعه و نظام اسلامی است. یکی از بنیادین‌ترین تفاوت‌های تمدن و جوامع غربی با تمدن و جوامع شرقی این است که در غرب، «مادیت و اقتصاد» و امور مشابه آن از قبیل زبان، نژاد، قومیت و جنسیت، بنیان وفاق جامعه را تشکیل می‌دهد بر خلاف جامعه ایرانی که «ایمان و معنویت»، بنیاد وفاق شمرده می‌شود نه مادیت. در این پژوهش با بیان بافت مفهومی و عناصر درونی معنویت و خصائص ذاتی آن، تبیین می‌کنیم که معنویت

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات معنوی و عضو مدعو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، mgrivani59@gmail.com

با نشانه‌گیری سنخیت روحی انسان‌ها، علاوه بر این «اجتماع فیزیکی» افراد جامعه، و نیز شکل‌گیری «انسجام فکری» در اعضای جامعه، منجر به «اتتلاف قلوب مومنان» را نیز می‌شود

واژگان کلیدی: پیشرفت، معنویت، وفاق، وحدت، امت و ملت، جامعه اسلامی.

جلوه‌هایی از سبک زندگی ایرانی - اسلامی در پیام‌های

معنوی ادب فارسی

سیدحسن شهرستانی^۱

چکیده

ادبیات فاخر ایران اسلامی در بازه زمانی ۱۲۰۰ ساله خود علاوه بر غنای هنری و عاطفی، پنجره‌ای گشوده بر روی دانش‌های گوناگون، اخلاق، معرفت و معنویت اصیل و راهگشا بوده است. به ویژه شعر - که بیان هنری سخن است - به عنوان مؤثرترین رسانه از دیرباز حامل پیام‌های معنوی سازنده و کاربردی در زندگانی فردی و اجتماعی ایرانیان و دیگر فارسی‌زبانان جهان بوده و هست؛ به گونه‌ای که بسیاری از ابیات شاعران فرهیخته در حکم مَثَل سائر در میان همه طبقات اجتماعی رایج و الگوی تعلیم و تربیت عمومی جامعه شده است. نگارنده در این مقاله با عنایت به تأکیدهای مطرح در سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، ابیات و عباراتی را از میان آثار ارزنده ادب فارسی در زمینه سبک زندگی ایرانی - اسلامی برگزیده و ذیل چهارده فصل (عنوان) به صورت مختصر و مفید (که نه ایجاز مُخَل و نه اطناب مُمِل در آن راه یافته باشد) برگزیده و تقدیم می‌دارد و در

۱. استاد دانشگاه‌های هنر و صدا و سیما، عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، Shshahrestani@yahoo.com.

هر فصل به انتخاب ابیاتی از سه یا چهار شاعر طراز اول تاریخ ادبیات ایران اکتفا می‌کند که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید
 اگرچه معتقد است این موضوع قابلیت آن را دارد که به گونه‌ای مبسوط در
 کتابی جامع فراهم و منتشر شود.

واژگان کلیدی: معنویت کاربردی، سبک زندگی، تعلیم و تربیت، شعر
 فارسی.

مقایسه معنویت و سلامت معنوی از دیدگاه یونگ، راجرز و

سهروردی

باقر غباری بناب^۱، سروش رنجبر^۲

چکیده

هدف این پژوهش، واکاوی تطبیقی مفهوم معنویت و سلامت معنوی در سه مکتب فکری تأثیرگذار شامل روان‌شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ، رویکرد انسان‌گرایی کارل راجرز و حکمت اشراق شهاب‌الدین یحیی سهروردی است. اگرچه این سه سنت فکری در بسترهای تاریخی، جغرافیایی و معرفتی متفاوتی شکل گرفته‌اند، اما هر یک به طریقی به ابعاد فرامادی وجود انسان و مسیر دستیابی به کمال و تمامیت توجه نشان داده‌اند. یونگ با طرح مفهوم فرایند فردیت‌یابی و کهن‌الگوها، معنویت را به عنوان کارکردی ذاتی و غریزی در روان‌شناسی تثبیت کرد. راجرز با تأکید بر گرایش شکوفایی و خودشکوفایی، هر چند به صورت غیرمستقیم، زمینه را برای فهم تجربه‌های والای انسانی در بستری

۱. استاد، روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران و عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (نویسنده مسئول)،

bghobari@ut.ac.ir.

۲. دکتری تخصصی، روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

فرامادی فراهم آورد و برخی پژوهشگران کیفیت ارتباط در درمان راجرزی را به قلمروی معنوی پیوند زده است. در مقابل، سهروردی با بنیان نهادن نظام نوری و معرفت شناختی اشراقی، سلامت نفس را در گرو اتصال به انوار عالم نور و کسب معرفت شهودی می‌داند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که هر سه رویکرد، سلامت معنوی را در گرو خودآگاهی عمیق و تعالی یابنده معنا می‌کنند؛ با این تفاوت که این خودآگاهی نزد یونگ در ساحت ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگویی، نزد راجرز در میدان روابط بین فردی و نزد سهروردی در عالم نور و ملکوت تحقق می‌یابد. وجوه اشتراک این سه رویکرد در باور به ساحتی فراتر از خودآگاه، تأکید بر خودشناسی و نگاه مثبت به سرشت انسان، زمینه‌ساز گفت‌وگویی پویا میان آنها است، در حالی که تفاوت‌های آنها در مبانی معرفت شناختی (تأویل نمادین، پدیدارشناسی تجربی و علم حضوری) و مسیرهای دستیابی به سلامت (تحلیل روان‌شناختی، رابطه درمانی و سلوک عرفانی - شرعی) مرزهای آنها را مشخص می‌کند.

واژگان کلیدی: معنویت، سلامت معنوی، روان‌شناسی تحلیلی، کارل گوستاو یونگ، انسان‌گرایی، کارل راجرز، حکمت اشراق، سهروردی، فردیت، خودشکوفایی، علم حضوری.

محور دهم:

نقش مبانی فکری - فرهنگی ج.ا.ایران در
تحقق همگرایی ملی

همگرایی ملی و پیشرفت؛ رویکرد فرهنگ بنیان

حمیدرضا فرهمند^۱

چکیده

حیات اجتماعی متشکل از لایه‌های مختلفی است که در ارتباط با یکدیگر قرار دارند. شناخت جایگاه، ارتباط و اثرگذاری متقابل و عملکرد آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جامعه مطلوب جامعه‌ای است که هم ویژگی‌های مطلوب کارکردی اجتماع مورد پذیرش جمعی قرار گیرد و هم عملکرد اجتماع در نظر اکثریت انسان‌های تشکیل دهنده آن از کارآمدی مطلوب برخوردار باشد. از این رو، جامعه مطلوب، بازتاب دهنده وجود همگرایی و همبستگی در جامعه است. دستیابی به جامعه مطلوب نیازمند ایجاد تغییر و تحول‌های اجتماعی مطلوب و دگرگونی‌های مناسب و متناسب با آنها در لایه‌های حیات اجتماعی است که به کارکرد و کارآمدی مطلوب در وجوه فردی و جمعی زندگی انسان منجر شود. حرکت هدفمند اجتماعی برای ایجاد تغییر و تحول، نیازمند وجود همگرایی اجتماعی است. در نتیجه، تحقق «پیشرفت» در جامعه ایران به مثابه یک دگرگونی اساسی و همه‌جانبه از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، بدون «همگرایی ملی»

۱. عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و همکار مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

hrfarahmand@alumni.ut.ac.ir.

امکان پذیر نخواهد بود. این در حالی است که تقویت و تحکیم همگرایی ملی نیز در گرو پیشرفت است. بنابراین نوعی دور یا پارادوکس ظاهر می‌رود که می‌تواند امکان اقدام برای تغییر و تحول مطلوب جامعه را مسدود نشان دهد. یکی از ایده‌هایی که می‌تواند این دور را بشکند و هم موجب تقویت همگرایی ملی شده و هم بستر مناسب پیشرفت را فراهم آورد، نگاه به سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مثابه یک پارادایم جدید در برابر پارادایم غربی «توسعه»، شناخت «بن‌مایه‌های هویت‌ساز پیشرفت» و بهره‌گیری از «فرهنگ پیشرفت» در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در این مقاله تلاش شده است بر اساس مدل مفهومی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرفی بن‌مایه‌های آن و استفاده از تعاریف پیشرفت‌های عرصه‌ای، این ایده و ابعاد آن تشریح شود. از آنجا که مقوله‌های همگرایی و پیشرفت از سطوح و ترازهای مختلفی در اجتماع برخوردار بوده و در وضعیت کنونی جامعه هیچ‌کدام در نقطه صفر قرار ندارند، بنابراین شناسایی سطح و تراز موجود هر یک و شناخت نقاط توازن و تعادل میان آنها می‌تواند هم سرمایه و داشته موجود کشور را مشخص سازد و هم راه و فضای حرکت سازنده و پیش‌برنده را با استفاده از سرمایه‌های موجود به سمت وضعیت مطلوب آینده روشن کند.

واژگان کلیدی: پارادایم پیشرفت، بن‌مایه‌های هویت‌ساز، همگرایی ملی، فرهنگ پیشرفت، عرصه پیشرفت، پیشرفت عرصه‌ای.

صورت‌بندی رابطه حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه با همگرایی و سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی (نظریه‌ها، چالش‌ها، پیامدها و راهکارها)

علی آقاجانی^۱

چکیده

در نظام جمهوری اسلامی ایران، نظریه ولایت مطلقه فقیه به عنوان محور مشروعیت سیاسی و دینی شناخته می‌رود. سرمایه اجتماعی، به مثابه مؤلفه‌ای بنیادین در توسعه سیاسی و انسجام اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری نظام‌های حکمرانی ایفا می‌کند. بررسی نسبت این دو مفهوم، به ویژه در بستر نظریه‌های فقهی و اجتماعی، ضرورتی علمی و عملی دارد، زیرا می‌تواند به درک عمیق‌تری از چگونگی تعامل میان مبانی دینی و الزامات اجتماعی مدرن منجر شود و راهکارهایی برای تقویت همبستگی جامعه ارائه دهد (زمینه). تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های فقهی درباره ولایت فقیه و ارزیابی تأثیرات آن بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، از جمله اعتماد عمومی، مشارکت مدنی و انسجام فرهنگی، با تأکید بر ظرفیت‌های بالقوه این نظریه برای تقویت انسجام جامعه اسلامی و

۱. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، aqajani@rihu.ac.ir.

پاسخگویی به چالش‌های معاصر (هدف). رویکرد تحلیلی - تطبیقی با بهره‌گیری از منابع کلاسیک اسلامی (مانند آثار امام خمینی، علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی) و نظریه‌های اجتماعی معاصر (مانند پاتنام)، به بررسی مفهومی و کارکردی این دو حوزه می‌پردازد، با تمرکز بر ادغام مبانی فقهی با شاخص‌های اجتماعی و تحلیل تطبیقی آنها در بستر حکمرانی دینی (روش). ولایت فقیه، در صورتی که با نهادمندی، عدالت، عقلانیت دینی و رضایت عمومی همراه باشد، سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند و به پایداری نظام کمک می‌کند، در حالی که تمرکزگرایی، فقدان شفافیت و عدم نهادمندی؛ اعتماد و مشارکت عمومی را تضعیف می‌کند و می‌تواند به کاهش همگرایی و انسجام اجتماعی منجر شود، که این امر ضرورت بازنگری نهادگرایانه را برجسته می‌سازد. پیشنهادهای تقویت نهادمندی مانند انتخاب مستقیم ولی فقیه توسط مردم، تقویت نظارت عمومی و رسانه‌ای بر ولی فقیه، بازتعریف اختیارات ولی فقیه در چارچوب قانون اساسی، تقویت آموزش عمومی درباره ولایت فقیه و توقیت دوره رهبری (یافته‌ها). ولایت فقیه و سرمایه اجتماعی نه در تقابل، بلکه در تعامل سازنده قابل فهم‌اند. بازخوانی فقهی - اجتماعی این نسبت، زمینه‌ساز بازطراحی نهادهای دینی و مدنی در جهت تحقق عدالت و انسجام اجتماعی است و می‌تواند الگویی برای حکمرانی دینی - مردمی در طول زمان ارائه دهد، که در آن مشروعیت الهی با اراده مردمی هم‌آوا شود. این کار برای تداوم ایده ولایت فقیه در طول زمان امری

لازم و ضرور است و هیچ منافاتی با اصالت دینی ندارد بلکه کارآمدی و همگرایی اجتماعی را تقویت می کند (نتیجه).

واژگان کلیدی: ولایت مطلقه فقیه، سرمایه اجتماعی، همگرایی اجتماعی، مشروعیت الهی - مردمی، مشارکت سیاسی، اعتماد نهادی، نهادمندی.

تبیین ظرفیت‌های سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تقویت همگرایی

داود طالبی^۱، زهرا رحمانی^۲

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین ظرفیت‌های "سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" در تقویت "همگرایی ملی" در جمهوری اسلامی ایران است. همگرایی ملی به عنوان پدیده‌ای چندوجهی شامل ابعاد هویتی، معیشتی و نهادی، از عوامل اساسی پایداری و پیشرفت جوامع محسوب می‌شود. روش‌شناسی پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد کتابخانه‌ای و اسنادی است و داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از طریق مبانی نظری جامع (خداشناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی، ایران‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی)، عرصه‌های شش‌گانه پیشرفت (معنویت، علم، فرهنگ، اجتماع،

۱. عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده مسئول)،

d-talebi@sbu.ac.ir.

۲. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی‌ارشد مدیریت صنعتی گرایش مدیریت کیفیت و بهره‌وری دانشگاه شهید بهشتی.

سیاست و امنیت، اقتصاد)، اصول عملی، آرمان "حیات طیبه" و تدابیر اجرایی خود، ظرفیت‌های محوری و کارآمدی را برای تقویت همگرایی ملی دارا است. مکانیسم اثرگذاری این ظرفیت‌ها بر همگرایی ملی، شامل تقویت ارزش‌ها و هویت مشترک، افزایش مشارکت عمومی، تضمین عدالت معیشتی و ترسیم چشم‌انداز مشترک است. تجربیات تاریخی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در دوران دفاع مقدس (مانند جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان)، مؤید اصالت و کارآمدی عملی این ظرفیت‌ها در مواجهه با چالش‌ها و دستیابی به اهداف ملی هستند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که با ترویج و عملیاتی‌سازی مفاهیم سند الگو، تقویت نهادهای مردمی، پایش مستمر همگرایی و بهره‌گیری از تجربیات موفق تاریخی، می‌توان به تعمیق هر چه بیشتر همگرایی ملی در کشور دست یافت.

واژگان کلیدی: همگرایی ملی، ظرفیت‌سازی، پیشرفت، سرمایه اجتماعی، مکانیسم اثرگذاری، تقویت همگرایی ملی، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و الزامات سواد رسانه‌ای برای تحقق همگرایی ملی در آینده

سعید قربانی^۱، لیلا وصالی^۲

چکیده

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان سندی راهبردی برای ترسیم آینده کشور، بر شکل‌دهی جامعه‌ای پیشرفته، هویت‌مند، عدالت‌محور و گفت‌وگو‌ساز تأکید دارد. در چنین چشم‌اندازی، مسئله همگرایی ملی از عناصر بنیادین تحقق پیشرفت است و رسانه‌ها، به ویژه با گسترش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های تعاملی، نقشی بی‌بدیل در تقویت یا تضعیف آن دارند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی شناسایی الزامات ضروری و نقش‌آفرین سواد رسانه‌ای بر تحقق همگرایی ملی در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. با بررسی مبانی قرآنی و روایی، فرهنگ ایرانی، مطالعات پیشین و تحلیل تحولات رسانه‌ای، نشان داده می‌رود که ارتقای تفکر انتقادی، درک سوگیری رسانه‌ها، توان تولید محتوا، تربیت‌کنشگر رسانه‌ای مسئول، ارتقای بصیرت و قدرت

۱. استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر، (نویسنده مسئول)، Sgh14@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی.

تفکیک حق از باطل، تقویت هویت ملی - دینی و ایجاد گفتمان مشارکت محور از مهم ترین الزامات هستند. این الزامات بر اساس تحلیل گفتمان رسانه‌ای و نیازهای آینده پژوهانه جامعه ایران استخراج شده‌اند. در پایان پیشنهادهایی در سطح سیاستی، آموزشی و فرهنگی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، همگرایی ملی، سواد رسانه‌ای، هویت ملی، رسانه.

نقش قانون اساسی در تعالی و پیشرفت ملی به واسطه الگوی اسلامی ایرانی

رضا مهدی^۱

چکیده

خلق و انباشت دانش و تجربه بشری گواه آن است که پیشرفت هر ملت در اذهان شخصیت‌ها، نخبگان و مردم صورت‌بندی شده و در ادامه این ذهنیت‌ها بیرونی شده و به شکل الگو و طرح‌های قابل فهم به نمایش در می‌آید. الگو یکی از پیش شرط‌های پیشرفت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری است. نخبگان جمهوری اسلامی همواره در تلاش بوده‌اند که الگوی پیشرفت مبتنی بر ظرفیت‌های سرزمینی و موازین اسلامی با عنوان الگوی اسلامی ایرانی ارائه کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی با تلفیق ارزش‌های اسلامی و خواسته‌های مردم، سند پویا و ظرفیت اساسی برای پیشرفت همه‌جانبه است که از یک سو با به رسمیت شناختن حقوق مردم، وحدت در عین کثرت را ممکن ساخته و از سوی دیگر با ترسیم اهداف کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، قضایی، نظامی و محیط‌زیستی مسیر پیشرفت را تا حد زیادی

۱. دانشیار گروه مطالعات آینده‌نگر، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی،

mahdi002@gmail.com.

هموار کرده است. نهادهای مندرج در این قانون نیز ضامن تداوم مسیر پیشرفت هستند. قانون اساسی نه تنها به عنوان یک سند حقوقی، بلکه به مثابه «منشور پیشرفت»، نقش بی‌بدیلی در تاریخ معاصر ایران ایفا کرده و همچنان می‌تواند الهام‌بخش حرکت پایدار به سوی آینده‌ای سعادتمند باشد. در این مقاله، با توجه به ظرفیت‌های بالای قانون اساسی، تلاش شده است به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع موجود، نقش قانون اساسی در پیشرفت کشور به واسطه الگوی اسلامی ایرانی، تبیین شود. براساس این پژوهش، قانون اساسی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با هم‌آفرینی، هم‌افزایی، تسهیلگری و بسترسازی می‌توانند و بایستی به پیشرفت کشور کمک و کام مردم ایران را با دستاوردها و پیامدهای پیشرفت، شیرین کنند.

واژگان کلیدی: پیشرفت همه‌جانبه، الگوی اسلامی ایرانی، الگوی پیشرفت، قانون اساسی.

بخش دوم:
مقالات پوستری

ابعاد کلیدی هویت ملی و کارکردهای آن در تقویت

همبستگی اجتماعی

تهمینه رئیس‌السادات^۱

چکیده

هویت ملی به عنوان یک سازه فرهنگی - اجتماعی پیچیده، نقشی محوری در ایجاد همبستگی و انسجام در جوامع معاصر ایفا می‌کند. این پژوهش به بررسی نظام‌مند مؤلفه‌های کلیدی مؤثر در شکل‌گیری و تقویت هویت ملی و همبستگی اجتماعی می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که هویت ملی در گرو تعامل پویای سه دسته عوامل ساختاری، فرهنگی - نمادین و سیاسی - حقوقی است. در سطح ساختاری، عواملی چون توسعه اقتصادی متوازن، عدالت اجتماعی، نظام آموزشی یکپارچه و شبکه‌های ارتباطی کارآمد پایه‌های مادی همبستگی ملی را تشکیل می‌دهند. در بعد فرهنگی - نمادین، مؤلفه‌هایی مانند زبان مشترک، تاریخ جمعی، اسطوره‌های ملی، آیین‌های مشترک و نمادهای واحد (پرچم، سرود ملی) نقش بی‌بدیلی در ایجاد احساس تعلق جمعی ایفا می‌کنند. در حوزه سیاسی - حقوقی، مشروعیت نظام حکمرانی، وجود شهروندی مبتنی بر حقوق برابر،

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، tahmineh.r@um.ac.ir.

مشارکت سیاسی فراگیر و امنیت ملی از اجزای حیاتی تقویت هویت ملی محسوب می‌شوند. مطالعه حاضر با روش تحلیلی-توصیفی نشان می‌دهد که تعامل سازنده میان این مؤلفه‌ها منجر به شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی ملی» می‌شود که خود موجبات تقویت انسجام اجتماعی و تاب‌آوری ملی در برابر چالش‌ها را فراهم می‌آورد. همچنین، تحقیق تأکید می‌کند که در جوامع چندفرهنگی، رویکرد «وحدت در عین کثرت» از طریق به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی در چارچوب هویت ملی جامع، کارآمدترین الگوی همبستگی محسوب می‌شود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های کلان در جهت تقویت همگرایی ملی و طراحی برنامه‌های آموزشی-فرهنگی مؤثر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: هویت ملی، همبستگی اجتماعی، انسجام ملی، سرمایه اجتماعی، یکپارچگی ملی، سیاست‌های هویتی.

**پیوند همگرایی ملی با توسعه علم، فناوری و نوآوری: مبانی
نظری، شواهد تجربی و تحلیل وضعیت ایران
محمدحسین بهشتی^۱، سمیه رمضان^۲**

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه دوسویه و تقویت کننده بین همگرایی ملی و توسعه علم، فناوری و نوآوری می‌پردازد. همگرایی ملی از عناصر بنیادین توسعه پایدار است و در پیوندی دوسویه با پیشرفت علمی و فناوری قرار دارد. از یک سو، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و هویت ملی مشترک بستر لازم برای شکل‌گیری همکاری‌های علمی و شبکه‌های نوآوری را فراهم می‌کنند؛ از سوی دیگر، توسعه علم و فناوری خود می‌تواند موجب تقویت اعتماد عمومی، کاهش نابرابری، گسترش عدالت فناوری و افزایش حس غرور ملی شود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری توسعه ملی، وضعیت جمهوری اسلامی ایران را از این منظر مورد واکاوی قرار می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که ایران با وجود برخورداری از سرمایه انسانی قدرتمند و

۱. استاد پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران، (نویسنده مسئول)، m.beheshty@ipp.ac.ir.

۲. دانش‌آموخته دکتری، عضو مدعو اندیشکده چرخه نوآوری مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

دستاوردهای فناوریانه چشمگیر در شرایط تحریم، با چالش‌هایی در زمینه اعتماد اجتماعی، هماهنگی نهادی و نابرابری‌های منطقه‌ای مواجه است که تحقق پیوند میان همگرایی و توسعه علمی را با موانعی روبه‌رو می‌کند. انتظار می‌رود که با رفع این موانع، که چندان هم سخت نیست، توسعه علمی و فناوری ایران شتاب بیشتری به خود گیرد.

واژگان کلیدی: همگرایی ملی، پیشرفت، علم و فناوری، پژوهش، سرمایه اجتماعی، هویت ملی.

نظام رصد مسائل و مأموریت‌های پژوهشی به مثابه زیرساخت همگرایی در پیشرفت؛ چارچوبی برای افزایش بهره‌وری نظام پژوهش کشور

سمیه رمضانی^۱، محمدحسین بهشتی^۲

چکیده

این مقاله مدلی انتزاعی برای پیوند نظام‌مند دانشگاه و مراکز پژوهشی با نیازهای اساسی کشور را ارائه می‌دهد. هسته مرکزی این مدل، طراحی نظامی برای رصد چند لایه (افقی و عمودی) مسائل کلان و نیازهای آینده‌پژوهانه کشور است. این نظام در یک فرایند تعاملی، در قالب یک "مرکز رصد" با شناسایی مسائل اساسی، نیازهای پژوهشی و فناوری دستگاه‌های مختلف را تشخیص داده و بر اساس آن، به بخش کاربردی پژوهش‌های تحصیلات تکمیلی، مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ها جهت‌گیری مؤثر می‌دهد. پس از تشخیص مسائل، تعیین مأموریت‌ها و تعیین جهت‌گیری‌ها و روندهای پژوهشی، این مرکز، تعامل میان واحدهای تحقیقاتی و نهادهای مجری مربوطه را هماهنگ کرده و با نظارت بر فرآیند،

۱. عضو مدعو اندیشکده چرخه نوآوری مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، (نویسنده مسئول)،
sramezani_t@yahoo.com.

۲. استاد پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران و عضو اندیشکده چرخه نوآوری مرکز الگوی اسلامی
ایرانی پیشرفت.

نتایج حاصل را از طریق کمیته‌های تخصصی ارزیابی می‌کند. این ارزیابی هم کارآمدی عملکرد و هم پیامدهای جانبی را در بر می‌گیرد. در نهایت، نتایج مطلوب برای اجرا به نهاد مربوطه ابلاغ می‌شوند و نتایج نیازمند اصلاح، برای ویرایش به فرایند پژوهش باز می‌گردند. هدف نهایی مدل، تشخیص درست مسائل، سرعت عمل و انعطاف‌پذیری در پاسخ و افزایش بهره‌وری در ساختار پژوهشی و هدایت پایان‌نامه‌ها به سمت حل این مسائل ملی و جلوگیری از هدررفت منابع می‌باشد.

واژگان کلیدی: رصد مسائل کلان، آینده‌پژوهی، بهره‌وری، تعامل دانشگاه و صنعت، نظام ملی نوآوری.

جایگاه قانون اساسی، رهبری، گروه‌های مرجع و نخبگان برای تقویت همگرایی معطوف به پیشرفت در اسناد سیاستی نظام آموزشی کشور

ملیکا نجفی چالشتری^۱، اصغر زمانی^۲

چکیده

بررسی اسناد بالادستی، سیاست‌های کلی و اسناد نظام آموزشی و علمی کشور نشان می‌دهد که نخبگان، گروه‌های مرجع نقش پررنگ و مهمی در پیشرفت علمی، ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت و تقویت همگرایی علمی دارند. اسناد مهم مانند سند راهبردی امور نخبگان، آیین‌نامه جذب و نگه‌داری سرمایه انسانی استعداد برتر، سیاست‌های کلی علم و فناوری، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند جامع علمی کشور، نخبگان را به عنوان سرمایه‌های اصلی کشور معرفی کرده و جایگاه آنان را در شناسایی، جذب و شبکه‌سازی مهم و حیاتی می‌دانند. همچنین، بررسی سیاست‌های جدید شامل ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سیاست‌های کلی نظام اداری،

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه الزهراء، (نویسنده مسئول)،

najafichaleshtarimelika@gmail.com.

۲. دانشیار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

بیانیه نقش دانشگاه در تعلیم و تربیت اجتماعی و بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد که به نقش قانون اساسی، رهبری و گروه‌های مرجع در تقویت همگرایی علمی توجه نشده است. پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش کیفی است و با رویکرد تحلیل اسنادی انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسناد رسمی گردآوری شده و جامعه شامل اسناد بالادستی، سیاست‌های کلی و اسناد تحولی نظام آموزشی، علمی و فرهنگی کشور است.

واژگان کلیدی: اسناد سیاستی، پیشرفت، تقویت همگرایی، گروه‌های مرجع، نخبگان، نظام آموزشی کشور.

نقش یگان‌های هوایی فراجا در همگرایی و پیشرفت امنیت جمهوری اسلامی ایران

علیرضا سخاوت بنیس^۱

چکیده

تحولات پیچیده محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تنوع روزافزون تهدیدات فراملی، ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین و هم‌افزا در ساختارهای امنیتی و انتظامی کشور را دوچندان ساخته است. در این میان، یگان‌های هوایی فرماندهی کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توان انتظامی، نقش مؤثری در ارتقای همگرایی نهادی و پیشرفت امنیت ملی ایفا می‌کنند. هدف پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل نقش یگان‌های هوایی فراجا در تحقق همگرایی بین‌سازمانی و ارتقای سطح امنیت جمهوری اسلامی ایران است. این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی، تحلیل مأموریت‌ها و بررسی تجارب عملیاتی یگان‌های هوایی فراجا انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یگان‌های هوایی فراجا از طریق پشتیبانی اطلاعاتی و عملیاتی از یگان‌های زمینی، افزایش سرعت و دقت واکنش به تهدیدات امنیتی، پایش و کنترل هوشمند مرزها، مقابله با جرایم سازمان‌یافته و

۱. استادیار، دانشگاه علوم انتظامی امین، arsb90@gmail.com

مشارکت مؤثر در مدیریت بحران‌ها و حوادث غیرمترقبه، نقش مهمی در تقویت هم‌افزایی میان نهادهای امنیتی و انتظامی کشور ایفا می‌کنند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که توسعه کارآمد یگان‌های هوایی فراجا موجب افزایش کارایی مأموریت‌های امنیتی، کاهش هزینه‌ها و مخاطرات انسانی، ارتقای احساس امنیت اجتماعی و تحکیم اقتدار ملی می‌شود. در پایان، پژوهش حاضر بر لزوم تقویت زیرساخت‌های فناورانه، ارتقای آموزش‌های تخصصی، به‌روزرسانی ناوگان هوایی و تعمیق تعاملات بین‌سازمانی به عنوان الزامات پیشرفت امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد.

واژگان کلیدی: هواپیمایی فراجا، فراجا، امنیت، هواگرد، پیشرفت، اسلامی.

جهانی شدن و اقتصاد شهری: همگرایی یا واگرایی؟

لطفعلی کوزه‌گر کالجی^۱، بتول حسینی تلی^۲،

پرویز آقایی^۳

چکیده

جهانی شدن پدیده‌ای است که در دهه‌های گذشته مرزهای ملی را در نوردیده و اغلب کشورهای جهان را به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار داده است. برخی از محققان، آثار و پیامدهای جهانی شدن را بر رشد اقتصاد ملی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و به طور کلی ماهیت توسعه‌گرایی آن را برجسته می‌کنند و در نقطه مقابل نیز دیدگاه‌های نه چندان خوشبینانه‌ای نسبت به روندهای مذکور وجود دارد اگرچه نگاه جامع‌تر و بی‌طرفانه‌ای نیز وجود دارد که هم جوانب مثبت و هم جوانب منفی را در نظر می‌گیرد. بر همین اساس این پژوهش جهانی شدن را از منظر همگرایی یا واگرایی در حوزه موضوعی اقتصاد شهری و به خصوص فقر شهری مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که

۱. دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده

مسئول)، akozegar2010@gmail.com

۲. دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، آموزش و پرورش منطقه ۶.

۳. دانش‌آموخته دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

در کنار دو رهیافت واگرایی و همگرایی نگرش سومی نیز وجود دارد که با جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر برخورد دوسویه دارد. بر اساس این رهیافت با اینکه جهانی شدن الزاماً موجبات رشد و توسعه را در تمام کشورها فراهم نمی‌سازد اما فاصله گرفتن از آن نیز امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا از نظر طرفداران این دیدگاه، جهانی شدن در مناطق و کشورهای مختلف آثار و نتایج متفاوت بر فقر دارد. این دیدگاه جهانی شدن را الزاماً موجب رفاه و ثروت در بین تمامی جوامع نمی‌دانند اما معتقد است که با تنظیم سیاست‌های واقع‌بینانه و منطقی از سوی کشورهای در حال توسعه در قالب برنامه مدیریت کارآمد، امکان توسعه‌یافتگی تحقق‌پذیر است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، فقر، اقتصاد شهری، ایران.

همگرایی ملی به مثابه بستر پیشرفت: تبیین نقش مدیریت

جهادی با رویکردی کاربردی

داود طالبی^۱، زهرا رحمانی^۲

چکیده

پیشرفت در جوامع معاصر پدیده‌ای چندبعدی است که تحقق آن صرفاً با اتکا به سیاست‌های اقتصادی یا اصلاحات مدیریتی امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم تعامل میان بسترهای اجتماعی و سازوکارهای اجرایی کارآمد است. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش همگرایی ملی در تقویت ظرفیت تحقق پیشرفت و تحلیل چگونگی تبدیل این ظرفیت به عملکرد مؤثر از طریق مدیریت جهادی انجام شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی مبانی نظری و تحلیل مفهومی است. یافته‌ها نشان می‌دهد همگرایی ملی از طریق تقویت اعتماد اجتماعی، شکل‌گیری هویت مشترک، کاهش تعارض‌های نهادی و تسهیل همکاری‌های بین‌بخشی، نوعی ظرفیت نهفته اجتماعی در قالب سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند. با این حال، این ظرفیت در غیاب سازوکار مدیریتی مناسب بالفعل

۱. عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده مسئول)،

d-talebi@sbu.ac.ir.

۲. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی گرایش مدیریت کیفیت و بهره‌وری دانشگاه شهید بهشتی.

نمی‌شود و به نتایج اجرایی پایدار منتهی نخواهد شد. مدیریت جهادی با تأکید بر تعهد مدیریتی، برنامه‌ریزی سیستمی، توانمندسازی منابع انسانی، بهبود مستمر و جهت‌گیری ارزشی، این سرمایه اجتماعی را به عملکرد مؤثر و پیشرفت عملیاتی تبدیل می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کارآمدی مدیریت تابعی از کیفیت بستر اجتماعی است و پیشرفت ماهیتی اجتماعی - نهادی دارد. بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش تحقق پیشرفت را حاصل هم‌افزایی میان بستر اجتماعی همگرا و فعال‌سازی مدیریتی ارزش‌محور در سه سطح اجتماعی، مدیریتی و پیامدی می‌داند؛ به گونه‌ای که اختلال در هر یک از این سطوح می‌تواند کل فرآیند را با چالش مواجه سازد.

واژگان کلیدی: همگرایی ملی، مدیریت جهادی، پیشرفت، سرمایه اجتماعی، عملکرد سازمانی، انسجام اجتماعی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

همبستگی اسلامی و همگرایی منطقه‌ای: نقش ایران در بحران بوسنی و هرزگوین در تقویت پیشرفت و اتحاد کشورهای مسلمان

محمد مهدی آخوندی^۱

چکیده

جنگ بوسنی (۱۹۹۲-۱۹۹۵) یکی از مهم‌ترین بحران‌های مربوط به جمعیت مسلمان در منطقه بالکان بود که ضرورت همبستگی اسلامی و همکاری منطقه‌ای را برجسته کرد. ایران، به عنوان یکی از کشورهای کلیدی جهان اسلام، نقش مهمی در حمایت از بوسنی و هرزگوین در دوران مبارزه برای بقا و استقلال در برابر پاکسازی قومی و آشفتگی‌های سیاسی ایفا کرد. این مطالعه به بررسی اقدامات ایران در تقویت همبستگی اسلامی و ایجاد وحدت منطقه‌ای در دوران بحران بوسنی می‌پردازد. با تحلیل تلاش‌های دیپلماتیک، کمک‌های بشردوستانه و تبادلات فرهنگی ایران، این مقاله نشان می‌دهد که این اقدامات نه تنها از بوسنی حمایت کردند، بلکه به چشم‌انداز وسیع‌تر همگرایی اسلامی و پیشرفت نیز کمک کردند. علاوه بر این، مطالعه حاضر به ظرفیت‌های مدل ایرانی-اسلامی پیشرفت

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران،

mmakhoondi1997@isu.ac.ir

در ارتقای همکاری و اتحاد میان کشورهای مسلمان، به ویژه در مناطق مواجهه با چالش‌های اجتماعی و سیاسی، می‌پردازد. یافته‌ها اهمیت ارزش‌های مشترک، پیوندهای تاریخی و تلاش‌های جمعی را در پیشبرد پیشرفت و ایجاد صلح در جهان اسلام نشان می‌دهند. نقش ایران در بحران بوسنی نمونه‌ای ارزشمند از استفاده از همبستگی اسلامی برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای و پیشبرد توسعه جمعی است.

واژگان کلیدی: همبستگی اسلامی، روابط ایران و بوسنی، همگرایی منطقه‌ای، بحران بوسنی، اتحاد کشورهای مسلمان.

طراحی به مثابه سیاست فرهنگی: امکان‌سنجی حکمرانی دیزاین در شکل‌دهی هویت و ذائقه زیبایی‌شناسانه جامعه ایرانی

فاطمه بهلی بهل^۱، امیربهادر خلخالی^۲، سیامک پدارم مهر^۳

چکیده

در دهه‌های اخیر، طراحی از جایگاه سنتی خود به عنوان فعالیتی معطوف به تولید فرم و بهبود کارکرد فراتر رفته و به مثابه سازوکاری فرهنگی-اجتماعی برای تنظیم تجربه زیسته، رفتار روزمره و ذائقه زیبایی‌شناسانه مورد توجه قرار گرفته است. این تحول مفهومی، امکان‌بازاندیشی در نقش طراحی در سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی عمومی را فراهم کرده است. مطالعه حاضر با تکیه بر مفهوم حکمرانی طراحی و با رویکرد امکان‌سنجی نظری-تحلیلی، به بررسی ظرفیت طراحی به عنوان سیاست فرهنگی نرم در بازسازی هویت و ذائقه زیبایی‌شناسانه جامعه ایرانی می‌پردازد. در این چارچوب، طراحی به مثابه کنشی سیاسی-

۱. دانشجوی دکتری طراحی صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

۲. دانشجوی دکتری طراحی صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، (نویسنده مسئول)،

Kh.amirbahador@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

فرهنگی تبیین می‌شود که از طریق سازمان‌دهی تجربه‌های تکرار شونده زندگی روزمره، در عادی‌سازی انتخاب‌ها و جهت‌دهی به هنجارهای اجتماعی و ترجیحات زیبایی‌شناسانه مداخله می‌کند. بررسی تطبیقی الگوهای حکمرانی طراحی در کشورهایی مانند کره جنوبی، انگلستان و کشورهای اسکاندیناوی، سه استراتژی اصلی بازارمحور، دولت رفاه و توسعه‌گرا را نمایان می‌سازد که در آنها طراحی به ابزاری نهادمند برای توسعه ملی، رفاه اجتماعی و قدرت نرم تبدیل شده است. تحلیل وضعیت ایران با بهره‌گیری از ادبیات فارسی و بین‌المللی، ضمن شناسایی ظرفیت‌هایی چون سرمایه انسانی و بازار داخلی، به موانعی نظیر ضعف زنجیره تأمین، حمایت ناکافی از مالکیت فکری و شکاف میان دانشگاه و صنعت اشاره دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که تحقق حکمرانی طراحی در ایران نه پیروی از الگویی آماده، بلکه فرآیندی تدریجی و میان‌رشته‌ای است. این مهم مستلزم هماهنگی نهادی، مشارکت فرهنگی و تمرکز بر زیبایی‌شناسی زندگی روزمره است تا طراحی در چارچوب حکمرانی طراحی، بتواند به عنوان سیاست فرهنگی نرم، در بازتعریف هویت و ذائقه زیبایی‌شناسانه جامعه ایرانی نقش مؤثری ایفا کند.

واژگان کلیدی: حکمرانی دیزاین، سیاست فرهنگی نرم، ذائقه زیبایی‌شناسانه،

هویت فرهنگی ایرانی، زیبایی‌شناسی زندگی روزمره.

امامزادگان به مثابه کانون‌های محلی مغفول در راستای تقویت
همگرایی تمدنی - فرهنگی
(مطالعه موردی: امامزاده یحیی (ع) کلیدر)

مصطفی لعل شاطری^۱، پیمان ابوالبشری^۲، مهلا محمودی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین ظرفیت‌های امامزادگان به مثابه کانون‌های محلی مغفول در راستای تقویت همگرایی تمدنی - فرهنگی ملی با تأکید بر امامزاده یحیی بن زید (ع) واقع در روستای کلیدر نیشابور با اتخاذ رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی، صورت پذیرفته است. پرسش اصلی عبارت است از اینکه امامزاده یحیی (ع) کلیدر با در نظر گرفتن ویژگی‌های تاریخی، کارکردهای مذهبی - اجتماعی و باورهای مردمی مرتبط با آن، از چه ظرفیت‌ها و الزاماتی برای تبدیل شدن به یک مقصد پایدار گردشگری در راستای ایجاد یک کانون همگرایی تمدنی - فرهنگی برخوردار است؟ یافته‌ها مؤید آن است که این امامزاده، فراتر از کارکرد زیارتی

۱. استادیار، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، (نویسنده مسئول)، mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir

۲. استادیار، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور.

۳. کارشناسی، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور.

محض، به کانونی برای تبلور مناسک جمعی، باورهای عامیانه و اقتصاد نذر تبدیل شده، اما ظرفیت‌های آن در راستای همگرایی تمدنی- فرهنگی، همچون اکثر امامزادگان محلی ایران ناشناخته و بلااستفاده مانده است. این مطالعه با تحلیل ابعاد مختلف، راهبردهای کاربردی و یکپارچه‌ای را در سه محور ساماندهی کالبدی و زیرساختی، تنوع‌بخشی به تجربه فرهنگی زیارت از طریق خلق مسیرهای روایی و احیای آیین‌ها و توسعه محتوایی و برندسازی ارائه می‌کند. این راهکارها که بر مشارکت جامعه محلی و نهادهای ذی‌ربط تأکید دارد، می‌تواند نقطه آغازین برای برنامه‌ریزان جهت تبدیل امامزاده یحیی بن زید (ع) کلیدر به مقصدی متمایز در گردشگری جهت تقویت همگرایی تمدنی- فرهنگی در عرصه محلی باشد؛ الگویی که ساختار آن از قابلیت عملیاتی برای سایر امامزادگان در عرصه ملی برخوردار است.

واژگان کلیدی: همگرایی تمدنی- فرهنگی، امامزادگان ایران، امامزاده یحیی بن زید (ع)، روستای کلیدر نیشابور.

نقش و کارکرد دین در جامعه پاسکولار از منظر هابرماس (زمینه‌ای برای گفت‌وگو و همگرایی فکری)

فردین نراقی^۱، علیرضا اسمعیل‌زاد^۲، رضا نصیری حامد^۳

چکیده

واژه سکولاریسم در اصل جدایی دین از دولت است. این مفهوم بدان معنا است که نهادهای دولتی نباید تحت تأثیر سازمان‌های مذهبی قرار گیرند و باید در امور مذهبی بی‌طرف بمانند. باید گفت که تضادهای بین سکولاریسم و دین پیچیده هستند، در جوامع چندفرهنگی، وقتی سبک‌های زندگی مذهبی و سکولار با هم برخورد می‌کنند، منازعاتی ایجاد می‌شود. تضاد بین سکولاریسم و دین اغلب از تنش بین ارزش‌های دینی و سکولار و نقش دین در جامعه ناشی می‌شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی و تبیینی و با روش اسنادی و کتابخانه‌ای به دنبال بررسی دیدگاه هابرماس در خصوص نقش و کارکرد مذهب در جوامع مدرن است. در نتیجه دغدغه نویسنده این است که هابرماس چه رویکردی را در مورد نقش دین و کارکردهای آن در عصر جدید ترویج می‌کند؟ در پاسخ به این

۱. دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، (نویسنده مسئول)،
stu.fardinnaraghi@iaut.ac.ir.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تبریز.

مسئله، هابرماس اخیراً به طور فزاینده‌ای به موضوع «مذهب» تمرکز کرده است. او از مفهومی به نام «جامعه پساسکولار» دفاع می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن شهروندان مذهبی و سکولار برای ایجاد چارچوبی مشترک برای همکاری وارد گفت‌وگو می‌شوند. او بر اهمیت «ترجمه متقابل» تأکید می‌کند، یعنی ارزش‌ها و مفاهیم دینی باید به گونه‌ای بیان شود که برای مردم سکولار قابل درک باشد و بالعکس. بر خلاف مفهوم سکولار، مفهوم «پساسکولار» به این معنی است که بُعد مذهبی به عنوان یک مدل منسوخ شده، دیده نمی‌شود. دیدگاه سکولاریستی فرض می‌کند که دین در حال حاضر هنوز وجود دارد، اما در مقطعی به پایان خواهد رسید. دیدگاه پساسکولار فرض را بر این می‌گذارد که دین باید در فضای عمومی مؤثر باقی بماند و نباید بی‌ارزش شود. به گفته هابرماس، سکولاریسم برای حفظ مشروعیت و انسجام اجتماعی نیازمند تعامل با سنت‌های دینی است. اگرچه هابرماس به طور فزاینده‌ای به فلسفه دین علاقه‌مند است، اما هیچ یک از حوزه‌های گشوده شده توسط نظریه عقل و ارتباط را از قلم نمی‌اندازد؛ بلکه او به دنبال نقاط تماسی در درون دین است که آگاهی‌های هنجاری تحلیل رفته ما بتواند به آنها متصل شود و دوباره خود را احیا کند. یورگن هابرماس تفکر خود را پساتافیزیکی می‌داند. موضع او را باید به عنوان تحلیلی بر نقش و اهمیت فزاینده دین در جامعه مدرن و سکولار در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: یورگن هابرماس، دین، سکولاریسم، پست سکولاریسم، ترجمه متقابل.

طراحی مدل ساختاری تأثیر انسجام اجتماعی بر شاخص‌های ترکیبی رفاه و توسعه اقتصادی در ایران توفیق رسولی^۱

چکیده

هدف این مقاله طراحی مدل ساختاری برای سنجش تأثیر انسجام اجتماعی بر شاخص‌های ترکیبی رفاه و توسعه اقتصادی در ایران است. بر اساس مرور نظام‌مند منابع، انسجام اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن اجزای جامعه چنان به یکدیگر پیوند می‌خورند که کلیتی معنادار و اثربخش را پدید می‌آورند. این مفهوم از دو مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی و توزیع برابر فرصت‌ها تشکیل شده است. از سوی دیگر، رفاه اقتصادی مفهومی چندبعدی است که با استفاده از شاخص‌های ترکیبی نظیر شاخص رفاه اقتصادی (IEWB) قابل سنجش می‌باشد و ابعاد چهارگانه مصرف، انباشت ثروت، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی را در بر می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی از دو مسیر سرمایه اجتماعی و توزیع برابر فرصت‌ها بر ابعاد چهارگانه رفاه تأثیر می‌گذارد. سرمایه اجتماعی با تقویت اعتماد، مشارکت و همکاری اجتماعی، هزینه‌های مبادله را

۱. دانشجوی دکتری مقطع دکتری توسعه اقتصادی، گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه، t.rasoli@iau.ac.ir

کاهش داده و کارایی نهادهای اقتصادی را افزایش می‌دهد. توزیع برابر فرصت‌ها نیز از طریق کاهش نابرابری و افزایش عدالت اجتماعی، به بهبود شاخص‌های رفاه به ویژه در ابعاد توزیع درآمد و امنیت اقتصادی منجر می‌شود. مدل پیشنهادی این پژوهش که مبتنی بر معادلات ساختاری است، می‌تواند تصویر واقعی‌تری از رابطه تعاملی این دو مفهوم در ایران ارائه دهد و چارچوبی مناسب برای تحلیل‌های تجربی آتی فراهم آورد. این مدل با تأکید بر نقش میانجی‌گر نهادها و ساختارهای اجتماعی، قابلیت آزمون در سطوح مختلف جغرافیایی و اجتماعی را دارا می‌باشد.

واژگان کلیدی: انسجام اجتماعی، رفاه اقتصادی، شاخص ترکیبی، سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی.

آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی صنعت نفت ایران در تحقق پیشرفت اقتصادی

امیررضا نریمانی^۱، احمدرضا اباذری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با تمرکز بر چالش‌های نهادی و حکمرانی در صنایع راهبردی، به تحلیل کارایی خط‌مشی‌های خصوصی‌سازی در صنعت نفت ایران می‌پردازد. مسئله اصلی این مطالعه، واکاوی شکاف میان اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و نتایج عملی آن در بخش انرژی است که فراتر از انتقال مالکیت، به مثابه یک پدیده حکمرانی‌محور بررسی شده است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، کیفی است که داده‌های آن از طریق تحلیل اسنادی گردآوری و با روش تحلیل مضمون براون و کلارک^۳ در نرم‌افزار مکس کیو دی ای^۴ تحلیل شد. یافته‌های پژوهش منجر به شناسایی چهار مضمون کلیدی شد: غلبه منطق مالی کوتاه‌مدت بر اهداف توسعه‌ای، ضعف حکمرانی تنظیم‌گر و ناهماهنگی

۱. استادیار دانشکده حکمرانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)،

narimani@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد حکمرانی اقتصادی، دانشکده حکمرانی، دانشکده‌گان مدیریت،

دانشگاه تهران.

3. Braun & Clarke.

4. MAXQDA.

نهادی، عدم انتقال واقعی کنترل مدیریتی و بازتولید انحصار در قالب جدید. نتایج نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی در صنعت نفت عمدتاً به شکل «شبه‌خصوصی‌سازی» اجرا شده و به افزایش بهره‌وری یا کاهش مداخلات دولت منجر نشده است. در نهایت، مقاله بر ضرورت اصلاح چارچوب تنظیم‌گری به عنوان پیش شرط موفقیت واگذاری‌ها تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: خصوصی‌سازی، حکمرانی انرژی، صنعت نفت ایران، خط‌مشی‌گذاری عمومی.

نقش و جایگاه قانون اساسی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

عظیم متین^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در توسعه سیاسی با تأکید بر چارچوب نظری نهادگرایی می‌پردازد. هدف مطالعه، تحلیل ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون اساسی در زمینه مشارکت سیاسی، پاسخگویی حکومت، حقوق شهروندی و نهادهای مدنی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قانون اساسی ایران از منظر هنجاری و نظری، دارای شاخص‌های مثبت توسعه سیاسی شامل شناسایی حقوق و آزادی‌های اساسی، پیش‌بینی نهادهای انتخابی، و ایجاد سازوکارهای نظارتی است. با این حال، تمرکز قدرت در نهادهای فرادست، محدودیت رقابت سیاسی، ابهام در حدود حقوق شهروندی و ضعف استقلال برخی نهادهای نظارتی به عنوان شاخص‌های منفی توسعه سیاسی عمل کرده و مانع بالفعل شدن ظرفیت‌های توسعه‌گرا شده‌اند. پژوهش همچنین بر لزوم بازنگری بخشی از اصول قانون اساسی مطابق اصل ۱۷۷ تأکید دارد تا با

۱. دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه علامه طباطبائی،

اصلاح اختیارات نهادها، تضمین حقوق سیاسی و ارتقای نقش نهادهای واسط و محلی، زمینه تحقق توسعه سیاسی پایدار فراهم شود. این مطالعه نشان می‌دهد که توسعه سیاسی در ایران بیش از آنکه به تغییر کلی قانون اساسی نیاز داشته باشد، نیازمند تقویت پاسخگویی، توازن قدرت و نهادینه‌سازی مشارکت سیاسی است.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، توسعه سیاسی، نهادگرایی، مشارکت سیاسی، پاسخگویی، حقوق شهروندی، اصل ۱۷۷.

رابطه فساد سیاسی و رشد اقتصادی در کشورهای با اقتصاد

رانتیر

امین نواختی مقدم^۱، سمیرا عالی نسب^۲

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه فساد سیاسی و رشد اقتصادی در کشورهای با اقتصاد رانتیر می‌پردازد. بنابراین سؤال محوری مقاله این است که «فساد سیاسی در کشورهای رانتیر از طریق چه سازوکارهایی بر رشد اقتصادی بلندمدت تأثیر منفی می‌گذارد؟». فرضیه مقاله بر این مبنا است که در اقتصادهای رانتیر، فساد سیاسی سیستمی و نهادینه شده، از طریق تضعیف نهادهای حاکمیت قانون، تحریف تخصیص منابع و تغییر انگیزه‌های اقتصادی به سمت رانت‌جویی به جای تولید، به صورت معناداری رشد اقتصادی بلندمدت را مختل می‌سازد. روش تحقیق تحلیلی-توصیفی مبتنی بر تحلیل نظری و اسنادی با اتکا به چارچوب اقتصاد سیاسی و نهادگرایی است که در آن مفاهیم کلیدی مانند دولت رانتیر، فساد سیاسی و مؤلفه‌های آن و وضعیت رشد اقتصادی در این کشورها تشریح می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های ساختاری اقتصاد رانتیر، از جمله تمرکز درآمد،

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، (نویسنده مسئول)، navakhti@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه محقق اردبیلی.

گسست رابطه مالیاتی- پاسخگویی، شکل‌گیری شبکه‌های انحصاری و تضعیف عمدی نهادهای نظارتی، بستری برای نهادینه شدن فساد سیاسی فراهم می‌آورند. این فساد سیستمی به نوبه خود منجر به رشد اقتصادی شکننده، وابسته به نوسانات قیمت منابع، فاقد تنوع و محصور در چرخه معیوب رانت‌جویی می‌شود. در نتیجه، این مقاله تأکید می‌کند که بدون اصلاحات نهادی عمیق و کاهش وابستگی به رانت، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در این کشورها امکان‌پذیر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: فساد سیاسی، رشد اقتصادی، اقتصاد رانتیر، حکمرانی اقتصادی، نهادهای سیاسی.

نقش علوم شناختی در همگرایی معرفتی، اجتماعی و فناورانه
 تمدنی؛ چارچوبی راهبردی برای تحقق الگوی اسلامی -
 ایرانی پیشرفت در حوزه سلامت در بستر فناوری‌های نوین
 اطلاعاتی و فضای مجازی

محمدحسین مهرالحسنی^۱، رستم سیف‌الدینی^۲،

روحانه رحیمی صادق^۳

چکیده

تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در عصر اطلاعات و تحولات نوین ارتباطی، مستلزم درک عمیق از سازوکارهای شناختی، معنایی و اجتماعی حاکم بر زیست جهان معاصر است. فضای مجازی و فناوری‌های هوشمند، به ویژه هوش مصنوعی، نه تنها ابزارهای فنی، بلکه بسترهای شکل دهنده به ادراک، هویت و کنش جمعی محسوب می‌شوند. در این میان، علوم شناختی با ماهیت میان‌رشته‌ای خود در حوزه‌هایی چون فلسفه و حکمت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی، رسانه و ارتباطات، هوش

۱. استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۲. استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

۳. استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان، (نویسنده مسئول)، rhn.rahimi@gmail.com.

مصنوعی و علوم اعصاب، می‌تواند نقش لایه نرم همگرایی تمدنی را ایفا کند. این مقاله با رویکردی تحلیلی- تبیینی، جایگاه علوم شناختی را در تحقق همگرایی معرفتی، اجتماعی و فناورانه برای دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بررسی می‌کند و با تمرکز بر فضای مجازی و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، چارچوبی راهبردی برای کاربردی‌ترین هوشمندانه و ارزش‌مدار این علوم ارائه می‌دهد و در نهایت براساس بسته راهبردی پیشنهادی به عنوان نمونه و مناسب‌ترین حوزه برای آغاز، مراحل تحقق در حوزه سلامت را تبیین می‌کند. جمع‌بندی نهایی آنکه بدون حکمرانی شناختی و بومی‌سازی معرفتی فناوری‌های نوظهور در فضای مجازی می‌تواند به عامل واگرایی تمدنی بدل شود؛ در حالی که بهره‌گیری هدفمند از علوم شناختی، آن را به سکوی تمدن‌سازی نوین اسلامی تبدیل می‌کند.

واژگان کلیدی: علوم شناختی، همگرایی تمدنی، فضای مجازی، هوش مصنوعی، حکمرانی شناختی، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، حوزه سلامت.

تحلیل تطبیقی اصول معماری اسلامی با مؤلفه‌های الگوی

اسلامی - ایرانی پیشرفت

علی صادقی حبیب‌آباد^۱

چکیده

معماری اسلامی یکی از برجسته‌ترین نمادهای ملموس فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌آید که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از اصول معرفتی، ارزشی و کالبدی، نقش بسزایی در شکل‌دهی فضاهای زیستی، عبادی و اجتماعی جوامع اسلامی ایفا کرده است. در مقابل، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به عنوان چارچوبی جامع و تمدنی مطرح می‌شود که بر بنیان‌هایی مانند توحید، عدالت، معنویت، عقلانیت، علم‌محوری، هویت فرهنگی و سبک زندگی اسلامی جهت تحقق پیشرفت همه‌جانبه تمرکز دارد. این پژوهش، با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی و تطبیقی، به بررسی و تحلیل روابط مفهومی و کارکردی بین اصول معماری اسلامی و مؤلفه‌های اصلی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اصول معماری اسلامی در ابعاد مختلف کالبدی، فضایی، اجتماعی و معنایی نه تنها هم‌پوشانی

۱. استادیار گروه مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه باسوج،

Alisadeghi@yu.ac.ir.

مفهومی قابل توجهی با مؤلفه‌های این الگو دارند، بلکه می‌توانند به عنوان ابزاری عملی برای تحقق عدالت فضایی، تقویت معنویت در جمع‌ها، ارتقای هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی و ترویج سبک زندگی اسلامی مؤثر باشند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که معماری اسلامی با فراتر رفتن از مرزهای صرفاً فرم یا گذشته تاریخی، قابلیت تبدیل شدن به یکی از عناصر کلیدی تمدن‌سازی را دارا است و می‌تواند نقش بنیادی و راهبردی در فرایند تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ایفا کند.

واژگان کلیدی: معماری اسلامی، الگوها، هویت فرهنگی، معنویت‌گرایی، جهان اسلام.

همبست آب، غذا با رشد جمعیت و اقتصاد سال ۱۴۲۰

کوروش جوادی پاشاکی^۱، ریحانه سادات حاج میرصادقی^۲،حمید محمدی^۳، محمدصادق مهدوی خرمی^۴

چکیده

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در پیشرفت ایران اسلامی همبست آب، غذا با رشد تکاملی جمعیت و اقتصاد می‌باشد. کمبود آب باعث فقر اقتصاد روستائیان، و فور منابع آب ثروت آفرین و رونق اقتصادی است. تقاضای مصرف آب تابعی از رشد اقتصاد و رشد جمعیت است. در ایران مقدار مصرف آب معمولاً از آب‌های سطحی مخازن سدها، آب زیرزمینی، پساب و آب دریا تأمین می‌شود. در این مقاله برای سنجش همبست آب و غذا با رشد تکاملی جمعیت و اقتصاد از ماتریس حسابداری اجتماعی SAM استفاده شده است با تعیین ضریب مستقیم تولید و ضریب فزاینده آب در چرخه اقتصاد. مقدار آب مورد نیاز در بخش کشاورزی، صنعت و معدن، بخش خدمات و شرب خانوارها برای سال ۱۴۲۰

۱. دکترای اقتصاد کشاورزی و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهریار، (نویسنده مسئول)، Javadi@yahoo.com.

۲. استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهریار.

۳. استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه زابل

۴. مدیرکل سرمایه‌گذاری معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم.

پیش‌بینی شده است. نتایج این تحقیق بر اساس سناریوی رشد جمعیت به مقدار ۱۳۲ میلیارد مترمکعب آب برای بخش‌های اقتصادی و خانوارها نیازمند می‌باشد و بر اساس سناریوی دوم نیز بر اساس رشد اقتصاد ایران به میزان ۱۸۱ میلیارد مترمکعب آب در سال ۱۴۲۰ مورد نیاز کشور می‌باشد که بایستی از آب‌های جاری مخازن سدها، آب زیرزمینی و پساب تأمین شود. قطعاً این مقدار تأمین برای اقتصاد و خانوارها مقدور نیست. بنابراین بهینه‌سازی مصرف آب، تصفیه پساب آب به چرخه اقتصاد، هوشمندسازی آب، جمع‌آوری آب‌های سطحی و زیرساخت مخازن آب، آبخیزداری، دیپلماسی آب، فرهنگ‌سازی مصرفی آب و بهبود کیفیت آب شرب باید در آینده توجه ویژه شود.

واژگان کلیدی: همبست آب، غذا، جمعیت، اقتصاد ایران، ماتریس حسابداری اجتماعی.

نقش خانواده آرامش آفرین در ارتقای منزلت اجتماعی خانواده و پیشرفت اجتماعی

امیر محمد طاهری^۱

چکیده

در دهه‌های اخیر، تضعیف آرامش روانی و فرسایش سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها، پیامدهایی چون کاهش اعتماد، افت مشارکت اجتماعی و تنزل منزلت اجتماعی خانواده را در پی داشته است. در این میان، «خانواده آرامش آفرین» به عنوان بستری برای تجربه امنیت عاطفی، تنظیم هیجان و حمایت روانی اعضا، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در ارتقای منزلت اجتماعی و پیشرفت اجتماعی ایفا کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش خانواده آرامش آفرین در ارتقای منزلت اجتماعی خانواده و فرایند پیشرفت اجتماعی، با رویکرد آمیخته اکتشافی (کیفی- کمی) انجام شد. در بخش کیفی، از طریق نمونه‌گیری هدفمند با والدین و متخصصان حوزه خانواده و روان‌شناسی، ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام و داده‌ها با روش تحلیل مضمون بررسی شد. بر اساس یافته‌های کیفی، الگوی مفهومی خانواده آرامش آفرین و ابعاد آن (جوّ هیجانی آرام، سبک‌های تنظیم هیجان والدین، الگوی ارتباطی حامیانه و معنابخشی مشترک به زندگی

۱. دکتری سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه تهران، t.olgou@gmail.com.

خانوادگی) تدوین شد. در بخش کمی، الگوی پیشنهادی روی نمونه‌ای ۳۶۵ نفری از خانواده‌های تهرانی با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد آزمون شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که خانواده آرامش‌آفرین به طور مستقیم منزلت اجتماعی ادراک شده خانواده را ارتقا می‌دهد و به طور غیرمستقیم، از طریق افزایش سرمایه اجتماعی خانوادگی و تقویت مشارکت و اعتماد اجتماعی، پیشرفت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها بر ضرورت طراحی مداخلات خانواده‌محور برای تقویت آرامش عاطفی و سرمایه اجتماعی به عنوان زیرساخت پیشرفت پایدار تأکید دارد.

واژگان کلیدی: خانواده آرامش‌آفرین، جو هیجانی خانواده، منزلت اجتماعی، سرمایه اجتماعی خانوادگی، پیشرفت اجتماعی، پژوهش آمیخته.

کشت فراسرزمینی: ظرفیتی برای تقویت همگرایی منطقه‌ای ایران

سارا جلو‌داریان^۱، علیرضا طلایی^۲، سیدحمید ظفری‌نیا^۳

چکیده

کشت فراسرزمینی یا کشت فرامرزی، به عمل کشت محصولات در کشوری دیگر و واردات بازده حاصل از آن به کشور مبدأ اشاره دارد. کشورهای مبدأ، سرزمین‌هایی هستند که علاقه‌ای به تولید این محصولات خاص در آنها وجود ندارد، اما شرایط تولید در آنها مطلوب است. توجه جهانی به این نوع کشت، حدود یک دهه پیش، هم‌زمان با افزایش قیمت محصولات کشاورزی، افزایش یافت. اهداف کشورها از کشت فراسرزمینی متفاوت است. این اهداف می‌تواند شامل تأمین بخشی از امنیت غذایی کشور سرمایه‌گذار، تأمین انرژی از طریق تولید سوخت‌های زیستی، تولید در کشور مقصد برای صادرات کشاورزی یا ترکیبی از موارد فوق باشد. کشت فراسرزمینی می‌تواند به عنوان یک اهرم

۱. دانش‌آموخته دکتری، پژوهشگر علمی، معاونت امور باغبانی، وزارت جهاد کشاورزی، (نویسنده مسئول)، sjelodarian@yahoo.com.

۲. گروه علوم باغبانی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران.

۳. دانشجوی دکتری، گروه علوم باغبانی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.

قدرتمند برای همگرایی منطقه‌ای بین ایران و کشورهای همسایه، نقش دیپلماسی کشاورزی را ایفا کند. کشورها با سرمایه‌گذاری مشترک در سرزمین‌های کشاورزی کشورهای همسایه، می‌توانند از طریق ایجاد زنجیره‌های تأمین غذای به‌هم‌پیوسته، وابستگی متقابل و منافع اقتصادی مشترک ایجاد کنند. این رویکرد نه تنها با کاهش هزینه‌های تولید و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقلیمی متفاوت، امنیت غذایی منطقه‌ای را تضمین می‌کند بلکه با ایجاد پروژه‌های زیرساختی مشترک و تبادل دانش فنی، روابط سیاسی و اقتصادی را تقویت کرده و از طریق ایجاد یک بازار واحد یا همکاری‌های کشاورزی، ثبات و صلح را در سطح منطقه‌ای افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه تاکنون اطلاعات جامعی در مورد کشت فراسرزمینی ایران وجود نداشته، پژوهش حاضر با هدف کاربردی بررسی کشت فراسرزمینی به عنوان پتانسیلی مناسب برای ایجاد همگرایی بین ایران و کشورهای همسایه انجام شد. ابزارهای تحقیق شامل اسناد، مقالات علمی و سوابق کتابخانه‌ای بود.

واژگان کلیدی: امنیت غذایی، کشاورزی پایدار، سرمایه‌گذاری خارجی، مدیریت استراتژیک، بازیگران فراسرزمینی.

اقتصاد تعاونی و نهضت مشارکت در همگرایی و توسعه پایدار بر پایه اقتصاد سکویی و شبکه‌ای

محمدرضا رضوانی^۱، علی اکبر رضوانی^۲

چکیده

مشارکت و همکاری مبتنی بر اقتصاد تعاونی، اقتصاد سکویی و شبکه‌ای، زمینه‌ساز مسئولیت در آحاد ملت و همگرایی در توسعه و پیشرفت است. این مهم؛ در راستای استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن محرومیت و برآوردن نیازهای انسان، در جریان رشد بوده که در بند (۲) از اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به تأمین شرایط و امکانات کار برای همه بر پایه تعاونی‌ها با رویکرد ممانعت از تمرکز ثروت در دست افراد خاص و مانع شدن از کارفرمایی بزرگ دولت، اشاره دارد. فرصت‌ها و قابلیت‌های نهفته در بخش تعاونی به حدی است که می‌تواند منافع و مزایای درآمدی ایجاد نموده و موجبات رشد و توسعه پایدار و همه‌جانبه را فراهم کند. جایگاه ویژه بخش تعاون در قانون اساسی و تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر مردمی‌سازی اقتصاد، بیانگر اهمیت و تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های بی‌بدیل بخش تعاون

۱. دکترای اقتصاد صنعتی گرایش بین‌الملل، (نویسنده مسئول)، Rezvani.sem@gmail.com.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی علوم جغرافیا و مدرس علوم اجتماعی مرکز تربیت معلم.

برای تقویت اقتصاد کشور است. علاوه بر آن، سیر تحولات بر پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات و تمهیدات فعالیت در فضای مجازی و کسب و کارهای نوین، ضرورت‌های ایجاد و توسعه اقتصاد سکویی و شبکه‌ای را بیان می‌کند. در این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب؛ متمرکز بر مطالعات کیفی و تفسیر و تحلیل عمیق آنها و با نگاهی جامع به بازتاب مشارکت در اقتصاد بر پایه تعاونی و اقتصاد سکویی و شبکه‌ای، به بررسی ابعاد مشارکت و تدوین نقشه راه در راستای توسعه اقتصاد تعاونی، پرداخته شده است. نتایج پژوهش به این مهم اشاره دارد که اقتصاد تعاونی، قدرت هماهنگی و همگرایی، تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری را افزایش می‌دهد و اقتصاد شبکه‌ای و سکویی نیز، جامعه را به سمت جهان همگرا جهت داده و آینده اقتصاد را می‌سازد. توصیه سیاستی، ناظر بر این اصل است که نهادسازی و تقویت زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر مشارکت مردم، همچنین، توسعه فرهنگ تعاون به منظور همگامی با تحولات اقتصادی، ضروری است.

واژگان کلیدی: مشارکت، اقتصاد تعاونی، اقتصاد سکویی و شبکه‌ای.